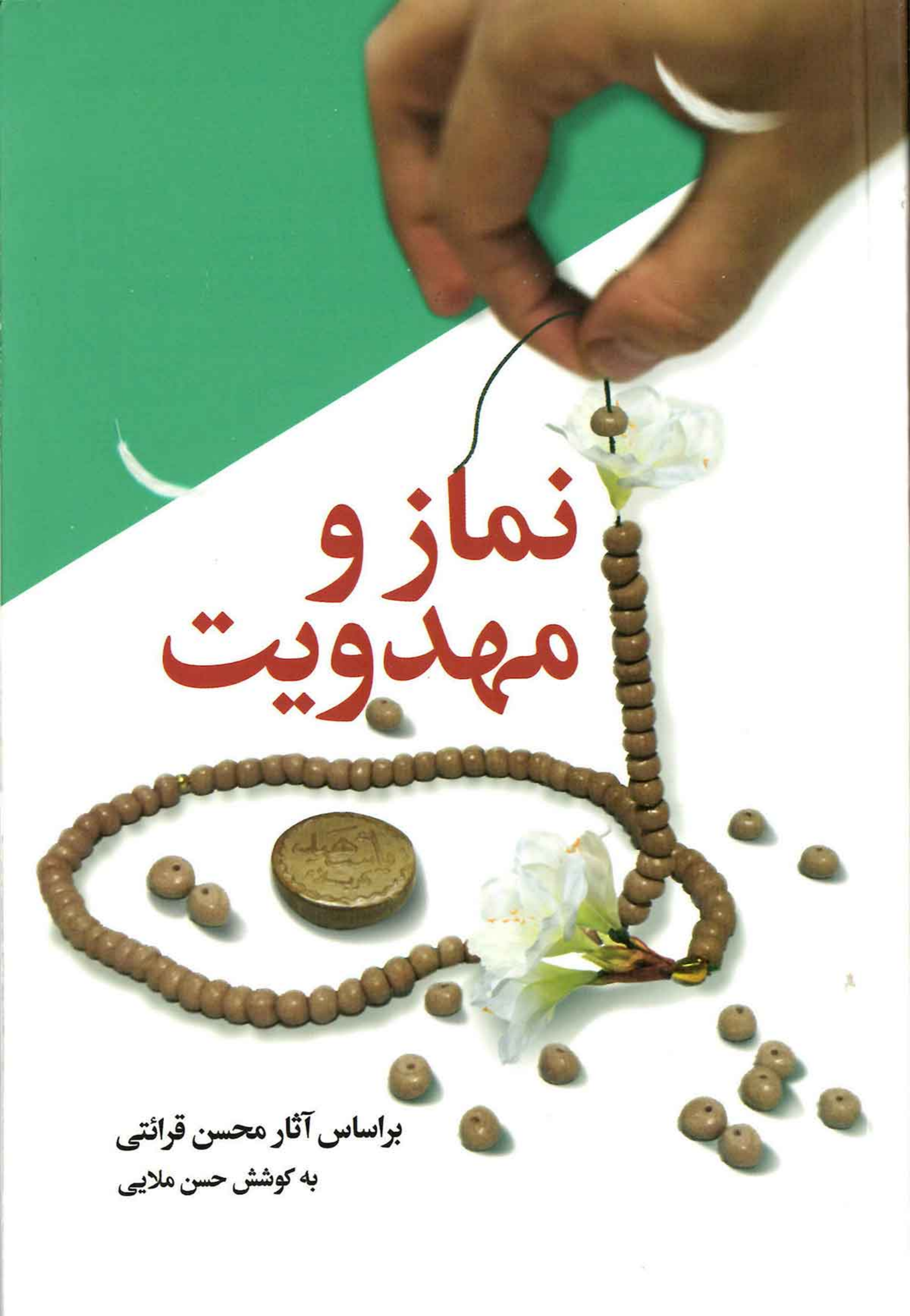




نماز و مهدویت

براساس آثار محسن قرائتی
به کوشش حسن ملایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾

سوره كهف، آیه ۴۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

به لطف خداوند و عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حدود ۵۰ سال است که به امر تبلیغ دین برای عموم مردم به ویژه نسل جوان مشغول هستیم و علاوه بر مباحث درس‌هایی از قرآن که هر هفته از تلویزیون پخش می‌شود، یک دوره اصول عقاید، فروع دین و تفسیر قرآن به نگارش درآورده‌ام که همه‌ی آنها در نرم افزاری تحت عنوان «مجموعه آثار» جمع آوری و منتشر گردیده است.

حجت الاسلام والمسلمین حسن ملایی از فارغ التحصیلان مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، به سفارش انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مطالب مرتبط با عنوان کتاب را از مجموعه آثار بنده استخراج و پس از تدوین، به شکل حاضر عرضه کرده‌اند.

امید است تلاش ایشان مورد قبول حضرتش واقع شده و برای خوانندگان مفید واقع شود.

محسن قرائتی



نماز و مہدویت

بر اساس آثار محسن قرائتی
بہ کوشش حسن ملایی

سرشناسه: قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ - Qeraati, Mohsin
 عنوان و نام پدیدآور: نماز و مهدویت بر اساس آثار محسن قرائتی / به کوشش حسن ملایی.
 مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص:، ۱۴×۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴-۰۰-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۰ - ۱۵۲.
 موضوع: نماز -- تأثیر -- Influence -- Salat
 موضوع: مهدویت -- انتظار -- *Waiting -- Mahdism
 موضوع: نماز -- جنبه‌های قرآنی -- Quranic teaching -- Salat
 شناسه افزوده: ملایی، حسن، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
 رده بندی کنگره: BP۱۸۶
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۹۵۴۵۰
 وضعیت رکورد: فیپا

نماز و مهدویت

تدوین‌گر: حسن ملایی (براساس آثار محسن قرائتی)

گرافیک: مسعود سلیمانی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

چاپخانه: بوستان کتاب

نوبت چاپ: دوم / تابستان ۱۴۰۱

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه (تاکنون ۳۰۰۰ نسخه)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۱۴-۰۰-۰

قیمت: ۴۰,۰۰۰ تومان



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰ / ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
 تهران: خیابان طالقانی / میدان فلسطین / شماره ۳۸۷
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۰۰۰۵۹

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.

فهرست مطالب

سخن آغازین: جایگاه امامت و مهدویت	۱۰
بخش اول: مشترکات نماز و مهدویت	
فصل اول. جایگاه مشترک نماز و مهدویت در اسلام	۱۸
۱. عبادت بودن نماز و انتظار ظهور	۱۸
۲. بندگی و رستگاری، هدف مشترک نماز و مهدویت	۲۲
۳. یادآوری نماز و حکومت جهانی صالحان در تمام ادیان	۲۸
۴. نماز و امام مهدی علیه السلام عهد الهی	۳۰
۵. نماز و مهدویت، عامل قبولی سایر اعمال	۳۲
۶. نماز و امام مهدی، سبب شفاعت	۳۴
فصل دوم. آثار مشترک نماز و مهدویت	۳۸
۱. باقی ساختن فانی	۳۸
۲. تبدیل مادیات به معنویات	۳۸
۳. سازندگی فرد و جامعه	۳۹
۴. جهت دهی رفتارها	۳۹
فصل سوم. شرایط مشترک صحت و قبولی نماز و انتظار	۴۱
الف) شرایط قبولی	۴۳
۱. شرط اعتقادی: ایمان به خدا	۴۳
۲. شرط سیاسی: ولایت	۴۴
۳. شرط اخلاقی: تقوا	۴۵
۴. شرط اقتصادی: ادای حق مردم	۴۶
۵. شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران	۴۶
۶. شرط خانوادگی: خوش رفتاری	۴۷

ب) شرایط کمال	۵۰
۱. مشکل تر باشد	۵۰
۲. مهم تر باشد	۵۱
۳. اثرش پایدارتر باشد	۵۱
۴. در خط پیامبر باشد	۵۲
۵. در شرایط دشوار انجام شود	۵۳
۶. نشاط و دوام داشته باشد	۵۳
۷. عبادت خود را بزرگ نشمارد	۵۴
۸. با بصیرت باشد	۵۴
فصل چهارم. آداب مشترک نماز و انتظار ظهور	۵۵
۱. آگاهانه	۵۵
۲. عاشقانه	۵۶
۳. خالصانه	۵۶
۴. خاشعانه	۵۷
۵. مخفیانه	۵۸
۶. مستمرانه	۵۸
۷. فرصت طلبانه	۵۹
۸. صبورانه	۶۰
۹. توسعه گرانه	۶۰
فصل پنجم. آفات مشترک نماز و انتظار ظهور	۶۲
۱. ریا و خودنمایی	۶۲
۲. عُجب و خودخواهی	۶۲
۳. خطا و گناه کاری	۶۲
۴. لج بازی	۶۳



۵. روشنفکر زدگی..... ۶۴
۶. مقدس مآبی ۶۴
۷. سایر آفات..... ۶۴

بخش دوم: تأثیر نماز بر مهدویت

- فصل اول. نماز، دعوت کننده به امام زمان و معرفت او..... ۶۸
- فصل دوم. نماز امام زمان علیه السلام و آغاز حکومت مهدوی ۷۰
- فصل سوم. نماز، عاملی مؤثر در دستیابی حکومت مهدوی به اهدافش..... ۷۱
- فصل چهارم. جایگاه نماز در کارگزاران امام زمان علیه السلام ۷۷
- فصل پنجم. نماز و زمینه سازی ظهور ۷۸
- الف) کارکردهای نماز در زمینه سازی فردی برای ظهور ۸۰
۱. کارکردهای بینشی نماز ۸۱
۲. کارکردهای گرایشی نماز ۸۹
۳. کارکردهای رفتاری نماز ۱۱۵
- ب) کارکردهای نماز در زمینه سازی اجتماعی برای ظهور ۱۱۸
۱. آگاهی از مسائل اجتماعی ۱۱۸
۲. جمع گرایی و ادب ۱۱۹
۳. رهبر محوری ۱۲۰
۴. امداد رسانی و حل مشکلات اجتماعی ۱۲۲
۵. دوست یابی صحیح ۱۲۳
۶. اصلاح مسائل مالی و اقتصادی ۱۲۴
۷. تقویت روابط سازمانی و تشکیلاتی ۱۲۴
۸. افزایش محبت بین همدیگر ۱۲۶
۹. کارکردهای حاصل از معاد باوری ۱۲۷
- فصل ششم. جایگاه نماز در عصر غیبت ۱۳۴

فهرست مطالب

بخش سوم: تأثیر مهدویت بر نماز

فصل اول. مهدویت و افزایش رغبت به نماز.....	۱۳۸
فصل دوم. اقامه کامل نماز به وسیله حکومت مهدوی	۱۴۴
فصل سوم. مهدویت، عامل قبولی نماز	۱۴۶
سخن آخر (توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریک با نماز)	۱۴۸
فهرست منابع	۱۵۰

دو مقوله نماز و مهدویت از موضوعات بسیار مهمی هستند که مطالعه اجمالی قرآن کریم و احادیث معصومین نیز به سهولت این ادعا را ثابت می‌کنند. پس از انقلاب اسلامی و به برکت حکومت اسلامی به این موضوع توجه زیادی شده و از جمله افرادی که در این مسیر زحمات زیادی را متقبل شده‌اند حضرت حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی هستند که با دونهاد «ستاد اقامه نماز» و «بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف»، همواره پی‌گیر این دو موضوع مهم بوده و انصافاً در شناساندن بهتر نماز و مهدویت گامهای بزرگی را در کشور برداشتند.

در این میان آنچه کمبود آن احساس می‌شود ارتباط «نماز و مهدویت» و تأثیر متقابلی بوده که این دو بر طبق متون دینی بر رشد و شکوفایی یکدیگر داشته و کمتر مورد توجه واقع شده است. این در حالی است که اگر میزان تأثیر این دو مقوله بر همدیگر به صورت روشن و شفاف مورد بررسی قرار گیرد برای بالا بردن کارایی هر کدام از آنها در جامعه به دیگری می‌توان تمسک جست.

نوشتار پیش رو برای جبران این خلأ سامان یافته و محتوای آن نیز بر اساس سالها تحقیق استاد قرائتی که در قالب کتاب و سخنرانی عرضه شده، تنظیم و تبویب گردیده است. امید آنکه این اثر نیز بتواند قدمی در راستای حضور پررنگ نماز و مهدویت در جامعه اسلامی ما باشد؛ ان شاء الله.

تدوین‌گر- حسن ملایی

قم مقدسه

سخن آغازین: جایگاه امامت و مهدویت

درباره موضوع نماز در کتابها و سخنرانی‌های مختلف، مطالبی را بیان کردیم؛ اما لازم است برای بررسی رابطه متقابل «نماز و مهدویت» راجع به «امامت و مهدویت» که از اصول دین است نکاتی را بیان نماییم:

یک. امامت از اصول دین

«امام» به معنای پیشوا و جمع آن «ائمّه» است. در حقیقت به آنچه از او پیروی می‌شود امام می‌گویند؛ خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل.^۱ اکنون که معنای امام روشن شد، برای اثبات این که امامت، یکی از اصول دین است، بهتر آن دانستیم که آیات و روایاتی را بیان کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان بگذاریم:

۱. خداوند در حجة الوداع، پیامبر را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»^۲ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگات بر تو نازل شده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده‌ای (و رسالت تو بی‌سرانجام است) و بدان که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می‌کند و خداوند کافران را هدایت نمی‌کند.

با توجه به اینکه سوره مائده آخرین سوره‌ای است که در اواخر عمر شریف پیامبر نازل شده و با توجه به اینکه مسائل مربوط به توحید و معاد، از همان ابتدای بعثت به مردم گفته شده و با توجه به اینکه دستورات نماز، جهاد، روزه، خمس

۱. مفردات راغب، ذیل ماده امم.

۲. سوره مائده، آیه ۶۷.

و زکات در سال‌های اول هجرت صادر شده و اکنون سال دهم هجری است و با توجه به اینکه پیامبر، انسان ترسویی نبود که خداوند این چنین سفارش کند و گرنه باید همان سال‌های اول بعثت که تنها بود بترسد نه سال‌های آخر که ده‌ها هزار علاقه‌مند دارد و با توجه به اینکه نحوه ابلاغ (جمع کردن تمام کاروانیان در گرمای سوزان مکه) و محل و زمان این دستور نیز منحصر به فرد است؛ با توجه به همه این مسائل، معلوم می‌شود پیامی را که پیامبر باید برساند درباره موضوعی بسیار مهم است که پیامبر ﷺ از پیامدهای آن و کارشکنی منافقان هراس دارد و آن مسئله جانشینی رسول خدا می‌باشد. چنانکه عده بسیار زیادی از اصحاب رسول خدا - که مورد قبول همه مسلمانان هستند - نیز این ماجرا را نقل کرده و گفته‌اند آیه درباره ماجرای غدیر خم و مسئله جانشینی پیامبر است.

۲. در روایات متعدد یکی از امور زیر بنایی و اساسی اسلام، امامت و ولایت معرفی شده است، چنانکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«بنی الاسلام علی خمسة اشیاء: علی الصلاة و الزكاة و الحج و الصوم و الولاية؛ بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است».

زراره که از شاگردان بزرگوار امام بود، می‌پرسد: کدام يك از این امور مهم‌تر است؟ امام می‌فرماید: ولایت از همه مهم‌تر است و سپس چنین توضیح می‌فرماید:

«لأنها مفتاحهنّ و الوالی هو الدلیل علیهنّ»^۱ زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی نقش رهبری و هدایت مردم را به دیگر موارد دارد».

۳. دلیل سومی که می‌توان برای اهمیت امامت آورد حدیث معروفی از پیامبر است که می‌فرماید: «مَنْ مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیّة»^۲ هر که بمیرد و

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۳۳۱.

نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیت مرده است». همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

كُلُّ مَنْ دَانَ لِلَّهِ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيَهُ غَيْرَ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ؛ هر که بدون پذیرش رهبر حق، خود را به زحمت انداخته و عبادتی انجام دهد، هرگز مورد قبول خدا نبوده و در تحیر و گمراهی است.

با نگاهی اجمالی به دلایل فوق، می‌توان دریافت که رهبری در اسلام جزو اصول دین است نه فروع دین و اصل امامت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ توحید که اولین اصل دین است، زمانی نمودین می‌شود که حاکم جامعه، امام معصوم باشد و گرنه به جای توحید، شرك و طاغوت سبز می‌شوند. نبوت و شریعت زمانی پابرجا می‌ماند که رهبری معصوم آن را حفظ کند و گرنه با خرافات و تحریف و بدعت و سلیقه‌های شخصی آمیخته شده و وحی از اعتبار می‌افتد. اصولاً جامعه بدون قانون و رهبر حق، مساوی با جنگل است و هر يك از قانون و رهبر مکمل یکدیگر و جدایی ناپذیرند.

شناخت و توجه به معاد و آشنایی با مسائل ملکوتی آن، جز از طریق امام معصوم ممکن نیست. امامت است که به نماز جان می‌دهد، به حج و روزه جهت می‌دهد، به جهاد مشروعیت می‌دهد و فرایض الهی را احیا می‌کند. امام همانند کارخانه برق به همه لامپ‌ها نور و روشنایی می‌دهد.

دو. دلایل نیاز به امام

به همان دلایلی که نیاز به پیامبر داریم، به امام هم نیاز داریم و ما پیش از این در کتاب نبوت، در این زمینه دلایلی را بیان کردیم و اینک آنها را مرور می‌کنیم:

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۵.

* آیا می‌توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان رشد و کمال و در مسیر خدا قرار گرفتن باشد، ولی در این میان هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

* آیا می‌توان قبول کرد که انسان عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد، ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟! مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی يك واقعیت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع کند. اگر ما در درون احساس تشنگی می‌کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز، آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله سعادت در انسان باشد، اما چیزی که پاسخ‌گوی این نیاز باشد در خارج از ذهن وجود نداشته باشد؟!

* چگونه می‌توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد و یا راهنمایی نفرستد، به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راهیابی ممکن نیست و در مسیر مواردی وجود دارد که مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان می‌کشاند. در اینجا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد برساند.

* چگونه قبول کنیم که انسان در راه‌های ساده و محسوس زندگی نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه‌های سعادت و معنویت و رسیدن به رشد واقعی که پیچیده‌تر و علم‌انسان در آن زمینه کمتر و وسوسه‌های شیطانی بیشتر است، نیاز به راهنما نداشته باشد.

* مگر نه آن است حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند؛ همچون زنبور عسل، برای خود ملکه‌ای را به طور غریزی پذیرفته‌اند. در تاریخ سیاست‌ها و جنگ‌ها کدام موفقیتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده

باشد؟ جامعه بدون امام؛ یعنی هرج و مرج و کدام عقل و وجدان آن را می‌پذیرد؟ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لابد للناس من امیر برّکان او فاجر؛ وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار».

علاوه بر موارد فوق که میان نیاز به پیامبر و امام مشترك است، در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

۱. برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد؛ مخصوصاً در موردی که دسترسی به پیامبر امکان نداشته و خاتمیّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را پذیرفته باشیم.

۲. مگر می‌شود خدا برای مردمی پیامبر بفرستد و آن پیامبر با خون دل احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده از دنیا برود؟ آیا این کار حکیمانه است؟ آیا رها کردن و رفتن با آن حرص و سوزی که از پیامبر سراغ داریم سازگار است؟! راستی کسانی که می‌گویند پیامبر با آن همه زحمت مکتب و امتی را بنیان گذاری کرد و رفت چگونه جواب حکمت خدا و سوز پیامبر را می‌دهند. کدام مقام مسئول اینقدر بی تفاوت مردم را رها می‌کند؟!

۳. اساساً دین و مکتب یا باید هماهنگ با خواسته‌های درونی و حوادث خارجی و به اصطلاح رشدآور و رشد دهنده و به روز باشد و یا باید فقط قوانینی مقطعی و خشك باشد که با مرور زمان به دست فراموشی سپرده شده و به اصطلاح ایستا باشد. اگر در کنار مکتب، امامی با شرایط ویژه بود، مکتب از نوع اول و گرنه از نوع دوم خواهد بود و به همین دلیل امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«انّ الامامة زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین؛ امامت و رهبری حقّ، زمام دین است و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

عزّت مؤمنین است».

«انّ الامامة اُس الاسلام النامی؛ امامت، اساس اسلام رشد یافته است».

یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی کاروان بشریت را تأمین کند، تنها امامت است. امام رضا علیه السلام با تعبیر «الاسلام النامی» به ما می‌فهماند که اسلام بدون امام، نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است. جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم الهی و دستور خدا با الهام از وحی و رهبری حق در کار نباشد، مردم آرامش خود را از دست می‌دهند و هر کدام راهی را می‌پیمایند و هرج و مرج به وجود می‌آید، لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

۴. همان گونه که شنا در استخر نیاز به مربی و ناجی دارد و گذر از دریا نیاز به کشتی و ناخدا، دنیا نیز، چنانکه امام فرمود: دریای عمیق و پر تلاطم است: «الدنیا بحر عمیق»^۱ که به کشتی و کشتی‌بان نیاز دارد. این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند! ۵. همان گونه که خداوند در کشور تن فرمانروایی به نام عقل قرار داده تا به وسیله آن چشم و گوش و تمام اعضا از انحراف و خطا حفظ شوند، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهد تا دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشده و به مقصد برسد.

سه. حضرت مهدی علیه السلام دوازدهمین امام

در روایات متعدد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تعداد و نام جانشینان خود را بیان کرده است: در برخی روایات آمده است: «الائمة بعدی اثنی عشر کلهم من قریش»^۲؛ رهبران

۱. عیون الاخبار ج ۱، ص ۲۱۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۵.

۳. کفایة الاثر، ص ۲۷.

پس از من دوازده نفرند و همه آنها از قریش اند.»

در برخی روایات، پیامبر نام تك تك آن دوازده نفر را بیان کرده اند. جابر بن عبد الله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر می گوید: زمانی که آیه «وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نازل شد، از پیامبر اکرم پرسیدم: خداوند و پیامبرش را می شناسیم، ولی الامر کیانند که اطاعتشان به اطاعت خدا و رسول مقرون شده است؟ آن حضرت فرمود: ای جابر! آنان جانشینان من و ائمه مسلمین هستند؛ «أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بَنِ عَلِيٍّ...؛ اول آنان علی ابن ابیطالب سپس دو فرزند او حسن و حسین و آنگاه زین العابدین فرزند حسین و آنگاه فرزندش محمد معروف به باقر است که تو او را درك می کنی. ای جابر! زمانی که او را دیدی سلام مرا به او برسان». «ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَكُنِّي حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتِهِ فِي عِبَادَةِ ابْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ پس از او فرزندش جعفر الصادق و آنگاه موسی کاظم و سپس علی الرضا و آنگاه محمد تقی و سپس علی الهادی و آنگاه حسن العسکری می باشد و آخرین آنان فرزند عسکری است که هم نام من و حجت خدا بر زمین و بقیة الله است». «ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ همان که به وسیله او در شرق و غرب عالم فتح و گشایش پیدا خواهد شد». «ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ؛ او همان است که از چشم شیعیان غایب خواهد شد» و همه کس او را باور نداشته و لیاقت دیدار او را نخواهد داشت. بر اساس شواهد تاریخی نیز، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده اند، ولی امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند ظهور کنند و دنیا را پر از عدل و داد نمایند.

بخش اول
شرکات نماز و مہدویت

فصل اول. جایگاه مشترک نماز و مهدویت در اسلام

از جمله نقاط مشترکی که بین نماز و مهدویت وجود دارد، جایگاه مشترک این دو در اسلام است که توجه به آنها می‌تواند در درک تأثیرهای متقابل این دو و بهره‌برداری از آنها کمک فراوانی به ما کند. برخی از عناوین مشترک نماز و مهدویت از این قرار است:

۱. عبادت بودن نماز و انتظار ظهور

عبادت، به معنای اظهار ذلت، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. در فرهنگ اسلام، عبادت فراتر از نمونه‌هایی چون نماز و روزه است و همه کارهای شایسته‌ای که به نفع مردم نیز باشد، عبادت است. یکی از کارهایی که در اسلام، عبادت به حساب آمده، انتظار حکومت عدل جهانی است و رسول خدا ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ انْتِظَارُ الْفَرَجِ»؛ انتظار فرج و گشایش (با آمدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه) برترین عبادت است». روشن است که منظور، انتظار مثبت و سازنده‌ای است که زمینه سازی و تلاش برای دولت عدل مهدی عجل الله تعالی فرجه را نیز به همراه داشته باشد. حال که دانستیم نماز و انتظار هر دو مظهر عبادت هستند، پس ریشه‌های مشترکی دارند که عبارت است از:

درک عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدایی می‌بیند، ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می‌کند؛ آن سان که در برابر يك دانشمند و شخصیت

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷.

مهم، انسان خویشتن را كوچك و ناچیز شمرد، او را تعظیم و تکریم می‌کند. در منتظر امام زمان هم همین امر هست؛ زیرا او با درک عظمت خدا، عظمت ولی خدا و حکومت بی نظیر مهدوی را نیز درک می‌کند.

احساس فقر و وابستگی

طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید، در برابرش خضوع می‌کند. وجود ما بسته به اراده خداست و در همه چیز، نیازمند به اویم. این احساس عجز و نیاز، انسان را به پرستش خدا وامی‌دارد. خدایی که در نهایت کمال و بی نیازی است. در بعضی احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود، هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد. منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در دین و دنیا، خود را وابسته به امام زمان می‌دانند و به او که واسطه بین خدا و مخلوقات است متوسل می‌شوند. به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بلا از ما دور می‌شود. خداوند در قرآن درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ»^۱.

از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده که فرمود: «وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي»^۲. امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فرموده است: «هُوَ الْمَفْرَجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكٍ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ وَجَوْرٍ»^۳.

توجه به نعمت‌ها

انسان، همواره در برابر برخورداری از نعمت‌ها، زبان ستایش و بندگی دارد. یادآوری نعمت‌های بی‌شمار خداوند، می‌تواند قوی‌ترین انگیزه برای توجه به خدا و عبادت

۱. سوره انفال، آیه ۳۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۴۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۴۷.

او باشد. در مناجات‌های امامان معصوم، معمولاً ابتدا نعمت‌های خداوند، حتی قبل از تولد انسان، به یادآورده می‌شود و از این راه، محبت انسان به خدا را زنده می‌سازد؛ آنگاه درخواست نیاز از او می‌کند. خداوند هم می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۱ مردم پروردگار این کعبه را بپرستند، او را که از گرسنگی سیرشان کرد و از ترس، ایمنشان نمود.

در آیه‌ای دیگر است، پروردگارتان را بندگی کنید، چون شما را آفرید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ...﴾^۲ در انتظار هم توجه به نعمت بزرگ امامت و ولایت وجود دارد؛ از جمله آیاتی که در قرآن کریم به این موضوع می‌پردازد، آیه سه سوره مائده است: ﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۳ امروز، (روز هجده ذی‌الحجه سال دهم هجری که حضرت علی به فرمان خدا به جانشینی پیامبر اکرم منصوب شد) کافران از (زوال) دین شما مأیوس شدند، پس، از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان «دین» برایتان برگزیدم. امام مهدی علیه السلام ادامه همین راه ولایت و همان صراط مستقیمی است که در سوره حمد می‌خوانیم. ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾ و آن افراد مشمول نعمت انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان هستند.^۴ راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداوند و بندگان مخلص خداست. در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم السلام می‌فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم».^۵ یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و

۱. سوره قریش، آیه ۳ و ۴.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱.

۳. سوره مائده، آیه ۳.

۴. سوره نساء، آیه ۶۹.

۵. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و ... نظر داده و ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده‌اند.

فطرت الهی

پرستش، جزیی از وجود و کشش فطری انسان است. این روح پرستش، که در انسان فطری است، گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به «خدا پرستی» می‌رسد، گاهی انسان در سایه جهل یا انحراف، به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پل و ماشین و همسر و پرستش طاغوت‌ها کشیده می‌شود. انبیا، برای ایجاد حس پرستش نیامده‌اند، بلکه بعثت آنان، برای هدایت این غریزه فطری به مسیر درست است. علی علیه السلام می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ» خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد، تا بندگان را از بت پرستی، به خدا پرستی دعوت کند.

بیشتر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می‌کند، نه اصل عبادت؛ زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. مثل میل به غذا که در هر کودکی هست، ولی اگر راهنمایی نشود، به جای غذا، خاک می‌خورد و لذت هم می‌برد! اگر رهبری انبیا نباشد، مسیر این غریزه منحرف می‌شود و به جای خدا، معبودهای دروغین و پوچ پرستیده می‌شود. آن‌گونه که در نبود حضرت موسی و غیبت چهل روزه‌اش، مردم با اغوای سامری، به پرستش گوساله طلایی سامری روی آوردند. در موضوع انتظار هم فطرت توحید و عدالت‌خواهی به عنوان دو عنصر مهم

مهدویت در همه انسان‌ها وجود دارد و انتظار حکومت مهدوی نیز، انتظار تشکیل حکومتی است که هم به میل عدالت خواهی بشر به صورت کامل پاسخ دهد و هم فطرت اصیل در مسیر خود قرار گرفته و عبادت خدا به صورت خالص انجام شود؛ کما اینکه قرآن کریم چنین مژده‌ای را به ما داده و فرموده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند). در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.^۲

۲. بندگی و رستگاری، هدف مشترک نماز و مهدویت

پس از پی بردن به عبادت بودن نماز و انتظار ظهور می‌توان در همین راستا به اهداف مشترک آن دو پی برد. در اهمیت عبادت، همین بس که هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت و بندگی خداوند است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۳ کارنامه همه انبیاء و رسالت آنان نیز، دعوت

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. ر.ک: نورالثقلین، ذیل آیه شریفه.

۳. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

مردم به پرستش خداوند بوده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ»^۱ پس هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، عبادت خدا بوده است. روشن است که خدای متعال، نیازی به عبادت ما ندارد، «فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ»^۲ و سود عبادت، به خود پرستندگان برمی گردد، هم چنان که درس خواندن شاگردان به نفع خود آنان است و سودی برای معلم ندارد.

البته باید دانست که پرستش و اطاعت ظاهری، اگر بدون تسلیم و پذیرش قلبی باشد، بی ارزش است. «بنده» باید تسلیم محض و بی قید و شرط امر «خدا» باشد و در برابر فرمان الهی و دین خدا، سلیقه ها و خواسته های شخصی را کنار بگذارد و به نیش و نوش دیگران و خوش آمدن و بد آمدن مردم بی اعتنا باشد. این تسلیم محض و بی چون و چرا بودن، همان «عبودیت» است که فلسفه عبادت است. ابلیس، با آن همه سابقه عبادت، چون روحیه عبودیت نداشت، در مقابل فرمان خدا درباره سجده بر آدم سرپیچی کرد و مطرود شد. ریشه استکبار و اعراض مردم از دعوت های انبیا، آن بوده که حالت تسلیم و عبودیت نداشتند و تابع خواسته دل بودند. قرآن می فرماید: «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ؟»^۳ آیا هر گاه پیامبری از طرف خداوند، برای شما قانونی می آورد که مطابق دلخواهتان نبود، تکبر می ورزید؟

در جای دیگر می فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^۴ به خدا سوگند، ایمان واقعی به تو نمی آورند، مگر آنگاه که در مشاجرات و نزاعهایشان تو را به داوری بپذیرند و در

۱. سوره نحل، آیه ۳۶.

۲. سوره زمر، آیه ۷.

۳. سوره بقره، آیه ۸۷.

۴. سوره نساء، آیه ۶۵.

برابر قضاوت تو، هیچ ناراحت نشوند و تسلیم بی چون و چرای حکم الهی باشند). پس، عبادتی ارزشمند است که سرچشمه از عبودیت و تسلیم و رضای انسان داشته باشد. عبادت، بندگی خدا کردن است، نه بنده خود و تابع هوس و تمایلات خویش بودن. هرگاه برای مسلمانان صدر اسلام، حکم جهاد می‌آمد، گروهی می‌گفتند: چرا این فرمان، مدتی به تأخیر نیفتاد و حالا فرا رسید؟ «لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ»^۱ در واقعه تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، عده‌ای گفتند: چرا؟ قرآن پاسخ می‌دهد: «لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ»^۲ تا ببینیم چه کسی پیرو پیامبر است و چه کسی به عقب برمی‌گردد (و دهن کجی می‌کند). نمونه کامل تسلیم و عبودیت را در داستان ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام می‌بینیم، که هم پدر، مطیع محض دستور خدا است و فرزند را به قربانگاه برده و کارد بر حلقومش می‌گذارد و هم اسماعیل می‌گوید: ای پدر، آنچه را که فرمان است انجام بده: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ»^۳. حضرت ابراهیم علیه السلام نمونه کامل يك بنده مطیع و تسلیم است، چه در قربانی کردن فرزند، چه در رها کردن هاجر و اسماعیل در بیابان‌های خشك مکه، چه در آمادگی برای افتادن در آتش نمرودیان.

البته این عبادت زمینه عبودیت و خود آن نیز زمینه و عامل سعادت و رستگاری انسان است. توضیح آنکه، هستی برای بشر آفریده شده: «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»^۴ و بشر برای عبادت: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۵ و عبادت برای رسیدن به تقواست: «وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ... لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۶ و تقوا برای رسیدن

۱. سوره نساء، آیه ۷۷.

۲. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۳. سوره صافات، آیه ۱۰۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۹.

۵. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۶. سوره بقره، آیه ۲۱.

به رستگاری: «فَاتَّقُوا اللَّهَ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱. با این مقدمات، معلوم می‌شود که قلّه‌ی کمالات، فلاح و رستگاری است.

اگر دین اسلام هدف از خلقت را بندگی و در نتیجه رسیدن به رشد و رستگاری معرفی می‌کند، هدف دستورات عبادی او نیز همین است. مروری بر آیات و روایات نشان می‌دهد که فلسفه نماز به عنوان یک عبادت بزرگ - برای رسیدن به مقام عبودیت و تقرب به درگاه خداست. رسول اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ الصَّلَاةَ قُرْبَانُ الْمُؤْمِنِ»^۲؛ همانا نماز باعث تقرب مؤمن به خداست». از طرفی هدف از اصل اعتقادی امامت حکومت مهدوی و انتظار آن نیز که از افضل عبادات شمرده شده است، چیزی جز بسترسازی برای عبادت و رسیدن به مقام بندگی نیست، زیرا به همان دلایلی که به پیامبر نیاز داریم، به امام هم نیاز داریم که برخی از آنها در ابتدای کتاب بیان شد.

ممکن است کسی بگوید با وجود قرآن و کتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟ اما پاسخ آن است که قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسّر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوه مقننه، قوه مجریه و قضائیه وجود دارد؛ زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد. این نیاز در زمان پیامبر به دست ایشان و پس از ایشان، توسط امامان برطرف می‌شد.

علاوه بر این، جزئیات همه چیز، مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوط‌های طواف در قرآن ذکر نشده و بسیاری از مطالب جزئی و مقطعی در قرآن نیامده است؛ بلکه پیامبر و امامان این موارد را برای مردم بیان می‌کردند. خود قرآن می‌فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»^۳ آن چه را پیامبر بیان می‌کند،

۱. سوره مائده، آیه ۱۰۰.

۲. میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۷۴.

۳. سوره حشر، آیه ۷.

بگیرید و آن چه را نهی می کند، رها کنید». این آیه دلالت دارد که پیروی از سنت نبوی واجب است؛ زیرا پیروی از آن، در حقیقت، پیروی از خداست: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ»^۱. امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر ﷺ است.

آفرینش به خاطر اولیای خداست. به خاطر گل است که علف ها هم آب می خورند. وجود اولیای خدا و امام زمان باعث امنیت است. در احادیث متعددی آمده است که اگر حجت خدا نباشد، زمین به هم می ریزد. حق هم همین است. اگر بچه درس نخواند، مدیر اصلاً در آزمایشگاه و کتابخانه را باز نمی کند.

امام رضا علیه السلام فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (توحید) دژ خداست». بعد از مدتی صبر فرمود: «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^۲. امام رضا می فرماید من از شروط توحید هستم، چون توحید بدون امام ارزش ندارد. شرط توحید، وجود يك رهبر لایق است و آن هم يك رهبر زنده. امام نمی گوید: «الامام من شروطها»، می گوید «وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»؛ یعنی من که امام زنده ام، شرط توحید هستم. توحید همیشگی است، پس در هر زمان باید يك امام معصوم وجود داشته باشد. الآن هم امام زمان شرط توحید هستند.

درباره امام زمان می خوانیم: «أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ»^۳. هستی به وجود او زنده است؛ مثل ناخدایی که اگر نباشد، کشتی غرق می شود.

اگر معتقد به وجود امام زمان نباشیم، در واقع می گوییم پیغمبر - نعوذ بالله - دروغ گفته است. چون در حدیث ثقلین فرموده که قرآن و اهل بیت هیچ وقت از هم جدا نمی شوند. اکنون قرآن هست، پس اهل بیت کجایند؟! اگر بگوییم از دنیا رفته اند؛ یعنی این دوازدهم جدا شده اند؛ در حالی که پیغمبر خدا می گوید این دوهیچ وقت از هم جدا نمی شوند؛ یعنی تا هر زمان که قرآن هست، باید يك نفر از اهل بیت هم

۱. سوره نساء، آیه ۸۰.

۲. ثواب الأعمال، ص ۶.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۶.

باشد و او در زمان ما، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

مطلب آخر اینکه درست که مهدویت نیز مانند همه احکام و برنامه‌های عبادی اسلام، حکمت و فلسفه دارد، زیرا اولاً؛ به دلیل صدها آیه و حدیث که مردم را به تعقل و تفکر فرا می‌خواند و هیچ مکتبی به اندازه اسلام به اندیشیدن دعوت نکرده است؛ ثانیاً؛ یکی از انتقادهای شدید قرآن بر مشرکان و بت پرستان، تقلید کور کورانه و بی دلیل از نیاکان است و ثالثاً؛ خود قرآن، بارها در کنار بیان احکام و دستورها، به دلیل آن هم اشاره کرده و امامان معصوم نیز در روایات، به بیان این حکمت‌ها پرداخته‌اند، اما لازم نیست دلیل همه مسائل را، همه مردم در همه زمانها بدانند. گاهی دلیل برخی از آنها الآن روشن نیست، ولی گذشت زمان، آن را روشن می‌سازد. عبدالله بن فضل هاشمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

إن لصاحب هذا الأمر غيبة لا بد منها يرتاب فيها كل مبطل؛ فقلت: ولم جعلت فداك؟ قال: لأمر لم يؤذن لنا في كشفه لكم. قلت: فما وجه الحكمة في غيبته؟ قال: وجه الحكمة في غيبته وجه الحكمة في غيبات من تقدمه من حجج الله تعالى ذكره؛ إن وجه الحكمة في ذلك لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لم ينكشف وجه الحكمة فيما أتاه الخضر عليه السلام من خرق السفينة و قتل الغلام و إقامة الجدار لموسى عليه السلام إلى وقت افتراقهما. يا ابن الفضل إن هذا الأمر أمر من أمر الله تعالى و سر من سر الله و غيب من غيب الله و متى علمنا أنه عز و جل حكيم صدقنا بأن أفعاله كلها حكمة و إن كان وجهها غير منكشف؛^۱ برای صاحب الأمر غیبت ناگزیری است که هر باطل جویی در آن به شک می‌افتد. گفتیم: فدای شما شوم، برای چه؟ فرمود: به خاطر امری که ما اجازه نداریم آن را هویدا کنیم. گفتیم: در آن غیبت چه حکمتی وجود دارد؟ فرمود: حکمت غیبت او همان

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۲.

حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد، همچنان که وجه حکمت کارهای خضر علیه السلام از شکستن کشتی و کشتن پسر و به پاداشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید. ای پسر فضل این امر، امری از امور الهی و سری از اسرار خدا و غیبی از غیوب پروردگار است و چون دانستیم که خدای تعالی حکیم است، تصدیق می‌کنیم که همه افعال او حکیمانه است اگر چه وجه آن آشکار نباشد.

۳. یادآوری نماز و حکومت جهانی صالحان در تمام ادیان

نکته مشترک دیگری که بین نماز و حکومت عدل جهانی وجود دارد آن است که در کتابهای آسمانی گذشته به هر دو موضوع توجه شده است. قبل از حضرت محمد صلی الله علیه و آله در آئین حضرت عیسی علیه السلام هم نماز بوده که قرآن از زبان او نقل می‌کند که خداوند مرا به نماز سفارش کرده است: «... وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ؛ او مرا به نماز توصیه فرموده است» و قبل از او حضرت موسی علیه السلام بوده است که خداوند به او خطاب می‌کند: «... وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛^۱ برای یاد من نماز را به پا دار». قبل از حضرت موسی علیه السلام پدر زن او، حضرت شعیب علیه السلام بوده که نماز داشته است و قومش به او گفتند: «يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ...؛^۲ ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد...» و قبل از همه آنها نیز حضرت ابراهیم علیه السلام بوده است که از خداوند برای خود و ذریه‌اش توفیق اقامه نماز را درخواست می‌نماید: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي...؛^۳ خداوند! من و نسلم را اقامه کننده نماز قرار بده».

۱. سوره مریم، آیه ۳۱.

۲. سوره طه، آیه ۱۴.

۳. سوره هود، آیه ۸۷.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

همچنین این جناب لقمان است که به فرزندش می‌گوید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ! فرزندم! نماز را به پا دار!».

درست همانند این سفارش فراگیر ادیان به نماز، بشارت به آمدن فردی که جهان را از ظلم و ستم نجات می‌دهد و هستی را از عدالت سرشار کند نیز در ادیان و امت‌های گذشته مطرح بوده و بحث منجی در ادیان یکی از مباحث مهدویت است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!».

کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است. «وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ»^۲ ولی به قرینه آیه «وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا»^۳ به نظر می‌رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داود علیه السلام باشد که در برگیرنده مجموعه مناجات‌ها، نیایش‌ها و اندرزهای آن حضرت است. این کتاب بعد از تورات نازل شده و مراد از «ذکر» در این آیه نیز همان تورات است، چنانکه در آیه ۴۸ همین سوره هم گذشت که تورات، ذکر است. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ». بعضی گفته‌اند که منظور از «زبور» در این آیه، تمام کتب آسمانی و مراد از «ذکر»، قرآن مجید است و کلمه «مِنْ بَعْدِ» نیز به معنای «علاوه بر» می‌آید، که در این صورت معنای آیه چنین می‌شود: «ما علاوه بر قرآن، در تمام کتب آسمانی نوشتیم که وارثان زمین هر آینه بندگان صالح من خواهند بود». از امام صادق علیه السلام درباره‌ی زبور و ذکر سؤال شد، حضرت فرمودند: «ذکر در نزد خداوند است و زبور کتاب نازل شده بر داود است و

۱. سوره لقمان، آیه ۱۷.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره قمر، آیه ۵۲.

۴. سوره نساء، آیه ۶۳ و سوره اسراء، آیه ۵۵.

همه کتاب‌های نازل شده در نزد اهل علم است و آنان ما (اهل بیت) هستیم».^۱ در پنج مورد از زبور «مزامیر» حضرت داود که امروزه جزء کتب عهد قدیم به شمار می‌رود، شبیه این تعابیر آمده است که: مردان صالح، وارث زمین خواهند شد. در روایات متعدد آمده است که آن بندگان صالحی که وارث زمین خواهند شد، یاران حضرت مهدی علیه السلام هستند.^۲ در بعضی روایات می‌خوانیم که اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارثان زمین خواهند شد و افراد بد دوباره زنده خواهند شد.^۳

ممکن است کسی این سؤال را مطرح کند که چرا قرآن کریم نفرموده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي التَّوْرَةِ»؟ یا چرا نگفته «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الانجِيلِ»؟ و فرموده است در کتاب زبور داود علیه السلام نوشتیم، در حالی که حضرت موسی و عیسی علیهما السلام پیامبران اولوالعزم بوده و مقامشان از حضرت داود بالاتر است؟ در پاسخ شاید بتوان گفت که چون در میان انبیاء هیچ پیغمبری مثل حضرت داود حکومت به دستش نیامد و حتی حضرت سلیمان علیه السلام فرزند ایشان هم وارث حکومت حضرت داود علیه السلام بود که قرآن کریم می‌فرماید: «وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ»، می‌خواهد بفرماید که به داود گفتیم، درست است که تو حکومت کره زمین را داری، اما فکر نکن که بالاتر از حکومت تو، حکومتی نیست، بلکه حکومت واقعی و جهانی در دوره آخرالزمان است.

۴. نماز و امام مهدی علیه السلام عهد الهی

هرگونه تعهدی که انسان بین خود و خدا داشته باشد، عهد الهی است. قوانین عقلی، فکری و احکام الهی که نماز از مهمترین آن است، نیز مصداق عهد الهی می‌باشند. در اسلام وفای به عهد واجب است، حتی نسبت به کفار و انسان عهد

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۲۹۷.

شکن، فاقد دین کامل معرفی شده، هرچند که اهل نماز باشد. رسول خدا ﷺ فرمودند: «لا دین لمن لا عهد له؛^۱ آن کس که پایبند تعهدات خود نیست، دین کامل ندارد». وفای به عهد، کمالی است که خداوند خود را به آن ستوده است؛ «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ؟^۲ کیست که بهتر از خدا به پیمانش وفا کند؟».

درباره اینکه نماز عهدي الهی است روایت شده که خدای متعال فرمود:
إِفْتَرَضْتُ عَلَى أُمَّتِكَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَ عَهْدْتُ عِنْدِي عَهْدًا إِنَّهُ مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا لَوْ قَتَلَتْهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا فَلَا عَهْدَ لَهُ عِنْدِي؛^۳ خداوند متعال فرمود: نمازهای پنج گانه را بر امت تو واجب کردم و با خود پیمان بستم که هر کس مراقب آن نمازها و وقت آنها باشد، او را به بهشت داخل نمایم، و کسی که مراقب آنها نباشد، من تعهدی نسبت به او ندارم.

عهد دو گونه است: عهد و پیمانی که مردم با یکدیگر می بندند و باید به آن وفادار باشند. و عهد و پیمانی که خداوند برای رهبری یک جامعه، بر عهده ی پیامبر یا امام قرار می دهد که این عهد مقام الهی است. «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۴ از این جمله استفاده می شود که رهبری آسمانی، عهد خداوند است.

مفضل بن عمر گوید: درباره این آیه، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «کلماتی که خداوند با آن ابراهیم را آزمود، کدام اند؟». فرمود: «هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاها آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْحَسَنِ إِلَّا تُبَتَّ عَلَى فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ؛ همان کلماتی که آدم آن ها را از پروردگارش دریافت نمود و توبه اش پذیرفته شد و آن این بود که عرض

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۹۸.

۲. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۳. کثر العمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

۴. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

کرد: پروردگارا! به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام از تو مسألت دارم که توبه‌ام را بپذیری و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ چرا که او توبه‌پذیر و مهربان است». عرض کردم: «یابن رسول الله! مقصود خداوند از این که می‌فرماید ابراهیم کلمات را به پایان رسانید چیست؟» فرمود: «يَعْنِي فَأَتَتْهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ؛ یعنی خدا را تا حضرت قائم و به دوازده امام که نه نفرشان از فرزندان حسین هستند قسم داد»^۱.

این آیه یکی از آیاتی است که پشتوانه فکری و اعتقادی شیعه قرار گرفته است. شیعه بر اساس این آیه معتقد است که امام باید معصوم باشد و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت نخواهد رسید. در زیارت آل یاسین نیز، خطاب به امام زمان می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ^۲؛ سلام بر تو که پیمان خدا هستی».

۵. نماز و مهدویت، عامل قبولی سایر اعمال

قبولی اعمال، مهمترین مسأله هر مسلمانی است که ذهن او را مشغول کرده است، زیرا عاقبت به خیری او به قبولی اعمالش در نزد خدای متعال گره خورده است و بر طبق آیات قرآنی تنها صحیح بودن اعمال کافی نیست. انسان باید به مسئله قبولی عبادت توجه خاصی داشته باشد تا از تلاش معنوی خود بهره بیشتری ببرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ اشْدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ^۳؛ به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید». انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد و هم براساس مقررات ظاهری عمل کند،

۱. الخصال، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۳. همان، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

ولی در مصاحبه به دلایلی مانند فساد اخلاق یا سوء سابقه یا ... رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی درست انجام شود، ولی به دلایلی مورد قبول خدا قرار نگیرد. مگر نه این است که گاهی کارهای درستی از سوی افراد غیر مسئول انجام می‌گیرد، ولی به جای تشکر از آنان انتقاد هم می‌شود؟! پس شرط قبولی کار، چیزی دیگر است.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است: شرط اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی که در جای خود باید به آنها پرداخت.

در روایات ما آمده است که نماز، کلید قبولی تمام اعمال است و امیرالمؤمنین علیه السلام به استنادارش می‌فرماید: «بهترین وقت خود را برای نماز قرار بده و آگاه باش که تمام کارهای تو در پرتو نمازت قبول می‌شود».^۱ اما این تمام مطلب نیست، زیرا در سخنان امامان معصوم شروط دیگری نیز برای قبولی اعمال ما ذکر شده است که از جمله آنها، اعتقاد و انتظار حضرت قائم آل محمد علیه السلام است. امام صادق علیه السلام فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ فَقُلْتُ بَلَى فَقَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَغْنِي الْأَمَّةَ خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمَ لَهُمْ وَالتَّوَرُّعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالظُّمَأْنِيَّةَ وَالْإِسْتِظَارَ لِلْقَائِمِ عليه السلام؛^۲ آیا شما را از چیزی آگاه نکنم که خداوند بدون آن هیچ عملی را از بندگان نمی‌پذیرد؟ عرض کردم: بفرمایید. فرمود: گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده [و فرستاده] او است، و اقرار

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲. الغیة نعمانی، ص ۲۰۰.

به هر آنچه خداوند امر فرموده و ولایت برای ما و بیزاری از دشمنان ما- یعنی ما امامان به خصوص- و تسلیم شدن به آنان و پرهیزگاری و کوشش و خویشتن داری و چشم به راه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن. می بینید که اعتقاد به امامت و ولایت حضرت مهدی و انتظار ظهور و حکومت او از شرایط قبولی اعمال ما است؛ یعنی وقتی همه اعمال و عبادات را انجام دادی تازه نوبت به شرط انتظار قائم آل محمد بودن می رسد؛ یعنی باید مسلمان از مسائل شخصی (خوراک، پوشاک، مسکن و...) بیرون بیاید و به چشم انداز آینده جهان که برای اسلام است بیندیشد. اسلام در واقع می خواهد با موضوع انتظار فرج، دید ما را باز کند، ما را از بند شکم و شهوت رها کند، همت ما را بلند کرده و به سوی حکومت عدل جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ببرد.

۶. نماز و امام مهدی، سبب شفاعت

شفاعت، به معنای در کنار چیزی یا شخصی قرار گرفتن و جفت شدن است. مثلاً شاگردی در مدرسه نمره کم می آورد و معلم حاضر می شود یکی دو نمره اضافه به او بدهد تا او هم قبول شود. در اینجا نمره ها در کنار هم، شاگرد ضعیف را نجات می دهند. یا مثلاً نخ باریک توانی ندارد، نخ های دیگر با او تابیده و محکم شده و سبب بهره گیری می شود و یا مراجعه به پزشک و مصرف دارو، عامل بهبودی بیمار می باشد.

در مثال های بالا جمع شدن نمره ها و نخ ها و پزشک و دارو یک نوع شفاعت و در کنار هم آمدن است. تنه درخت هم شفاعت می کند و مواد غذایی را از ریشه گرفته و به شاخه ها و میوه ها می رساند. سیم برق هم برق را به لامپ ها می رساند. خلاصه در عالم هستی هر یک از نور و حرارت و آب و زمین، دانه را از مرحله ای به مرحله بالاتری می رساند، این بود نمونه هایی از معنای شفاعت در طبیعت.

اما معنای شفاعت در آخرت آن است که اولیای خدا، اعم از انبیا و امامان و علما و شهدا که به قلّه‌های تکامل معنوی رسیده‌اند، دست ضعیفانی (که انحراف فکری ندارند، ولی لغزشهای عملی دارند) را گرفته و آنان را از قهر خدا نجات می‌دهند، البته شکی نیست که مقام شفاعت و اجازه آن تنها به دست خداست.

تمام کتاب‌های مهم اعتقادی شیعه و سنی مسأله شفاعت را طبق روایات متعدد بیان کرده‌اند. در قرآن بیش از بیست مرتبه از مسأله شفاعت سخن به میان آمده و مرحوم مجلسی در بحارالانوار، ۸۶ حدیث در این باره نقل فرموده است. فخررازی در تفسیر آیه «أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»^۱ می‌گوید: همه مفسران گفته‌اند: مقام محمودی را که خداوند در این آیه به پیامبرش وعده داده، همان مقام شفاعت اوست.^۲

بنابراین از نظر قرآن و روایات، در اصل شفاعت انبیا و اولیای خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جای هیچ گونه تردید و اختلافی نیست. در روایتی از امام معصوم علیه السلام می‌خوانیم: در قیامت، شفاعت برای ما و شیعیان ما خواهد بود. «لنا شفاعة ولاهل مودتنا شفاعة».^۳ البته شفاعت شامل حال همه افراد نمی‌شود، بلکه کسانی که دارای بینش و عقائد فکری و رهبری صحیح باشند و تنها در عمل دچار لغزشهایی شده باشند، مشمول شفاعت شافعان می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»^۴؛ تنها کسانی از شفاعت بهره‌مند می‌شوند که میان خود و خدایشان پیمانی داشته باشند و خدا و اولیای او و راه آنان را قلباً پذیرفته باشند.

آری، کسانی که در این دنیا از اولیای خدا و علمای ربّانی پیروی کرده باشند، در

۱. سوره اسراء، آیه ۷۹.

۲. مفاتیح الغیب فخررازی، ذیل آیه.

۳. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۴.

۴. سوره مریم، آیه ۸۷.

آن روز هم می‌توانند از آنان بهره‌گیرند و مشمول شفاعت آن بزرگواران باشند؛ یعنی باید بذر شفاعت را در دنیا کاشت تا در آخرت برداشت کرد.
امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

اسْتَجِيبُوا الْاَنْبِيَاءَ وَ سَلُّوا بِاَمْرِهِمْ وَ اَعْمَلُوا بِطَاعَتِهِمْ تَدْخُلُوا فِي شَفَاعَتِهِمْ؛ دعوت و ندای پیامبران گرامی را بپذیرید و نسبت به فرمان‌های آن بزرگواران تسلیم باشید و عمل شما طبق دستور و فرمان آنان باشد تا در شفاعت آنان وارد شوید.

البته آیات و روایاتی نسبت به کوتاهی در بعضی از اعمال مهم، نظیر ترک و سبک شمردن نماز آمده است که شفاعت اولیای خدا شامل حال آنان نمی‌شود. قرآن در این باره يك صحنه بسیار جالبی را از گفتگوی اهل بهشت (در همان حال که در بهشت هستند) با اهل جهنم ترسیم نموده و می‌فرماید: بهشتیان در بهشت از مجرمانی که در دوزخند می‌پرسند: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ»؛ چه کاری شما را به سوی جهنم کشانید؟ و جهنمیان پاسخ می‌دهند: «لَمَنْكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛^۱ ما پای‌بند نماز نبودیم و در حق خدا کوتاهی کردیم و آنگاه بعد از شمردن چند ویژگی زشت اهل جهنم می‌فرماید: «فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»؛^۲ به خاطر این اعمال، شفاعت‌های شفیعان شامل حال آنها نشده و فائده به حالشان ندارد. نماز، آخرین سفارش انبیاء «وَهِيَ آخِرُ وُصَايَا الْاَنْبِيَاءِ»، و آخرین سفارش امام صادق علیه السلام پیش از وفات است که همه خویشاوندان و فرزندان را دور خود جمع کرد و توصیه نمود که هر که نماز را سبک شمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد.^۳ ائمه علیهم السلام در قیامت از افرادی شفاعت می‌کنند که در این دنیا رابطه‌شان با ائمه علیهم السلام خوب

۱. سوره مدثر، آیه ۴۳.

۲. سوره مدثر، آیه ۴۸.

۳. فروع کافی، ج ۱، ص ۲۶۴.

باشد. هرکس اتصالش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش تر است، آن جا هم بیشتر مشمول شفاعت خواهد بود. رسول خدا در وصف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند: «المهدی شفیعهم یوم القيامة»^۱. اما اگر کسی این جا رابطه اش قطع شود، مشمول شفاعت نخواهد شد.

نکته آخر آنکه برخی از گناهان است که فقط رضایت و شفاعت امام زمان سبب بخشش و غفران آن است. در زیارت جامعه کبیره که یک دوره کامل امام شناسی است می خوانیم:

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ^۲؛
ای ولی خدا! همانا بین من و خداوند عزوجل گناهانی است که جز رضایت شما توبه و بازگشت از آنها نخواهد بود.

۱. الزام الناصب، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

فصل دوم. آثار مشترک نماز و مهدویت

نماز و انتظار ظهور هردو عبادت خدا هستند و عبادت، قرار دادن همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. اینگونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیرهای مهمی در زندگی انسان دارد که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. باقی ساختن فانی

انسان، و همه تلاش‌هایش از بین رفتنی است، اما آنچه برای رضای خدا انجام گیرد و متعلق به الله باشد، به صورت ذخیره درمی‌آید و باقی است. قرآن می‌فرماید: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾؛ آنچه نزد شماست پایان می‌پذیرد و آنچه نزد خداست، ماندگار است. و نیز می‌فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾؛ هر چیزی نابود می‌شود مگر آنچه وجهه و رنگ و روی الهی داشته باشد.

۲. تبدیل مادیات به معنویات

اگر هدف در کارها خدا باشد و انسان بتواند نیت و انگیزه و جهت کارهایش را در مسیر خواست خدا قرار دهد و بنده او باشد، حتی کارهای مادی از قبیل خوردن، پوشیدن، مسافرت، دیدار، کار روزانه، خانه داری، تحصیل، همه و همه، معنوی می‌شود. برعکس، گاهی مقدس‌ترین کارها، اگر با هدف مادی و دنیوی انجام گیرد، از ارزش می‌افتد. اولی نهایت استفاده است، دومی نهایت زیان.

۱. سوره نحل، آیه ۹۶.

۲. سوره قصص، آیه ۸۸.

۳. سازندگی فرد و جامعه

عبادت و توجه به خدا و پرستش او، چون همراه با نادیده گرفتن هوس‌ها و تمایلات، و تفاخر نداشتن نسبت به نژاد و لباس و زبان و زمین و شهر است و انس گرفتن با خدا و دل بستن به بی نهایت قدرت و کمال و تشکر از صاحب نعمت است، این مسائل، در ساختن فکر و زندگی فردی و اجتماعی مردم نقش دارد. عبادت، حرکت در مسیر مستقیم الهی است: «وَأَنْ اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۱. عبادت، بار نیست، بلکه اهرم حرکت است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۲ از صبر و نماز کمک بگیرید.

عبادت، هم انسان را به صورت فردی، از بردگی هوس‌ها و گناهان و شیطان نجات می‌دهد و هم يك جامعه عابد، که خدا را می‌پرستد، از پرستش طاغوت‌ها و ستمگران و ابرقدرت‌ها آزاد می‌شود. عبادت، هم «فردساز» است و هم جامعه ساز، فساد جوامع، بیشتر از گرایش به عبودیت و پرستش غیر خدا سرچشمه و ریشه می‌گیرد.

۴. جهت‌دهی رفتارها

از ویژگی بارز نماز، جهت دادن به رفتارها است. نمازگزار باید رو به قبله بایستد و جهت و خط خود را روشن کند، البته قبله و جهت او را باید خداوند تعیین کند، نه خودش و نه طاغوت‌ها. قبله، رمز شناسایی مسلمین از دیگران است؛ از این جهت به مسلمین «اهل قبله» می‌گویند، مسلمانان با هر سلیقه و تفکر و از هر نسل و نژادی، باید جهت واحدی داشته باشند. اگر مال و مقام هر لحظه دل ما را به سویی می‌کشد، هنگام نماز باید دل از همه بکنیم، کسی که جسم خود را رو به

۱. سوره یس، آیه ۶۱.

۲. سوره بقره، آیات ۴۵ و ۱۵۳.

خانه خدا کرد آمادگی آن را پیدا می‌کند که قلب و روح خود را متوجّه صاحب خانه کند. قبله ما کعبه است؛ اولین خانه‌ای که برای مردم و عبادت بنا شد. خانه‌ای که همه انبیا دورش طواف کرده‌اند، خانه‌ای که ابراهیم پایه‌هایش را بالا برده و اسماعیل در کنارش به کارگری پرداخته است، خانه‌ای که برای همه مردم و برای همیشه درهایش باز است و هیچ‌کسی در آنجا حقّ تعرّض ندارد. برای همه مردم مقدّس و از ملك هر کس آزاد است. انتظار حکومت مهدوی در زندگی انسان نیز همان کار نماز را انجام می‌دهد، زیرا هر شخص منتظری تمام رفتارهای خود را به سمت ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت‌دهی می‌کند.

فصل سوم. شرایط مشترک صحت و قبولی نماز و انتظار

بارها بیان شد که یکی از وجوه مشترک نماز و انتظار ظهور، عبادی بودن آنها است، اما باید دانست که ارزش عبادت به صحت و درستی آن است و صحت آن به دو عامل مهم بستگی دارد: اول؛ صحیح بودن هدف و دوم؛ صحیح بودن شکل آن. اما «هدف»؛ کسب رضای الهی و انجام وظیفه، باید هدف انسان در عبادت باشد؛ از این رو، عبادتی که از روی ریا، یا کسب وجهه و خوشایند مردم باشد یا انسان انتظار ستایش از غیر خدا داشته باشد، شرك است. البته اگر هدف، خدا باشد و مردم متوجه کار خالصانه انسان شوند، اشکال ندارد.^۱ ریا در عبادت، علاوه بر آنکه حرام است، موجب بطلان آن نیز می‌شود. باید کوشید تا نیت خالص عبادت، به انگیزه‌های غیر خدایی آمیخته نشود. درباره اخلاص در عمل، امام صادق علیه السلام فرموده است: «وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ»^۲؛ عمل خالص، آن است که از احدی، به جز خداوند، انتظار مدح و ستایش نداشته باشی».

در آثار اخلاص، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که:

مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ إِلَى لِسَانِهِ^۳؛ بنده‌ای نیست که چهل روز تمام، کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، مگر آنکه چشمه‌های حکمت و خرد، از روح و جاننش بر زبانش جاری می‌شود.

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۳۰.

۳. همان، ص ۲۴۲.

اخلاص، دانشگاهی است که در مدت چهل روز، فارغ التحصیلانی حکیم و فرزانه، تحویل می‌دهد.

اما شکل کار؛ عبادتی صحیح است که به همان شکل و شیوه و صورت معین از سوی خدا و مکتب انجام گیرد، نه روی سلیقه‌های شخصی یا روشهای منحرف از دستور دین. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«لَا قَوْلَ وَلَا عَمَلَ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِصَابَةِ السُّنَّةِ»^۱ ارزشی برای گفته‌ها و عملها و نیت‌ها نیست، مگر آن که طبق دستور و سنت انجام گیرد».

پس شکل عبادت را هم باید از اولیاء دین آموخت. حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند که نحوه صحیح عبادت را به ما نشان بده: «وَأَرِنَا مَنَاسِكَتَنَا»^۲. اگر بخواهید با کسی یا شهرستانی تماس تلفنی بگیرید، با يك شماره کم یا زیاد، شخص دیگر جواب می‌دهد یا شهر دیگری را می‌گیرید. در عبادات هم دقیقاً باید به همان صورتی انجام داد که دستور داده‌اند. مانند دندان‌های يك کلید که اگر اندکی ریز یا درشت شود، دیگر قفل را باز نمی‌کند. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۱۸۹ بقره «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»؛ از در خانه‌ها وارد شوید، نه از بیراهه، فرمود: «مقصود آن است که هر کاری را از راهش وارد شده و انجام دهید و طبق دستور عمل کنید»^۳.

عبادات، غیر از شرایط صحت، شرایط قبول و کمال هم دارد؛ یعنی آنچه که مراعاتش، انسان را به قرب خدا و رشد معنوی می‌رساند و در فرد و جمع، تأثیر می‌گذارد.

در آیات و روایات، شرایطی برای قبولی اعمال و عبادات بیان شده که نمونه‌هایی از آنها از این قرار است: شرط اعتقادی، شرط سیاسی، شرط اخلاقی، شرط اقتصادی،

۱. الکافی، ج ۱، ص ۷۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۸.

۳. مقصود آن است که هر کاری را از راهش وارد شده.

شرط اجتماعی، شرط بهداشتی و

قبل از توضیح این موارد، تأکید می‌شود که انسان باید به مسئله قبولی عبادت عنایت خاصی داشته باشد تا از تلاش معنوی‌اش بهره بیشتر ببرد. علی‌النبی می‌فرماید: «كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ عِنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ»^۱ به قبولی عمل، بیش از اصل عمل توجه داشته باشید.

انسان ممکن است برای پذیرش در جایی، هم کارت ورود بگیرد، هم طبق مقررات ظاهری عمل کند، ولی در مصاحبه به دلائلی مانند فساد اخلاق یا سوء سابقه یا ... رد شود. عبادات هم ممکن است از نظر مقررات الهی، درست انجام گیرد، ولی به دلایلی مورد قبول خدا واقع نشود. مگر نه این است که گاهی کارهای صحیحی از طرف افراد غیر مسئول انجام می‌گیرد، ولی به جای تشکر، از آنان انتقاد هم می‌شود؟! پس شرط قبولی کار، چیزی دیگر است. اینک به بیان آن شرایط می‌پردازیم:

الف) شرایط قبولی

۱. شرط اعتقادی: ایمان به خدا

نداشتن ایمان، مایه تباهی اعمال است: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»^۲. کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که ایمان به خدا و معاد داشته باشند: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^۳. و عمل صالح از زن و مرد «مؤمن» است که موجب زندگی پاک می‌شود: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

۲. سوره مائده، آیه ۵.

۳. سوره توبه، آیه ۱۸.

فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً^۱.

کسی که خدا را قبول ندارد، برای او هم کاری نمی‌کند تا انتظار پاداش داشته باشد. قرآن کریم، اعمال کافران را همچون خاکستری می‌داند که در يك روز طوفانی در برابر باد قرار گیرد که چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

۲. شرط سیاسی: ولایت

ولایت و رهبری صحیح و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی‌ها و نماز و حج و جهاد و ... را در مسیر الهی قرار می‌دهد و به آنها جهت شایسته می‌بخشد. مثل ایران امروز که با برخورداری از ولایت فقیه، راه رو به رشدی را می‌پیماید. در مقابل، کشورهای اسلامی دیگر، با آنکه نماز و روزه و ... دارند، ولی به خاطر انحراف در خط سیاسی و رهبری، در ذلت‌اند. رهبری جامعه، همانند راننده در يك ماشین است. اگر همه سرنشینان، شیک و مرتب و مؤدب باشند، اما راننده مست باشد یا جاده منحرف باشد، سقوط در پیش است، ولی اگر راننده، سالم و با تجربه باشد، هر چند مسافران، کهنه پوش و نامرتب باشند، این سفر به مقصد می‌رسد.

در حدیث از امام باقر علیه السلام است:

مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَلَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعْيُهُ غَيْرُ مُقْبُولٍ^۲؛ کسی که به خدا ایمان دارد و عبادت‌های طاقت‌فرسا هم انجام می‌دهد ولی امام لایقی از طرف خدا ندارد، تلاشش بی‌فایده است.

اگر رهبر آسمانی بود، پرستش خدا به طاغوت پرستی کشیده نمی‌شد و قوانین آسمانی تبدیل به خرافات نمی‌گردید و نمازهای جمعه، با همه شکوهش، به نفع

۱. سوره نحل، آیه ۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۰.

طاغوت‌ها نمی‌انجامید و حج، این مظهر قدرت و عزت اسلام و مسلمین، چنین بی‌اثر یا به سود حکام دور از اسلام تبدیل نمی‌شد. در حدیث می‌خوانیم: «فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»؛ هر کس ولایت و رهبری ما را نپذیرد، خدا هم اعمال او را قبول نمی‌کند».

حضرت علی (ع) فرمود: «ما «باب الله» هستیم و راه خدا از طریق ما معرفی و شناخته می‌شود».^۱ پس شرط قبولی عبادات، ولایت است، ولی همراهش باید تقوا هم باشد.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «وَمَا تَنَالُ وَلَا تَنَالُ إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ»؛^۲ در خط رهبری ما نیست، مگر آن‌که اهل عمل و تقوا باشد».

۳. شرط اخلاقی: تقوا

داستان فرزندان آدم در قرآن آمده است. هر دو قربانی کردند؛ قربانی یکی پذیرفته شد و دیگری نه. خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»؛^۳ خدا تنها از اهل تقوا می‌پذیرد».

نقل کرده‌اند شخصی هنگام عبور از بازار، دو قرص نان سرقت کرد و دو انار از مغازه‌ای دیگر. سپس آن انار و نان را به فقیر داد. به او گفتند: این چه کاری است؟ گفت: خداوند هر گناه را يك کیفر، ولی ثواب را ده برابر پاداش می‌دهد. من با آن دو نان و دو انار، چهار گناه کردم، ولی به فقیر که دادم، چهل ثواب بردم. چهار گناه از چهل ثواب که کم شود، سی و شش ثواب باقی می‌ماند. به او گفتند: پاداش ده برابر، برای کسی است که کارش بر اساس تقوا باشد. انفاق از مال غصبی پاداش

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳ و ۱۴۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۷۵ و بحار الانوار ج ۷۱، ص ۱۸۷.

۴. سوره مائده، آیه ۲۷.

ندارد. مگر نخوانده‌ای که: «أَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ...»!

۴. شرط اقتصادی: ادای حق مردم

رسیدگی به نیازمندان و ادای حقوق محرومان به درجه‌ای از اهمیت است که گاهی قبولی عبادت بستگی به آن دارد. پرداختن زکات، یا داشتن درآمد مشروع، از این نمونه‌هاست. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ صَلَاتُهُ»؛ هر کس نماز بخواند، ولی زکات (و مالیات اسلامی) نپردازد، نمازش قبول نمی‌شود. در حدیث دیگری علی علیه السلام به کمیل می‌فرماید: «هر گاه غذای تو از راه حلال و درآمد صحیح نباشد، خداوند، تسبیح گفتن و شکر کردن تو را قبول نمی‌کند».^۲

۵. شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران

حفظ پیوندهای اجتماعی و اخوت میان مسلمانان و روابط شایسته و نیکو میان پیروان اسلام، اهمیت بسیاری دارد. از این رو، هر سخن و عملی که به گسستن پیوندها و به هم زدن روابط خوب منجر شود نارواست. «غیبت»، «سوء ظن»، «بد خواهی»، «قطع رابطه»، «بد خلقی» و ... از اوصاف و اعمالی هستند که موجب قبول نشدن عبادت می‌شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ اَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ؛^۳ کسی که غیبت زن و مرد مسلمانی را بکند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش را خدا نمی‌پذیرد، مگر آنکه آن شخص، او را ببخشد.

و نیز، آن حضرت فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲.
۲. سفینه البحار، ج ۱، واژه «حَلَّ».
۳. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۴.

یا اباذرا! ایاکَ وَ هِجْرانَ اخیكَ، فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا یُتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرانِ! ای ابوذر! از دوری و قطع رابطه با برادر دینی بپرهیز، چرا که عمل اینگونه اشخاص پذیرفته نیست.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا یَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلَى اخیهِ سُوءٌ! ^۱ هر مؤمنی که نسبت به برادر دینی اش، نیت بدی داشته باشد، خداوند عمل او را قبول نمی کند.

نیز آن حضرت فرموده است:

إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ یُفْسِدُ الْعَمَلَ کَمَا یُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ! ^۲ بد اخلاقی با مردم، چنان عمل را فاسد می کند، که سرکه، عسل را.

نتیجه آنکه بدگویی از دیگران، نیت سوء درباره مردم، ترك دوستی، غیبت و امثال آن - که باعث سست شدن پیوندهای اجتماعی مسلمانان می شود - از موانع قبول شدن عبادات به حساب آمده است و نمازگزار و اهل عبادت، باید روابط دینی مستحکمی با بندگان خدا داشته باشد تا پرستش هایش شایستگی قبولی را پیدا کند.

۶. شرط خانوادگی: خوش رفتاری

آئین مقدس و متعالی اسلام، میان عبادت و سیاست و اخلاق و اجتماع، پیوندی منسجم ایجاد کرده است. در امور خانوادگی هم رعایت احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را چنان مهم دانسته که بی توجهی به آن گاهی باعث قبول نشدن عبادات می گردد. و قطع پیوندهای زمینی، به قطع پیوند آسمانی می انجامد. در این زمینه

۱. مکارم الاخلاق، ص ۵۵۴.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. همان، ص ۳۲۱.

پیامبر اسلام ﷺ فرموده است:

مَنْ كَانَ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا...
وَعَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ؛ هر کس زن بد رفتار و اذیت کننده‌ای داشته
باشد، خداوند نماز و کارهای نیک آن زن را نمی‌پذیرد.

(مرد نیز همچنین است)

نه تنها بد رفتاری زن با شوهر یا برعکس، این اثر را دارد، حتی نگاه خشم آگین به
پدر و مادر هم مانع قبولی عبادت است. امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً؛
نماز فرزندی که با خشم به پدر و مادر خود نگاه می‌کند، قبول
نمی‌شود.

گرچه والدین، نسبت به آنان کوتاهی و ظلمی کرده باشند. آری... وقتی ما از نردبان نماز،
به معراج می‌رویم که پایه‌های آن روی زمین محکمی باشد، ولی اگر روی یخ لغزنده یا
زمین سُست قرار داده شود، بالا رفتن را مشکل یا غیر ممکن می‌سازد. کمال معنوی در
سایه عبادات، آن هم با حسن رفتار و روابط شایسته اجتماعی حاصل می‌شود. مسائل
دیگری هم در روایات بیان شده که مانع قبولی اعمال است، مانند شراب خوردن و...
البته نباید تصوّر شود که حال که خدا قبول نمی‌کند، پس نماز نخواند و روزه نگیرد و
...، بلکه این‌گونه روایات، نشان دهنده ضعف عمل و کم ارزشی آن به خاطر رفتار و
خصلت‌های ناشایست عبادت کننده است.

قرآن، ثمره نماز را، باز داشتن از فحشاء و منکر می‌داند ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
وَالْمُنْكَرِ﴾^۱ و این خاصیت، مغز و محتوای اصلی نماز و نشان قبولی اعمال و عبادات

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۶.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

است. هسته بی مغز، رشد نمی کند و ثمر نمی دهد. نماز بدون بازداشتن از بدی ها، همان عبادت بی محتواست. امام صادق علیه السلام در بیان این نشانه، می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ، فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؟ فَبَقْدَرٍ مَا ضَعَفَتْهُ قُبُلَتْ مِنْهُ؛ هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.

عبادت زمانی ارزش دارد که سطحی نباشد، بلکه همراه با شناخت رهبر آسمانی و ولایت او و همراه با خشوع و آداب مخصوص خود باشد. حضرت علی علیه السلام گرفتار يك عده نماز خوان خشك مقدس بود که در تاریخ به نام مارقین و خوارج معروفند. کسانی که پیشانی آنها به خاطر سجده های طولانی و مکرر پینه بسته بود، اما در برابر علی علیه السلام قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. گمان نکنید آنها که برای کشتن امام حسین به کربلا آمده بودند همه تارك الصلوة بودند، بلکه نماز جماعت می خواندند! حتی خود یزید و معاویه پیش نماز بودند! آری، عبادتی که همراه با جهالت باشد، کشتن عابدترین مردم را در محراب عبادت، بزرگ ترین عبادت می داند و با قصد قربت برای کشتن علی علیه السلام می رود!

نه فقط نماز که سایر عبادات نیز باید همراه با معرفت رهبر حق و اطاعت از او باشد، لذا در روایات آمده که خداوند حج را واجب کرد تا مردم دور خانه او جمع شوند و در این مرکز اجتماع با امامان معصوم ارتباط برقرار کنند. اما امروزه میلیون ها نفر گرد کعبه می گردند، و به خاطر نداشتن رهبر آسمانی از هم گسیخته اند و با داشتن مرکز وحدت و اهرمهای اقتصادی از عده ای یهودی توسری می خورند!

آری، اسلام مجموعه‌ای است که تجزیه‌بردار نیست. نماز بدون پذیرفتن ولایت قبول نیست، نماز بدون پرداخت زکات قبول نیست؛ چنانکه انفاق بدون نماز نیز پذیرفته نیست. دستورات اسلام مثل اعضای بدن است که هیچیک جای دیگری را نمی‌گیرد؛ نه چشم کار گوش را می‌کند و نه گوش کار دست را. در اسلام نیز خواندن نماز جای زکات را نمی‌گیرد، چنانکه هیچیک از این دو جای جهاد و مبارزه در راه خدا را پر نمی‌کنند. بلکه مجموعه اینها اسلام است. گاهی عبادت، صحیح است، ولی رشد آور نیست، مثل دارویی که شفابخش نیست. گاهی عبادت، از کیفر می‌رهاند، ولی ما را محبوب خدا نمی‌سازد.

ب) شرایط کمال

غیر از شرایط صحت و قبول عبادات که بیان شد، اموری هم جزء شرایط کمال عبادت است. این شرایط، نشان دهنده ارزش والاتر و محتوای بهتر و تأثیر بیشتر عبادات است. این شرایط، از این قرار است:

۱. مشکل‌تر باشد

انجام کارها و عبادات آسان از همه کس برمی‌آید، ولی عباداتی که دشوارتر است و همت و اراده و رنج بیشتری لازم دارد، با ارزش‌تر و به کمال نزدیک‌تر است. قرآن، از کسانی که در دوران سختی، پیامبر خدا را یاری و پیروی کردند ستایش می‌کند.^۱ امام مجتبی‌علیه‌السلام با آنکه مرکب سواری داشت، ولی پیاده به سفر حج می‌رفت تا پاداش بیشتری داشته باشد. قرآن، از نماز شب خوانانی تمجید می‌کند که خود را از بستر نرم و گرم جدا کرده و به نیایش و نماز می‌پردازند.^۲ علی‌علیه‌السلام فرموده است:

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۷.

۲. سوره سجده، آیه ۱۵ و ۱۶.

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ»^۱ برترین کارها آنست که خود را بر انجام آن وادار کنی.

قرآن، پاداش و مقام مجاهدان بزرگ و سخت‌کوش را برتر دانسته و می‌فرماید: ﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲.

۲. مهم‌تر باشد

در انجام کارها، رعایت «اهم و مهم»، نشان عقل و عاقبت اندیشی و مصلحت شناسی است و اسلام، در کارها به آنچه که لازم‌تر و مفیدتر و مهم‌تر است تشویق می‌کند؛ چه در آموختن، چه در عبادت، چه در انفاق. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «لَا صَدَقَةَ وَ ذَوْحِمٍ مُّحْتَاجٍ»^۳ با وجود بستگان نیازمند، انفاق و کمک به دیگران بی ارزش است.

و علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا اضْرَرَّتْ بِالْفَرَائِضِ»^۴ هرگاه نمازهای مستحب، به نمازهای واجب ضرر برساند، آنگونه عبادت، موجب قرب به خدا نخواهد بود.

۳. اثرش پایدارتر باشد

برکت، آثار فراوان و فواید ماندگار يك عمل و انسان است. کاری و عبادتی صفت کمال دارد که آثار آن زودگذر و ناپایدار نباشد. علی علیه السلام می‌فرماید: «رَبِّ يَسِيرِ أَمْنِي مِنْ كَثِيرٍ»^۵ چه بسا کارهای کم و ناچیز که از کارهای بسیار، رشد و نمو بیشتری دارد. برخی از تألیفات و اقدامات شایسته و مراکز خدماتی به اندازه‌ای خیر و برکت

۱. نهج البلاغة، ص ۵۱۱، قصار ۲۴۹.

۲. سوره نساء، آیه ۹۵.

۳. نهج الفصاحه، ۵۲۲.

۴. الحیة، ج ۱، ص ۳۱۸.

۵. نهج البلاغه، وصیت ۳۱.

و آثار وجودی دارد که بسیاری از آثار و نوشته‌ها و اعمال، فاقد آن است. پس برکت نیز یکی از شرایط کمال عبادات است.

۴. در خط پیامبر باشد

کمال عبادات و اعمال، آن است که در مسیر و خط سنت و سیره پیامبر و اولیاء دین باشد، نه بر اساس تشریفات یا سنت‌های موروثی از نیاکان یا محیط و خواسته مردم. عبادت، هر چه به روش معصومین علیهم‌السلام نزدیک‌تر باشد ارزشمندتر است. سبقت داشته باشد

در عبادات و کارهای نیک، سابقه ارزش دارد و پیشتازی به اینگونه امور، ملاک کمال است. قرآن، به طور مکرر، فرمان «سارعوا» و «سابقوا» دارد. در جایی می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ»^۱ مسلمانانی که پیش از فتح مکه، انفاق و جهاد کردند، پاداش بیشتری دارند از آنانکه پس از فتح مکه انفاق و مبارزه کردند. گرچه خداوند به هر دو گروه، وعده پاداش داده است. پس سبقت در کارهای شایسته (انفاق و جهاد) از ملاک‌های کمال است. در حدیثی می‌خوانیم، علی علیه‌السلام فرمود:

لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاثِ خَصَالٍ: تَعْجِيلُهُ وَتَصْغِيرُهُ وَ سِتْرُهُ^۲ کار خیر، زمانی ارزش بیشتر دارد که هم زودتر انجام بگیرد، هم انجام دهنده آن را کوچک پندارد (و به آن مغرور نشود) و هم پنهانی و دور از تظاهر انجام گیرد.

از این رو، بهترین نماز، نماز اول وقت است و هر چه از اول وقت دورتر شود، فضیلتش کمتر می‌شود. در اذان که شعار رسمی ماست، می‌گوییم: «حَيَّ عَلَىٰ

۱. سوره حدید، آیه ۱۰.

۲. تحف العقول، ص ۳۲۳.

الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ». به سوی نماز و رستگاری و بهترین کارها بشتاب!...

۵. در شرایط دشوار انجام شود

کار نیک و عبادتی که در شرایط سلطه ستم و طاغوت‌ها انجام گیرد، چون فداکاری بیشتری می‌خواهد و تأثیر فراوان‌تر دارد، ارزشمندتر است. آنجا که فشارهای محیط بیرون و غرایز درون، دست به دست هم می‌دهد تا مانع عبادت و عبودیت شود، غلبه بر این فشارها و پرستش خدا، ارزش و کمال است. قرآن در ستایش از مؤمنان راستین می‌گوید: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»؛ در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری هراس ندارند». در جای دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»^۱ آنان، پیام‌های الهی را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از احدی جز خداوند نمی‌ترسند». آری... آنانکه در محیط فاسد و سلطه ظالم، خود و دین خود را حفظ می‌کنند (مانند همسر فرعون) از مقام بالاتری برخوردارند.

۶. نشاط و دوام داشته باشد

بی‌نشاطی در عبادت، نشانه‌ای از نفاق است. قرآن منافقان را چنین توصیف می‌کند که وقتی به نماز می‌ایستند، نشاط ندارند.^۲ در مقابل، نشاط بندگی، ارزش است و نیز تداوم عبادت، کمال آفرین است. در احادیث، اعمال اندکی که پیوسته و مستمر باشد، بهتر از عبادت زیاد ولی همراه با تنبلی و ملالت و رها کردن به شمار آمده است. قرآن وعده پاداش‌ها و بهره‌مندی‌های زیاد در علم، فکر و... را به کسانی داده که در طریقت اسلام، پایدار باشند: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ

۱. سوره مائده، آیه ۵۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۹.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۲.

لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا^۱.

۷. عبادت خود را بزرگ نشمارد

انسانهای مغرور، عبادت خود را بزرگ و مهم می‌بینند و از این راه، دچار تباهی اعمال می‌شوند. شرط کمال عبادت آن است که عابد، عباداتش را زیاد نبیند و مغرور نشود. امام سجّاد در دعای «مکارم الاخلاق» از خداوند چنین می‌طلبد: «اللَّهُمَّ عَبْدِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ؛ خدایا به من توفیق عبادت بده و عبادتم را با «عجب» تباه مساز».

احادیث بسیاری به این مضمون است که انسان عبادات و کارهای نیک خود را بزرگ نشمارد. خداوند در قرآن، از عبادت و تسبیح بسیار فرشتگان و ذکر دائمی آنان یاد می‌کند.^۲ شاید به این جهت که بندگان روی زمین، مغرور چند رکعت نماز و عبادت خود نشوند.

۸. با بصیرت باشد

آگاهی عمیق و بصیرت و اندیشه در دین، رمز ارزشمندی کارها و عبادات است و بدون آن، عمل، فاقد ارزش لازم است. علی علیه السلام می‌فرماید: «الَا، لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ»^۳ عبادت بدون بصیرت و فکر، بی ارزش است.

در حدیث دیگری تعبیر «یقین» آمده است:

إِنَّ الْعَمَلَ الدَّائِمَ الْقَلِيلَ عَلَى الْيَقِينِ، أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرِ عَلَى غَيْرِ يَقِينٍ؛^۴ عمل اندک ولی همیشگی بر اساس «یقین»، برتر است نزد خداوند، از کار بسیار بدون یقین و بصیرت.

۱. سوره جن، آیه ۱۶.

۲. سوره انبیاء، آیه ۲۰.

۳. سفینه البحار، کلمه «نظر».

۴. همان، کلمه «عبد».

فصل چهارم. آداب مشترک نماز و انتظار ظهور

اگر گفتیم نماز و انتظار ظهور امام زمان عبادت خدا محسوب می‌شود، روش عبادت را باید از قرآن و عترت آموخت. آنگونه که آدرس هر خانه را باید از صاحب خانه گرفت. آیات قرآن و احادیث معصومین، بهترین عبادت را کدام می‌دانند و چه اوصافی برای آن می‌شمارند؟ جواب را باید از قرآن و عترت دریافت. پس مروری به کلمات اولیاء دین می‌کنیم تا ببینیم هم در نماز و هم در موضوع انتظار امام زمان باید چگونه عمل کنیم:

۱. آگاهانه

اولین شرط در آداب نماز و انتظار فرج آن است که هر دو باید با آگاهی انجام شود. درباره نماز در حدیث آمده است: «رُكْعَتَانِ مِنْ عَالَمٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً مِنْ جَاهِلٍ؛ دو رکعت نماز عالم، بهتر از هفتاد رکعت نماز جاهل است». و رسول خدا ﷺ فرموده است: «از نماز، آن قسمتی مورد قبول است که انسان بر اساس تعقل و آگاهی بخواند».^۱ در حدیث دیگر است:

الْمُتَعَبِّدُ عَلَى غَيْرِ فِقْهِ كَحِمَارِ الطَّاحُونَةِ؛^۲ عابدی که از روی فهم و درک عبادت نکند، همچون الاغ آسیاب حرکت می‌کند، ولی در جا می‌زند و پیش نمی‌رود.

نماز آگاهانه آن است که انسان بداند چه می‌کند، چه می‌گوید، با که صحبت می‌کند، حضور قلب و توجه به خدا داشته باشد. پیامبر ﷺ فرمود: «دو رکعت

۱. الإختصاص، ص ۲۴۵.

۲. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۶۶.

۳. الإختصاص، ص ۲۴۵.

نماز با توجه، از شب زنده داری غافلانه بهتر است»^۱.
قرآن می‌فرماید: «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»^۲ در حال مستی سراغ نماز نروید، تا بدانید که چه می‌گویید».
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که دو رکعت نماز بخواند و بداند با که سخن می‌گوید و چه می‌گوید، گناهانش بخشیده می‌شود»^۳.

۲. عاشقانه

آنگونه که بیمار، از غذای لذیذ، لذت نمی‌برد، عبادت‌کنندگان بی شوق هم لذتی از پرستش نمی‌برند. عبادت باید همراه محبت و عشق و نشاط و لذت باشد، نه همراه کسالت و بیحالی و افسرده دلی. نشاط در عبادت، امتیازی است که انسانهای شیفته دل از آن برخوردارند. زمینه آن را هم باید با معرفت و توجه به دست آورد. عبادت زوری و تحمیلی، بی نتیجه است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا تُكْرِهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ»^۴ عبادت را به خودتان تحمیل نکنید».

آنگونه که برای دیدار يك شخصیت محبوب و بزرگ، نشاط و شوق می‌یابیم، برای دیدار با خدا و پرستش در آستان او هم باید قلبی مشتاق و با نشاط بیابیم. اولیاء دین و معصومین علیهم السلام چنان شیفته لحظه دیدار با خدا بودند و چنان عاشقانه نماز و عبادت داشتند که شگفت‌آور است (به نمونه‌هایی در بحث‌های بعد اشاره می‌شود).

۳. خالصانه

گوهر خلوص، به عبادت‌ها ارزش و اعتبار می‌بخشد و عبادتی که خالص برای

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۹.

۲. سوره نساء، آیه ۴۳.

۳. الوافی، ج ۲، ص ۱۰.

۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

خدا نباشد و ریا، نفاق و شهرت طلبی و عوام فریبی باشد، فاقد ارزش است و نزد خداوند هم پذیرفته نیست. قرآن می‌فرماید: «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^۱ هر که به خدا و قیامت ایمان دارد کسی را در عبادت، شریک خدا نسازد». امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ شَهَرَ نَفْسَهُ بِالْعِبَادَةِ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِهِ»^۲ هر کس با طرح عبادت خویش در جامعه، خود را مشهور می‌کند، نسبت به دین او بدبین باشید». چنین کسانی از دین، دامی برای فریب مردم می‌سازند. عبادت بی اخلاص، همچون جسم بی جان و پیکر بی روح است. و به تعبیر قرآن، مردم فرمان نیافته‌اند مگر آنکه با دینی خالص خدا را پرستند: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۳.

۴. خاشعانه

خشوع، آن توجه قلبی به پروردگار و داشتن حالتی است که مناسب با عظمت خداوند است. پرستش خدا باید همراه با قلبی سرشار از احساس عظمت خدا و کوچکی و نیاز در مقابل او باشد. قرآن، در وصف مؤمنان رستگار، «خشوع در نماز» را بیان می‌کند: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۴ این خشوع قلبی، باید سراسر وجود اهل عبادت را فرا بگیرد. راه به دست آوردن آن، این است که نمازگزار، چنان عبادت کند که گویا خدا را می‌بیند و ذلت و کوچکی خویش را در برابر قدرت و عظمت او حس کند. در حدیث آمده است که: «اعْبُدُوا اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ»^۵ خدا را چنان عبادت کن که گویا او را می‌بینی». همچنین در حدیث دیگر است: «فَصَلِّهَا لَوَقْتِهَا صَلَاةً مُؤَدَّعَةً»^۶ نماز را در وقتش چنان بخوان، که گویا آخرین نماز توست و توازن نماز

۱. سوره کهف، آیه ۱۱۰.
۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۸.
۳. سوره بینه، آیه ۵.
۴. سوره مؤمنون، آیه ۳.
۵. مصباح الشریعه، ص ۸.
۶. الأمالی للصدوق، ص ۴۹۹.

و دنیا خدا حافظی می‌کنی».

۵. مخفیانه

انسان، مصون از دام‌های شیطان نیست و عبادت‌های عابد، چه بسا با عجب و ریا و خودنمایی تباه می‌شود. راه غلبه بر این آفت، عبادت‌های پنهانی است. رسول خدا ﷺ فرمود: «اعْظُمُ الْعِبَادَةَ اجْراً اخْفَاهَا؛ پاداش عبادتی بیشتر است که مخفی‌تر باشد».

البته این در مواردی است که خود اسلام، دستور به عبادت‌های علنی (مثل نماز جماعت و جمعه و حج) نداده باشد، چرا که نماز جماعت در مسجد، برتر از نماز فردای در خانه است. عبادت مخفیانه بسیاری اوقات، جلوی ریا و تباه شدن عبادت را می‌گیرد.

۶. مستمرانه

دوام و پشتکار در هر کاری پسندیده است، در عبادت هم چنین است. از نظر اسلام، عبادت کوچک و کم، ولی پیوسته، ارزشمندتر از عمل نیک بزرگ، ولی بی دوام است. قرآن می‌فرماید: «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ»^۱ خدا را بپرست، و در راه عبادت او صبور و شکیبا باش. از رسول خدا ﷺ نیز نقل شده است که: فرمود: «آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفُتْرَةُ»^۲ آفت عبادت، سستی و گاهی انجام دادن و گاهی ترك است». و در احادیث بسیاری این مضمون آمده است که: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِذْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»^۳ نزد خداوند، محبوب‌ترین کارها، آن است که بیشتر دوام یابد، هر

۱. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۷۹.

۲. سوره مریم، آیه ۶۵.

۳. المحاسن، ج ۱، ص ۱۷.

۴. نهج الفصاحه، جمله ۴۵۳.

چند اندك باشد!» سفارش شده که: هر کاری را شروع کردید، حدّاقل تا يك سال ادامه دهید.

پس تداوم داشتن عبادت و روحیه پرستش در انسان، مهمّ است. نه آنکه گاهی تب عبادت و دعا و مسجد انسان را بگیرد، و مدّتی هم بکلی این امور را رها کند و بیگانه با عبادت شود.

۷. فرصت طلبانه

سرمایه عمر و فرصت‌های زندگی از کف می‌رود و همچون ابرهای گذران، از آسمان حیات ما می‌گذرد. باید هوشیار بود و از این رهگذر، بیشترین بهره را برد و بندگی خدا کرد. در حدیث زیبایی، علی علیه السلام فرموده است:

إِنَّ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ يَعْمَلَانِ فِيكَ فَاعْمَلْ فِيهِمَا وَ يَأْخُذَانِ مِنْكَ فَخُذْ مِنْهُمَا؛ شب و روز در تو کار می‌کنند، تو هم در آنها کار کن، و از تو می‌گیرند، تو هم از آنها بگیر.

راستی ... عمری را که می‌دهیم و این سرمایه را شب و روز خرج می‌کنیم، چه به دست می‌آوریم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلُوهَا طَاعَةً؛ دنیا، ساعت و لحظه‌ای بیش نیست، آن را در راه اطاعت خدا به کار گیرید». اگر هم در شرایطی خاص امکان عبادت و بندگی کم بود، باید تلاش کرد و زمینه فراهم ساخت و به محیط‌های آزادتر رفت و خدا را پرستید، که تنگنای زمین و زمان، برای دوری از پرستش خدا، بهانه نیست: «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ»^۳.

۱. الحیاء، ج ۱، ص ۳۳۱.
۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۴.
۳. سوره عنکبوت، آیه ۵۶.

۸. صبورانه

راه خداپرستی دشواری‌هایی هم همراه دارد، چه از سوی طاغوت‌ها که مانع توجّه مردم به خدایند؛ چه از طرف بی‌دینان که دین‌داران را مسخره می‌کنند؛ چه از سوی شیطان و نفس که تلاش در جهت بازداشتن انسان از عبادت دارند؛ و چه از طرف هر عاملی که مانع تراشی کند. مگر پیامبر اسلام را هنگام نماز، در کعبه، آزار نمی‌دادند؟ مگر مسلمانان مبارز، به خاطر خداپرستی، زیر شکنجه‌های طاغوت جان نمی‌دادند؟ مگر بلال حبشی‌ها، در راه خدای یکتا، شلاق نمی‌خوردند؟ مردان خدا در هیچ حال و شرایطی، دست از خدا و پرستش او و اجرای دین او برنمی‌دارند. حضرت زینب علیها السلام با آن همه مصیبت‌ها و شهادت‌ها که دیده بود، باز هم در طول سفر کوفه و شام، نماز شب را ترک نکرد، گرچه به خاطر بی‌طاقتی، نشسته می‌خواند. امام خمینی رحمه الله در آخرین شب عمر هم، در بیمارستان، دست از نمازهای مستحب نکشید.

راه حق، دشواری‌هایی دارد که باید به جان خرید و از هو شدن و دشمنی دیدن نهراسید. علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَسْتَوْجِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ؛ در راه حق، به خاطر کمی افرادش، هراس نداشته باشید». گاهی ممکن است به خاطر خرید چیزی یا صرف غذا یا افتادن جنسی از ماشین، با اصرار اتوبوس را نگهداریم، ولی برای نماز، شهادت فریاد زدن و اتوبوس را نگاه داشتن نداشته باشیم! ...

۹. توسعه‌گراانه

مؤمن خداپرست، باید به گسترش فرهنگ عبادت بپردازد و تنها به نماز و عبادت خود اکتفا نکند، بلکه دیگران را هم با خدا و پرستش، آشنا کند. توصیه به حق و

وظیفه تبلیغ، بر عهده هر مؤمن است. خداوند، بعد از ایمان و عمل صالح، انسان را به دعوت به حق و صبر فرا می خواند: ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾^۱. اگر ده نفر سیگاری وارد منطقه ای شوند، در مدت کمی افراد زیادی را با دود آشنا می کنند، چند نفر فاسد، محله یا شهری را به فساد می کشند. چرا نباید تعدادی اهل نماز و عبادت، مردم را با خدا آشنا سازند و زمین و محیط را محل پرستش خدا کنند؟ باید با تمام نیرو، در خانه، محله، مدرسه، اداره، شهر و روستا به فکر توسعه اهداف الهی خود باشیم و در این راه، هر گونه توانایی خود را به کار گیریم.

۱. سوره عصر، آیه ۳.

فصل پنجم. آفات مشترک نماز و انتظار ظهور

شیطان، این دشمن قسم خورده و دیرینه انسان که همواره در کمین انسان است تا عبادت‌هایش را تباه و بی نتیجه سازد، از این راه‌ها برای فاسد کردن و باطل نمودن عبادات ما وارد می‌شود:

۱. ریا و خودنمایی

کسی که نه برای خدا، بلکه برای جلب نظر مردم یا رسیدن به موقعیت و شهرت، عبادت می‌کند، او گرفتار دام شیطان است و عباداتش به هدر می‌رود. این اخلاص در عبادت، توسط شیطان حتی گاهی پیش از عمل هم، در نیت پدید می‌آید و از «قصد قربت» باز می‌دارد.

۲. عُجب و خودخواهی

شیطان انسان را در حین عبادت، به خودپسندی و مهم دانستن عبادت‌ها می‌کشد و اگر کار، با نام و برای خدا هم شروع شده باشد، در نیمه راه، شیطان آن را تباه می‌سازد و انسان را به غرور، دچار می‌سازد.

۳. خطا و گناه‌کاری

بی شک، گناهان، آثار خوب عبادات را از بین می‌برند. کشاورزی که پس از ماه‌ها تلاش و زحمت در راه به ثمر رساندن مزرعه و باغ، در اثر یک غفلت، گرفتار آتش سوزی و حریق خرمن می‌شود، رنج‌هایش هدر رفته است. گناهان، آتشی در خرمن عبادات و اعمال ما هستند که آنها را بر باد می‌دهند. خلاصه آنکه: شیطان، یا جلوی ورود آب زلال را به جام دل انسان می‌گیرد

یا پس از پر شدن این ظرف، آن را آلوده و فاسد می‌سازد و یا «زیرآب» آن را کشیده، آب‌ها را هدر می‌دهد.

امام سجاده علیه السلام در دعای «مکارم الاخلاق» از خداوند چنین می‌طلبد:

الهی عِبْدُنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ ... اَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكِبْرِ! خدایا، مرا بنده خودت ساز، ولی عبادتم را با عُجب، فاسد مگردان؛ مرا عزیز کن، ولی به تکبر مبتلایم مساز.

کاشتن نهال، وقت چندانی نمی‌برد، ولی به ثمر رساندن و مواظبت از سلامت آن و زدودن آفت‌ها دشوار است. گاهی گناهان یا حالات ناپسند روحی، همه نیکی‌ها را بر باد می‌دهد. در حدیث می‌خوانیم: «إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»^۲ آنگونه که آتش، هیزم را می‌خورد، حسد هم حسنات را می‌خورد». در برخی از کتابها آمده که: عابدی مغرور و فاسقی شرمنده، هر دو وارد مسجد شدند، فاسق، به خاطر حالت توبه و پشیمانی، دگرگون گشت و مؤمنی صالح شد، ولی عابد، به خاطر غرورش، فاسق از کار درآمد.

قرآن، نمونه‌های متعدد یاد می‌کند که چگونه اقوام پیشین، با تغییر شکل عبادت، دچار قهر و غضب الهی شدند. انگیزه این تغییر شکلها متفاوت بوده که از هر کدام يك نمونه قرآنی ذکر می‌کنیم:

۴. لج‌بازی

خداوند به بنی اسرائیل دستور داد هنگام ورود به سرزمین مقدس، کلمه «حظه» را بر زبان جاری کند (یعنی خدایا ما را ببخش و گناهانمان را بریز). آنان از روی استهزاء و لجاجت، تغییر داده و گفتند: «حنطه» (یعنی گندم).

۱. صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۴۵.

خدا بر آنان غضب کرد و هلاکشان نمود.^۱

۵. روشنفکر زندگی

در اسلام، چهار ماه حرام است که جنگیدن در آن ممنوع است. این آتش بس اجباری، در سه ماه پیاپی (ذیقعدة، ذیحجه، محرم) و يك ماه جدا (رجب) است که قرآن همه را با عنوان «اربعة حرم»، یاد کرده و جنگیدن را ممنوع ساخته است، مگر آنجا که حالت دفاعی باشد. برخی به نظر روشنفکرانه خود و روی سلیقه، ماههای حرام را جابجا می‌کردند، عقب جلو می‌کردند و می‌گفتند: چه فرق می‌کند، هدف آن است که سالی چهار ماه نجنگیم. قرآن، این تغییر در ماه‌های حرام را نکوهش کرد و آن را فرو رفتن در کفر دانست.

۶. مقدس مآبی

منظور، کار کسانی است که با سرپوش مذهب و حیل‌های شرعی، به خواسته‌های دل خود می‌رسند و بدین وسیله می‌خواهند بر سر وجدان و قانون خدا کلاه بگذارند. نمونه‌اش در داستان بنی اسرائیل است که چون خداوند، صید ماهی را روز شنبه برای آنان تحریم کرده بود، با احداث حوضچه‌هایی کنار آب، ماهی‌ها را به درون آن می‌کشیدند، ولی روز بعد، ماهی‌ها را می‌گرفتند و می‌گفتند: ما که روز شنبه ماهی نگرفته‌ایم...! ماجرای فوق، در آیاتی از قرآن بیان شده و مورد مذمت قرار گرفته است.

۷. سایر آفات

بندگی و اطاعت و عبادت، تنها در برابر آفریدگار جهان شایسته و رواست و هر

۱. «فانزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء...»؛ (سوره بقره، آیه ۵۹).

پرستشی نسبت به هر پدیده یا انسان و موجودات دیگر، باطل است. این عبادت‌های ناروا، بیشتر از راه جهالت، یا دوری از هدایت‌های انبیا پیش می‌آید. خداوند متعال در قرآن، ضمن اشاره به انواع عبادت‌های ناروا و باطل، آنها را بی دلیل و بیهوده می‌خواند و با دلیل ردّ می‌کند. از این قبیل که:

اگر به خاطریاری جُستن از دیگران، سراغ غیر خدای می‌روید، بدانید که همه قدرت‌ها از آن خداست: ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾^۱

اگر در پی عزّت یافتن هستید، باز هم عزّت برای خدا و در دست خداست: ﴿فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾^۲

اگر برای تأمین معاش و روزی هستید. معبودهای باطل که مالک رزق شما نیستند: ﴿لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا﴾^۳

اگر به امید نفع یا ضرر، توسط مبعودهای دیگری، آنان توان سود رساندن یا دفع زیان ندارند: ﴿مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾^۴

اگر طاغوت‌ها را برتر از خود می‌دانید، بدانید که آنها هم بندگانِ همچون شماینند: ﴿عِبَادُ أَمْثَالُكُمْ﴾^۵

اگر پرستش بت‌ها، روی تقلید از نیاکان است، آنان خود در گمراهی بودند: ﴿أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۶

اگر فکر می‌کنید در قیامت، به فریادتان می‌رسند، بدانید که آنها پرستش‌های شما

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۵

۲. سوره فاطر، آیه ۱۰

۳. سوره عنکبوت، آیه ۱۷

۴. سوره مائده، آیه ۷۶

۵. سوره اعراف، آیه ۱۹۴

۶. سوره انبیاء، آیه ۵۴

را نادیده گرفته و با شما دشمن می شوند: ﴿سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا﴾^۱

اینان بدون جهت و بی دلیل، سراغ معبودهای دیگر رفته اند و برهانی بر این پرستش ندارند: ﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَهُمْ يَنْزِلُ بِهِ سُلْطَانٌ﴾^۲

هیچ چیز و هیچ کس جز خدا، لایق پرستش نیست؛ زیرا این معبودهای باطل، یا وجود خارجی ندارند و ساخته ذهن اند یا موجوداتی بی خاصیت و ناتوانند، یا اگر کارایی دارند، موقت و محدود و همراه با منت ها و هوس ها و تحقیرهاست. پس در هر سه صورت، شایسته نیستند که انسان، طوق بندگی آنها را به گردن اندازد. انسان در برابر هیچ مخلوقی، به قیمت نافرمانی خداوند، نباید اطاعت و پرستش و فرمانبرداری کند. امام جواد علیه السلام می فرماید: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ»^۳ هر کس به سخن کسی گوش دهد، او را پرستیده است!^۴

پس اگر گوینده حق بگوید، بنده حقیق و اگر باطل بگوید، باطل را پرستیده ایم. و امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده است: «مَنْ اطَاعَ مَخْلُوقًا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ فَقَدْ عَبَدَهُ»^۴ هر کس با اطاعت از مخلوقی، خالق را نافرمانی کند، آن مخلوق را پرستیده است». پس عبادت باطل، تنها به پرستش سنگ و چوب و خورشید و ستاره منحصر نیست. دل و جان سپردن به هر فکر و سخن و قدرت و حکومت غیر الهی، عبادت کردن ناروا است، حتی پذیرش فرهنگ ضد الهی هم، از عبادت های باطل به شمار می رود.

۱. سوره مریم، آیه ۸۲.

۲. سوره حج، آیه ۷۱.

۳. تحف العقول، ص ۴۵۶.

۴. نورالقلین، ج ۳، ص ۳۵۷.

بخش دوم
تأثیر نماز بر مذهبیت

فصل اول. نماز، دعوت کننده به امام زمان و معرفت او

هر مسلمانی واجب است در نمازهای واجب روزانه خود ده بار سوره حمد را خوانده و در آن ده مرتبه از پروردگار متعال درخواست رسیدن به راه مستقیم الهی نماید و بگوید: «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» [خداوند!] ما را به راه راست هدایت فرما. نکته قابل توجه در این باره فهم مصداق عینی این صراط است که ذهن هر نمازخوان متفکری را به خود مشغول می‌کند. مفضل بن عمر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «صراط چیست؟» فرمود:

هُوَ الطَّرِيقُ إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمَا صِرَاطَانِ صِرَاطٌ فِي الدُّنْيَا وَ صِرَاطٌ فِي الْآخِرَةِ وَأَمَّا الصِّرَاطُ الَّذِي فِي الدُّنْيَا فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَاقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ^۱ صراط راهی به سوی شناخت خدای بزرگ است، و آن دو گونه است؛ صراطی در این دنیا و صراطی در آن دنیا. اما صراط دنیا امام است که فرمانبرداری از او واجب است؛ هرکس در دنیا او را شناخت و رهنمودهای او را به کار بست، از صراط آخرت. که پلی روی جهنم است. خواهد گذشت و هرکس در این جا امام خود را شناخت، هنگام گذشتن از صراط آخرت، گامش خواهد لغزید و در آتش دوزخ خواهد افتاد.

بنابراین امام عصر، همان صراط الهی است که در سوره حمد آمده و ما دستیابی به آن را درخواست می‌کنیم. امام صادق علیه السلام نیز در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ

۱. سوره حمد، آیه ۴.

۲. معانی الأخبار، ص ۳۲.

الْمُسْتَقِيمَ» فرمود: مراد «الطَّرِيقَ وَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ؛ اصراط مستقیم درخواست راه یابی به راه و معرفت امام است». در این مورد و در بخش دوم کتاب توضیحات بیشتری خواهیم داد.

فصل دوم. نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آغاز حکومت مهدوی

تأثیر دیگر نماز و اهمیت آن را باید در رابطه با حکومت مهدوی - چه آغاز آن و چه تشکیل و تثبیت آن - جست و جو کرد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام و در تفسیر آیه معروف: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...﴾^۱، ماجرای آغاز قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از نماز این طور بیان شده و ایشان فرمودند:

نَزَلْتُ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رُكْعَتَيْنِ وَدَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛^۲
این آیه درباره قائم آل محمد نازل شده است. به خدا قسم، مضطر اوست که وقتی دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز او را اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و وی را در زمین خلیفه خود گرداند.

بدین گونه آغاز قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از اقامه نماز خواهد بود. دومین نکته در همین ارتباط موضوع اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در نماز بعد از ظهور است، زیرا می دانیم طبق روایات شیعه و سنی، حضرت عیسی علیه السلام در آخر الزمان از آسمان فرود می آید و پشت سر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند و پس از زندگی طولانی، از دنیا می رود؛ کما اینکه امام باقر علیه السلام فرمود: عیسی علیه السلام قبل از روز قیامت فرو خواهد آمد و احدی در دنیا از ملت های یهودی و دیگران نمی ماند، مگر آن که به او ایمان می آورد و او پشت سر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز خواهد خواند.^۳

۱. سوره نمل، آیه ۶۲.

۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴.

۳. إلزام الناصب، ج ۱، ص ۵۷.

فصل سوم. نماز، عاملی مؤثر در دستیابی حکومت مهدوی به اهدافش

سومین تأثیر نماز را باید در رسیدن حکومت مهدوی به اهداف مقدسش دانست. توضیح آنکه در اسلام تشکیل حکومت هدف اصلی نیست، بلکه فلسفه حکومت برای آن است که دین مورد رضایت خداوند در سراسر جهان حاکم و با قدرت شود تا همه انسانها با بندگی و عبودیت خدا به رشد و کمال برسند؛ آیاتی که درباره حکومت مهدوی هست نیز همین موضوع را هدف اصلی این حکومت معرفی می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۱ خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا [تنها] مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان‌اند.

در روایات بسیاری از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم که مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالیه است و خداوند وعده داده است که در آن روز، اهل ایمان بر جهان حکومت کنند.^۲ این آیه شریفه این درس را به ما می‌دهد که دین از سیاست جدا نیست؛ بلکه سیاست و حکومت برای حفظ

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. ر.ک: نورالقلین، ذیل آیه شریفه.

دین است: «لَيْسَتْ خُلَفَتُهُمْ ... يَعْْبُدُونَنِي»؛ علاوه بر آن پیام روشن دیگری نیز دارد که هدف از حکومت اهل ایمان، استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است: «لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ ... لَيُبَدِّلَنَّهُمْ ... لَا يُشْرِكُونَ»؛ این بدان جهت است که امنیت واقعی در سایه حکومت دین است و این امنیت شرایط مناسبی را برای عبادت فراهم می‌سازد: «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْْبُدُونَنِي».

بنابراین باید بدانیم که به وجود آمدن فضایی سرشار از بندگی در سراسر جهان، هدف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از حکومت است که البته به تصریح آیات مختلف این امر تنها با غلبه دین خدا بر سایر ادیان به دست می‌آید. یکی از این آیات، این آیه شریفه است: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱؛ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند.

این آیه به همین صورت، در دو سوره دیگر نیز آمده است؛ سوره فتح، آیه ۲۸ و سوره صف، آیه ۹. گرچه اسلام از نظر منطق و استدلال همیشه پیروز بوده است، اما این آیه، غلبه ظاهری و وعده حاکمیت اسلام بر جهان را بیان می‌کند. از يك سو، این آیه تاکنون تحقق نیافته و از سویی دیگر، خداوند وعده حاکمیت کلی اسلام را داده است و وعده او دروغ نیست؛ در نتیجه، همان‌گونه که در روایات بسیاری آمده است، این آیه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارد. محمد بن فضیل گوید: به حضرت کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردم معنی این فرموده خداوند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» چیست؟ فرمود: «یعنی دین خود را در زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر همه دین‌ها غلبه دهد. خدا می‌فرماید: «وَاللَّهُ مُمِيتُ نُورِهِ»، یعنی ولایت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را کامل خواهد کرد»^۲.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲.

حال که از بیان فلسفه حکومت مهدوی فارغ شدیم به جاست که فلسفه نماز را بیان کنیم تا مشخص شود که چگونه نماز، یکی از بهترین عوامل در دستیابی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه به اهداف مورد نظرش است. یکی از مهمترین آیاتی که هدف از نماز خواندن را بیان می‌کند آیه چهل و پنج سوره عنکبوت است که می‌فرماید: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی شده تلاوت کن و نماز را به پادار، که همانا نماز (انسان را) از فحشا و منکر باز می‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند». در این آیه خداوند، تلاوت قرآن و اقامه نماز، این دو منبع نیروبخش را در کنار هم قرار داده است. در آیات دیگر که خداوند از مسئولیت سنگین پیامبرش خبر می‌دهد: «إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا»؛ به او می‌فرماید: برای انجام مسئولیت، از این دو منبع کمک بگیر؛ یکی تلاوت قرآن: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۱ و دیگری نماز شب: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا»^۲. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می‌خواند و هم گناه می‌کند؛ فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا؛ بالاخره نماز، روزی نجاتش می‌دهد»^۳. حاصل آنکه در منطق دین، گسترش معروف‌ها و به ویژه نماز در جامعه، به طور طبیعی مانع رشد منکرات می‌شود و این موضوع یکی از اهداف اصلی حکومت دینی است. حال ممکن است این سؤال مطرح شود که چگونه نماز، فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می‌دارد؟

پاسخ آن است که اولاً، ریشه تمام منکرات، غفلت از یاد خداست و آیه ۱۷۹ سوره

۱. سوره مزمل، آیه ۵.

۲. سوره مزمل، آیه ۴.

۳. سوره مزمل، آیه ۶.

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۶۲.

اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر می‌شمرد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ». و نماز، بهترین وسیله غفلت‌زدایی است، پس زمینه منکرات را از بین می‌برد.

ثانیاً، داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی می‌شود. کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند. مسجذنشین از رفتن به مکان‌های گناه حیا می‌کند.

ثالثاً، نماز، احکام و دستوراتی دارد که رعایت آنها انسان را از بسیاری گناهان باز می‌دارد:

- شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران؛
 - شرط پاک بودن مکان، لباس و بدن، نمازگزار را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌سازد.
 - شرط اخلاص در نیت، انسان را از منکر، شرک، ریا و شمع‌ه باز می‌دارد.
 - رکوع و سجده، انسان را از تکبر باز می‌دارد و او را متواضع می‌سازد.
 - حفظ پوشش در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی حفظ می‌کند. و...
- البته ذکر این نکته لازم است که بدانیم نمازهای موسمی و مقطعی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. دوزخیان می‌گویند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»؛ یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»؛ وای بر نمازگزارانی که از نماز خود غافل‌اند». و چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۱. چنانکه امام صادق علیه السلام در آستانه رحلت خود به بستگانشان فرمودند: «لَا يَنَالُ شَفَاعَتُنَا مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ»؛

۱. سوره ماعون، آیات ۵ - ۶.

۲. سوره مدثر، آیات ۴۸ - ۴۳.

هرکس نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی‌رسد»^۱.

حال که از کارایی فوق العاده نماز مطلع شدیم، می‌توان فهمید که چرا در زمان حکومت مهدوی، نماز اقامه می‌شود و این بدان جهت است که نماز، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رسیدن به هدف حکومتش که بندگی مردم و دوری از منکرات و زشتی‌ها و در نتیجه رشد است یاری می‌دهد. قرآن می‌فرماید: حکومت اسلامی همان است که: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»^۲.

مدیر کلی که برای استخر پرسنل، بیمه پرسنل، بهداشت پرسنل، لباس و خوراک، حقوق و خلاصه برای همه کارها، برنامه و جلسه داشته باشند، اما جلسه‌ای نداشته باشند تا ببینند علت اینکه برخی کارمندانش چرا نماز را بلد نیستند و یا در نماز خواندن سستی می‌کنند؛ چنین مدیرکل و رئیسی به درد جمهوری اسلامی نمی‌خورد، زیرا طبق آیه قرآن، مسئول جمهوری اسلامی کسی است که همین که پشت میز نشست، اول به فکر نماز کارمندانش باشد. اگر چنین توجهی باشد، تولید کارخانه‌اش هم بالا می‌رود، چون اگر انسان، بنده خدا شود کارش را هم خوب انجام می‌دهد. همه دزدها آنهایی هستند که از خدا جدا شدند. کارمند نماز خوان است که با خود می‌گوید: اگر رئیس نفهمد، خدای رئیس که هست. امیرالمومنین علیه السلام رئیس حکومت اسلامی بود. سؤال این است وقتی ایشان حکومت اسلامی تشکیل داد نماز اول وقت می‌خواند یا نه؟ ما نمی‌توانیم در شعار بگوئیم کشور ما کشور علوی است، اما برخی مسئولان و مدیران ما به بهانه‌های مختلف نماز را اول وقت نخوانند.

در سفری که به حج داشتم روزی به یک قاضی که با من بود گفتم: آیا شما نمی‌توانی

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۰۱.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

به دبیرستانی که در کنار دادگستری محل کار شما است رفته و ده دقیقه آنجا نماز به جماعت بخوانید؟ گفت: آخر بنده کارمند دادگستری هستم. گفتم: مگر کار شما قضاوت نیست؟ او گفت: بله. به وی گفتم: قرآن می فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾؛ اگر نماز در جامعه احیاء بشود فحشا و منکر کم می شود و در نتیجه نیاز به قضاوت شما کم می شود. در میدان جنگ هم حضرت علی علیه السلام نماز اول وقت می خواند. بنابراین همه ما مسئول هستیم. مگر امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا مسئولیتی نداشت؟ کدامیک از کارمندان دولت ما مسئولیت شان بیش از ظهر عاشورا است؟

فصل چهارم. جایگاه نماز در کارگزاران امام زمان علیه السلام

با توضیحاتی که درباره تأثیر نماز گفته شد به خوبی معلوم می‌شود که اگر حکومت امام زمان علیه السلام بخواهد به اصلاح‌گری جهان پرداخته و به اهداف توحیدی خود برسد باید مسئولان و کارگزاران این حکومت نیز خود صالح باشند. قرآن کریم درباره ویژگی‌های کسانی که حاکمیت زمین را به ارث می‌برند، صالح بودن را شرط اصلی می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱ و همانا در [کتاب آسمانی] زبور [که] بعد از ذکر [یعنی تورات، نازل شده] نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. بر اساس این آیه و آیات دیگر، مدیریت و حکومت، نیاز به لیاقت و صلاحیت‌های خاصی دارد. معلوم است که بخشی از این صلاحیت با نماز و عبادت حاصل خواهد شد. این نکته آنقدر مهم است که حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می‌فرماید: «واجعل افضل اوقاتك للصلاة واعلم ان جميع اعمالك تبع لصلوتك»^۲ بهترین وقت خودت را برای نماز قرار بده و بدان ارزش تمام کارهای تو تابع نماز تو است.

نماز در میان کارگزاران حضرت مهدی نیز همین جایگاه را دارد. امام صادق علیه السلام در برخی از اوصاف یاران امام زمان علیه السلام فرمود:

مردانی در میان آنها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آنها در حال عبادت، هم چون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغول‌اند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب، راهب، و هنگام روز، شیرند.^۳

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

فصل پنجم. نماز و زمینه سازی ظهور

زمینه سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مهمترین کارکردهای نماز می توان دانست. قبل از ورود به این موضوع باید نکته ای مهم - که ممکن است برای بعضی مردم مورد سؤال باشد - روشن شود و آن نقش ما در زمینه سازی ظهور است. در احادیث گوناگون، علت عدم درک محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است؛ از جمله آن که خود ایشان ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده اند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ»^۱؛ ما را از شما حبس نمی کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه شما به ما می رسد. این سخن با صراحت می گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی کنیم. هم چنین وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می کنند که چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب می شود، آمده است: «وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ»^۲؛ یعنی ایشان به گردن خود اشاره می کردند؛ کنایه از این که اگر بیاید، کشته می شود. بنابراین، از مجموع این روایات به دست می آید که علت غیبت امام دوازدهم، عدم آمادگی مردم برای پذیرش رهبری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. خداوند آن حضرت را برای زمان مناسب ذخیره فرموده است تا زمانی که رشد و فرهنگ مردم به جایی برسد که بتوانند نور امامت را درک و از آن بهره گیری کنند.

اگر اداره برق يك شهر برای روشنایی کوچه ای، تیر چراغ برقی نصب کرد و لامپی به آن زد، ولی بچه های کوچه با زدن سنگ لامپ را شکستند، مأمور اداره، لامپ دیگری می زند. چنانچه مجدداً بچه ها لامپ را هم بشکنند، باز اداره برق،

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۵.

برای روشنایی محل اقدام به نصب لامپ دیگری می‌کند. حال اگر برای بار سوم بچه‌های بی‌ادب لامپ را شکستند، به احتمال فراوان، اداره برق تمایلی به نصب مجدد لامپ ندارد، اما به خاطر خواهش بزرگ‌ترها و رفاه حال اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری را نصب کند. اما فکر می‌کنید اداره برق تا چه تعداد این کار را انجام دهد؟ در مورد بحث ما نیز، حاکمان ستم‌گر، یازده چراغ هدایت را شکستند! خداوند نیز چراغ دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره‌گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند؛ بنابراین، باید زمینه‌های ظهور و حکومت مهدوی با فراهم شدن شرایط آن، آماده شود.

نکته مهم دیگر آن که آرزوهای هر انسان، انگیزه زندگی اوست و هر کسی در انتظار رسیدن به آرزوهایش به سر می‌برد و راه‌هایی را برای دست‌یابی به آن جست‌وجو می‌کند. در منطق قرآن کریم، تلاش و کوشش، سهم زیادی در به دست آوردن آرزوها و منافع دارد، به طوری که در این کتاب زندگی آمده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى أَنْ سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَى؛^۱ و برای انسان جز آنچه تلاش کرده، (بهره دیگری) نیست و تلاش و سعی او به زودی دیده می‌شود». این آیات به روشنی بیان می‌کند که: اولاً، هستی، میدان تلاش و کار و نتیجه‌گیری است و ثانیاً، ما مکلف به انجام وظیفه‌ایم، نه حصول نتیجه. سعی و تلاش، وظیفه ماست. حال می‌گوییم یکی از آرزوهای بلند و مقدس همه ما شیعیان، ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است، اما شاید کسانی بگویند: ما در زمینه‌سازی برای ظهور ایشان، با بسیاری از امور آشنایی نداریم! قرآن کریم دست کشیدن از تلاش را با این بهانه قبول ندارد و برای دفع چنین تفکر غلطی، کوشش در راه خدا را زمینه دریافت لطف ویژه خدا و نشان دادن راه‌هایی می‌داند که تاکنون برای ما مخفی بوده و به آن آگاهی

۱. سوره نجم، آیات ۳۹-۴۰.

نداشتیم؛ بنابراین، با شعار و آرزو نمی‌توان به چیزی دست یافت و این کار، عمل و سخت‌کوشی است که شیرینی موفقیت را به کام انسان می‌نشانند. بنابراین، اگر کسانی واقعاً می‌خواهند که دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت عادلانه او را درك و از برکات آن استفاده کنند، خودشان نیز باید برای تحقق چنین حکومتی به اندازه توانایی که دارند تلاش کنند.

یکی از عوامل و ابزارهایی که در اصلاح و آماده‌سازی فردی و اجتماعی برای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار مؤثر است موضوع نماز است؛ قرآن کریم در کنار اقامه نماز می‌فرماید: ﴿إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾^۱ ما پاداش اصلاح طلبان را ضایع نمی‌کنیم. معلوم می‌شود نماز اگر درست برگزار شود و احکام و شرایط ظاهری و باطنی آن مراعات شود، جامعه به طرف صلاح می‌رود و نتیجه آن خواهد شد که زمینه حکومت صالحان فراهم خواهد شد: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۲.

مهمترین کارکردهای نماز در این امر عبارت است از:

الف) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی فردی برای ظهور

بخشی از آثار نماز را باید در کارکردهای نماز بر افراد در جهت زمینه‌سازی ظهور جست‌وجو کرد. با توجه به اینکه شخصیت هر فرد ترکیبی از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها است - که البته این سه به هم مرتبط نیز هستند - و تغییر در هر کدام، زمینه تغییرات بعدی را به وجود می‌آورد به کارکردهای مهدوی نماز در افراد در هر سه بُعد بینشی، گرایشی و رفتاری می‌پردازیم تا تأثیرات فردی آن را در زمینه‌سازی ظهور بر شخصیت افراد بیان کنیم.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۰.

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۱. کارکردهای بینشی نماز

طبق وعده‌های مکرر قرآن، پیروزی نهایی با اسلام است و مردم سراسر جهان در آینده به سراغ اسلام می‌آیند و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل می‌شود؛ اما این وعده‌ها شرایطی دارد و آن عبارت است از: توجه دنیا به اسلام و شناخت آن؛ علاوه بر آن، شناخت اجراکننده قوانین اسلامی؛ یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله آمادگی‌های فکری و معرفتی است که مردم باید به آن دست پیدا کنند. کسانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و عدالت و رحمت او را نمی‌شناسند، چگونه تن به حکومت او خواهند داد و به او اعتماد خواهند کرد؟! امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ظهور می‌کند که آمادگی از هر جهت در میان مردم وجود داشته و مردم به معارف و اندیشه‌های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشته باشند. بخشی از کارکردهای نماز در مورد مهدویت را می‌توان در تأثیر آن بر بینشها و آگاهی‌های لازم برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست. مهمترین این آگاهی‌ها که نماز در ایجاد آن مؤثر است عبارت است از:

تقویت بینش توحیدی

توحید و خدامحوری در تمام مسائل مهدویت، جایگاه اصلی و محوری را دارد. اگر به حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بنگریم هدف اصلی و تمام برنامه‌های حکومت مهدوی بر اساس توحید و بندگی خدا است؛ این مطلب در یکی از مهمترین آیه‌های مهدوی این گونه بیان شده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ^۱ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند تا [تنها] مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این کفر ورزد، پس آنان همان فاسقان اند». ملاحظه می‌کنید که در آخر آیه فلسفه حکومت دینی که عبارت است از عبودیت بدون ترس و عدم شرک به خدا به وضوح بیان شده است. امام صادق علیه السلام نیز در سخنی فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، جایی بر روی زمین باقی نمی‌ماند، مگر این که در آن جا صدای اُشهد ان لا اله الا الله و اُشهد ان محمداً رسول الله بلند می‌شود.^۲ به همین دلیل است که حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت دین حقیقی (اسلام) بر ادیان و مکاتب التقاطی دیگر است؛ کما اینکه قرآن کریم در آیه: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز گرداند، هر چند مشرکان ناراحت باشند^۳ به صراحت این نکته را بیان می‌کند. حال اگر حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار است که انسانیت را به وادی بندگی بکشانند و این هدف اصلی او است باید زمینه‌های مردمی درک و ایمان به این هدف توحیدی این حکومت جهانی را فراهم کرد و از بهترین عواملی که این آمادگی معرفتی و بینشی را به وجود می‌آورد نماز است.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

رابطه نماز و توحید بسیار نزدیک است؛ توحید ما را به سوی نماز می‌کشاند و نماز روح توحید ما را زنده می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^۱ نماز با تکبیر آغاز می‌شود و در هر رکعت بعد از پایان سوره، قبل و بعد از رکوع و هر سجده و در پایان هر نماز، مستحب است الله اکبر بگوئیم. در ذکر رکوع و سجود، سبحان الله می‌گوئیم و در رکعت سوم و چهارم «لا اله الا الله» می‌گوئیم که همه مایه صیقل دادن روح توحید و جلوه دادن روح ایمان است. نماز، حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت؛ شناخت خداوند که به فرمان او و برای او و انس با او قیام می‌کنیم. و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی^۲ و کسالت^۳ نهی کرده تا آنچه را در نماز می‌گوییم با توجه و آگاهی باشد. انسان در نماز خداوندی را حمد و سپاس می‌کند که خالق تمام هستی است، سرچشمه تمام رحمت‌ها و برکات است و مالک روز قیامت است. کسی که حمد و ثنای خود را نثار این وجود مقدس با این خصوصیات می‌کند هرگز حاضر نیست برای هر چیز پست و جزئی و در برابر هر قدرت ناچیزی ستایش کند.

زبانی که ثناگوی خالق هستی شد، دیگر تن به ثناگویی هر نالایقی نمی‌دهد. فراموش نکنیم که امام حسین علیه السلام فرمود: کسی که وصل به پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و از دامن زهرا علیها السلام برخاسته باشد، بیعت یزید را نخواهد پذیرفت. آری... ستایش او نه دیگران، ثنای او نه طاغوت‌ها، ثنای او برای رب العالمین بودنش، الرحمن الرحیم بودنش، مالک یوم الدین بودنش و... دیگران چه و که هستند و چه قدرتی دارند که من ثناگوی آنها باشم؟ به خصوص که مسلمان می‌داند اگر ظالمی ستایش شود عرش خداوند به لرزه در می‌آید. بنابراین ثنای او، آنچنان روح بزرگی به ما

۱. سوره طه، آیه ۱۴.

۲. سوره نساء، آیه ۴۳.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۲.

می دهد که دیگر حاضر به ثنای دیگران نمی شویم و این روح بزرگ را از نماز و حمد می توان تحصیل کرد.

در واقع باید گفت که افراد دیگر غیر از خداوند، یا لطفی ندارند یا لطفشان ناچیز و محدود است، یا لطف خود را به دیگران نمی رسانند و یا با هزار منت ذره ای محبت دارند و اگر لطفی کنند از بهره خودشان کم می شود. اما خداوند عَلَّامُ الْغُیُوبِ لطفش بی نهایت است، باب لطف او همیشه به روی همه باز است، دعوت به ورود هم کرده است، از ورود دیگران در مدار لطفش شاد می شود، مردم را بدون هدیه و رشوه و با دست خالی می پذیرد، رابطه با او و بهره گیری از الطاف او نه زمان می خواهد و نه زمین، نه واسطه می خواهد، نه رابطه و نه هیچ شرطی دیگر؛ فقط صداقت قلبی کافی است. صادقانه به لغزش خود اقرار کنیم و به درگاه او رو آوریم.

دریچه معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مهمترین شناخت ها برای زمینه سازی ظهور را باید در معرفت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان محقق کننده حکومت عدل مهدوی دانست و نقش نماز در این زمینه، نقش ممتازی است.

اگر بخواهیم این مطلب را روشن تر بیان کنیم، باید گفت: راه های متعددی در برابر انسان قرار دارد و او باید یکی را انتخاب کند: راه خواسته ها و هوس های خود، راه انتظارات و توقع های مردم، راه وسوسه های شیطان، راه طاغوت ها، راه نیاکان و پیشینیان، راه خدا و اولیای خدا و....

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می کند که بر دیگر راه ها امتیازاتی دارد:

الف) راه الهی ثابت است؛ برخلاف راه طاغوت ها و هوس های مردم و هوس های شخصی که هر روز تغییر می کند.

ب) يك راه بیش تر نیست؛ در حالی که راه‌های دیگر متعدد و پراکنده‌اند.

ج) انسان در پیمودن راه الهی، به مسیر و مقصد، مطمئن است.

د) در انتهای این مسیر، شکست و باخت وجود ندارد.

مروری بر قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند در قرآن کریم، دین پابرجا و استوار خود را «راه مستقیم» معرفی کرده است.^۱ در روایات نیز آمده است که امامان معصوم علیهم‌السلام فرموده‌اند: «ما راه مستقیم هستیم».^۲ یعنی هم نمونه عینی و عملی راه مستقیم، و هم بهترین اسوه و الگو در پیمودن این راه، رهبران آسمانی هستند. آنان در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزند و... نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.^۳ جالب آن که ابلیس نیز در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند.^۴

بنابراین لزوم معرفت امام عصر علیه‌السلام یکی از آموزه‌های اصلی سوره حمدی است که در هر نماز باید بخوانیم. وقتی نمازگزار در نماز خود از خدا می‌خواهد که: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»؛^۵ [خداوندا! ما را به] راه کسانی که آن‌ها را مشمول نعمت خود ساختی [هدایت کن] نه به راه غضب‌شدگان و گمراهان!، این آیه راه مستقیم را راه کسانی معرفی می‌کند که مشمول نعمت الهی شده‌اند و عبارت‌اند از: انبیا، صدیقین، شهدا و صالحین.^۶

۱. «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ (سوره انعام، آیه ۱۶۱).

۲. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

۳. در این باره ر.ک: اصول کافی، باب الاقتصاد فی العبادات.

۴. شیطان به خدا گفت: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ (سوره اعراف، آیه ۱۶).

۵. سوره حمد، آیه ۷.

۶. «مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ»؛ کسانی که خدا و رسول را پیروی کنند، آنان با کسانی هستند که خدا آن‌ها را نعمت داده است، از پیامبران، راستگویان، شهدا و صالحان؛ (سوره نساء، آیه ۶۹ و سوره مریم، آیه ۵۹).

توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کج روی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می دارد. انسان مؤمن بعد از این درخواست، از خداوند تقاضا می کند که او را در مسیر غضب شدگان و گمراهان قرار ندهد؛ زیرا بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت، گرفتار غضب شدند.

اهمیت معرفت به امام تا حدی است که امام صادق علیه السلام در ضمن تفسیر همین آیه فرمود: «الضَّالِّينَ الشَّاكُّ وَالَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ؛ ضالین و گمراهان، شکاکان و کسانی هستند که امامشان را نمی شناسند».^۱ قبلاً نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن حدیث ثقلین - که شیعه و سنی نقل کرده اند - تصریح به این مطلب (همگامی هدایت با امام در کنار قرآن) کرده و فرمود: «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِمَا لَنْ تَضِلُّوا؛ اگر همراه قرآن و اهل بیت باشید، گمراه نمی شوید». این گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می خواهیم که ما را از آن دور کند.

با این بیان، ضالین دو دسته اند: یک عده، کسانی که با اهل بیت هستند، اما قرآن را رها کرده اند؛ و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته اند، اما از اهل بیت جدا شده اند؛ چرا که پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می کنند که اگر به هردوی این ها تسمک نکنید، گمراه می شوید. مثل ریل های قطار که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می کند، اما اگر یک ردیف باشد، قطار از ریل خارج و در نتیجه نابود می شود. پس اگر در نماز می گوییم: «خدایا! ما را جزء ضالین قرار نده»، برای آن که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت که حضرت مهدی آخرین بازمانده آنها در زمان ما است رجوع، و به آن ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد.

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

موضوع لزوم معرفت امام به جهت اهمیتی که داشته همواره مورد تأکید معصومین بوده است؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره لزوم شناخت امام و پیروی از او فرموده است: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

در روایت دیگری می خوانیم:

اگر شخصی تمام شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.^۱

بنابراین اگر انسان امام زمانش را نشناسد، از دینش منحرف می شود. در یکی از دعاهاى عصر غیبت می خوانیم: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي؛^۲ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، نمی توانم پیغمبرت را بشناسم. خدایا! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسم، حجتت را هم نمی شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر امام را نشناسم، از دینم منحرف می شوم». به راستی که انحراف، وقتی است که انسان، امام زمانش را نشناسد.

مطلب مهمی که درباره معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد آن است که امامان معصوم علیهم السلام معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جزو لوازم ایمان برشمرده و فرموده اند: لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَإِمَامَ زَمَانِهِ وَيُرَدَّ إِلَيْهِ

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

و يُسَلِّمَ لَهُ؛^۱ بنده خدا مؤمن نمی شود تا آن که خدا و رسولش و همه ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم او باشد. سپس فرموده اند: «چگونه ممکن است کسی امام آخر را (که امام زمان اوست) بشناسد و امام اول را نشناسد؟» همین جایگاه معرفت به امام و لزوم شناختن ایشان است که سبب شده تا امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که برای معرفت امام زمان خود از خانه و شهر خود خارج شود، ولی اجل به او مهلت ندهد، از مصادیق این آیه است: «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ هر که در راه خداوند هجرت کند، اقامت گاه های بسیار همراه با گشایش خواهد یافت و هر که از خانه اش هجرت کنان به سوی خدا و پیامبرش خارج شود، سپس او را مرگ دریابد، حتماً پاداش او بر خداوند خواهد بود و خداوند آمرزنده مهربان است».^۲ کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد. و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست و خداوند، آمرزنده و مهربان است.^۳

نکته بعد آنکه خداوند در پاسخ به این پرسش که چرا ما را آفریده، فرموده است: «لِيَعْبُدُونِ؛^۴ تا مرا پرستش کنید». از ائمه پرسیدند: «لِيَعْبُدُونِ» یعنی چه؟ فرمودند: «ليعرفون؛ نسبت به خدا معرفت پیدا کنید». از آن طرف و در سخنی دیگر، امام حسین علیه السلام در پاسخ به این سؤال که معرفت خدا چیست، فرمود: «مَعْرِفَةُ أَهْلِ

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۷۸.

۴. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمْ؛^۱ معرفت خدا، شناخت مردم هر زمان نسبت به امامشان است». یعنی معرفت خدا جز با معرفت امام زمان حاصل نمی‌شود. پس آفرینش برای عبادت خداست، عبادت خدا هم معرفت خدا و در نهایت، معرفت خدا هم به معرفت امام است. پس از معرفت به خدا، مهم‌ترین سرمایه یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همین معرفت عمیق به اوست که آن چنان، ایشان را مجذوب و مطیع حضرت کرده است. بی شک، کسب چنین معرفتی يك دفعه نبوده است، بلکه آن‌ها در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و هم‌گام با انتظار ظهورش، موفق به تحصیل آن شده‌اند. این حقیقت در کلام امام سجاد علیه السلام به خوبی روشن است. ایشان فرمود:

إن أهل زمان غيبته القائلين بإمامته و المنتظرين لظهوره أفضل من أهل كل زمان لأن الله تبارك و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة؛^۲ مردم زمان غیبت او که معتقد به امامت او و منتظر ظهورش هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند عقل، فهم و معرفتی به آن‌ها عطا کرده که غیبت نزد آن‌ها چون مشاهده است.

دانستن همه این تأکیدها بر معرفت امام جایگاه نماز و اهمیت تأثیر آن بر مباحث مهدویت را واضح‌تر می‌کند.

۲. کارکردهای گرایشی نماز

زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف غیر از آمادگی‌های شناختی و بینشی، نیازمند آمادگی‌های گرایشی و عاطفی نیز هست و اهمیت آن کمتر از مسائل بینشی نیست. زیرا چه بسا کسی نسبت به امام زمان و ظهور او اطلاعات زیادی داشته

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۳۱۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰.

باشد، اما کمترین تمایل و شوقی نسبت به آن در خود احساس نکند؛ نتیجه این عدم اشتیاق، عدم مسئولیت‌پذیری در موضوع زمینه‌سازی برای ظهور است. وجه مشترك همه این شرایط، به تحقق آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت امام زمان علیه السلام و عدالت او برمی‌گردد، به گونه‌ای که همه يك صدا از خدا درخواست کنند و بگویند: «انا نرغب اليك في دولة كريمة».^۱ آری! هر وقت مردم بتوانند امام و رهبری بر حق و معصوم را بپذیرند، آن وقت امام زمان علیه السلام ظهور خواهند کرد. بخش مهم دیگری از کارکردهای نماز در مورد مهدویت را می‌توان در ایجاد و تقویت گرایش‌های لازم برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام دانست. مهمترین این گرایش‌ها که نماز در ایجاد آن مؤثر است عبارت است از:

احیای عدالت‌محوری

از مهم‌ترین ارزشهای اسلامی که در فرهنگ مهدویت جایگاه ممتازی دارد، عدالت‌ورزی و عدالت‌گستری است.

در روایتی آمده که امام صادق علیه السلام بعد از نقل این آیه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^۲ بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می‌کند. همانا ما نشانه‌های [توحید و عظمت] را برای شما روشن کردیم، باشد که تعقل کنید»، فرمود:

يُخَيِّهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّةِ الضَّلَالِ؛^۳
خداوند زمین را پس از ظهور قائم علیه السلام به واسطه عدالت او زنده می‌کند، پس از آن که با جور و ظلم رهبران گمراه، مرده باشد.

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۲۴.

۲. سوره حدید، آیه ۱۷.

۳. الغیبة، نعمانی، ص ۲۵.

توجه به عدالت و جایگاه والای آن، در روایات متعدد و متواتر به چشم می خورد. با سیری کوتاه در آیات و روایات به وضوح در می یابیم که فضای اسلام، فضای عدالت است. آیات و روایات فراوانی، مردم را به عدالت و پاسداری از آن، توصیه و امر کرده و از ظلم و ستم و خیانت باز داشته اند. اسلام، مکتب عدل و اعتدال، نظام اسلامی، نظام عادلانه و امت اسلامی، امت میانه و وسط است. حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرمود: «فِي الْعَدْلِ صَلَاحُ الْبَرِيَّةِ وَالْإِقْتِدَاءُ بِسُنَّةِ اللَّهِ»^۱ عدالت، هم به مصلحت مردم است و هم اقتدا به روش الهی». ایشان هم چنین فرمود: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ وَالْجَوْرُ مَمَاتٌ»^۲ عدالت، باعث حیات جامعه و ظلم، باعث مرگ آن است.

عدالت از چیزهایی است که انسان فطرتاً آن را دوست دارد. به همین دلیل، حتی ستمگران نیز ظلم خود را توجیه، و سعی می کنند که کار خود را عادلانه جلوه دهند. گاهی چند نفر با یکدیگر شریک می شوند و دست به یک دزدی می زنند، ولی بعد از آن که اموال سرقت شده را به مکان دیگری انتقال دادند، در زمان تقسیم می گویند: بیا بید اموال را عادلانه تقسیم کنیم! این سخن گاهی ناخودآگاه گفته می شود و اگر هم به زبان نیاورند، قلباً تقسیم عادلانه را دوست دارند و اگر یکی از آنان بخواهد سهم بیش تری بردارد، ناراحت می شوند. در همه جوامع، کسی که برای تحقق بخشیدن به عدالت، جلوی ستمگران ایستادگی می کند، تحسین می شود و این نیست مگر به خاطر آن که حمایت از عدل و مبارزه با ظلم، خواسته عقلی، طبیعی و فطری هر انسانی است. وجود قوانین عادلانه، شرط لازم برای اجرای عدالت در جامعه است. شاید کم تر حکومتی باشد که از حق و عدالت سخن نگوید و خود را حامی حقوق و مصالح جامعه نداند. قانون باید به تمام ابعاد انسان توجه داشته

۱. الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸.

باشد. قانونی که به انسان به چشم يك موجود شهوی یا شکمی می نگرد، نمی تواند عادلانه باشد؛ زیرا برنامه ریزی آن بر اساس مادی نگری است. قانونی می تواند انسان را به رشد و کمال مطلوب برساند که قانون گذارش از هوس های شخصی و گروهی یا از استبداد فردی و گروهی به دور باشد. علاوه بر آن، باید دید قانون گذار طبق کدام معیار، قوانین عادلانه مقرر می کند و حافظ مصالح کدام طبقه و گروه است؟ بر این اساس، ما شریعت و قوانینی را که پیامبران آورده اند، بر قوانین بشری ترجیح می دهیم؛ زیرا اولاً، به تمام ابعاد مادی و معنوی انسان توجه دارند و از علم و حکمت بی پایان الهی سرچشمه گرفته اند و ثانیاً، قوانین آن ها به دنبال حفظ منافع شخصی یا گروهی نیست و از هر گونه هوا و هوس به دور هستند.

علاوه بر آن در اسلام، تمام مسئولیت های حساس به عهده افراد عادل است؛ یعنی کسانی که سوء سابقه ای پیش مردم ندارند و به صلاحیت و پاکی معروف اند. از قاضی تا شاهد و منشی دادگاه، همه باید در هر جایگاهی که هستند، عادلانه بگویند و بنویسند. امام در نماز جمعه و جماعت باید عادل باشد. مرجع تقلید و رهبر جامعه و مسئول بیت المال باید عادل باشند. مسئولان و کلیدداران نظام باید فقط به خدا وابسته بوده و عدالت پیشه باشند تا مردم نیز با رغبت عدالت را بپذیرند.

هدف انبیا آن است که ایمان به خدا و معاد را چنان در مردم زنده کنند و اخلاق و طرز تفکر الهی را در تاروپود فرد و جامعه نفوذ دهند که خود مردم به عدالت برخیزند و جامعه عادلانه تشکیل دهند. قرآن می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ ما پیامبران را با در دست داشتن دلایل روشن و کتاب آسمانی و معیار سنجش حق و باطل، برای

۱. سوره حدید، آیه ۲۵.

مردم فرستادیم تا مردم در پرتو این رهبران و قوانین آسمانی، به عدل قیام کنند». در اسلام، اجرای عدالت نه تنها درباره دوستان و مؤمنان، که درباره دشمنان در حال جنگ نیز سفارش شده است: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ اگر به شما تعدی و تجاوزی صورت گرفت، تنها به همان مقدار می‌توانید مقابله به مثل کنید و با تقوا باشید».

در نماز نیز عدالت و محبوبیت اجتماعی دو شرط مهم برای امام جماعت است. اگر مردم امامت شخصی را قلباً قبول نداشته باشند، ولی او خودش را همچنان امام جماعت قرار بدهد نمازش قبول نیست. همچنین برای کسانی که در صف اول نماز قرار می‌گیرند، صفات و کمالاتی مطرح شده که این صفات خود یک نوع زنده‌کردن ارزش‌های معنوی است. یعنی در جامعه هرگروه که به عدالت و تقوا نزدیک‌ترند باید جلوتر و محترم‌تر باشند. یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از میان افرادی انتخاب می‌شوند که در عدالت‌ورزی نسبت به دیگران جلوتر باشند.

نیت الهی در کارها

نیت؛ یعنی آنکه بدانیم چه می‌کنیم و چه می‌گوییم و برای که و چه حرکت می‌نمائیم. ارزش هر کاری به نیت و انگیزه آن است، نه فقط صرف عمل؛ لذا حساب کسی که به خاطر حفظ نظم و احترام به قانون، پشت چراغ قرمز می‌ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می‌ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیت جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً چیزی که یک کار را عبادت می‌کند، نیت الهی آن کار است که اگر آن نیت نباشد، هرچه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد، اما ارزش عبادت ندارد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرمایند:

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

«أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ؛ کارها به واسطه انگیزه‌ها ارزش پیدا می‌کند و با آنها سنجیده می‌شود». آری، فرق مادی یا معنوی بودن يك کار، در تفاوت نیت و هدف‌هاست. در اسلام به خالص نمودن نیت در همه عبادات که انتظار ظهور هم از جمله آن است تأکید شده است. منظور از نیت خالص نیز آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جان و هدفش رضای او باشد و از مردم انتظار تشکر یا پاداش نداشته باشد. نانی که اهل بیت رسول خدا ﷺ در چند شب پی‌درپی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند، ارزش مادی زیادی نداشت، اما چون خالصانه بود خداوند به خاطر آن، يك سوره (انسان) نازل کرد. در تاریخ می‌خوانیم کسی در جبهه کشته شد؛ همه گفتند: شهید شد. اما حضرت فرمودند: او «قَتِيلُ الْحِمَارِ» است؛ یعنی کشته راه الاغ! مردم تعجب کردند، اما حضرت فرمود: هدف او از آمدن به جبهه، خدا نبود، بلکه چون دید دشمن سوار بر الاغ خوبی است، با خود گفت: او را می‌کشم و الاغش را به غنیمت می‌برم، اما موفق نشد و آن کافر این مسلمان را کشت، پس او «قَتِيلُ الْحِمَارِ» است.^۱

خالص کردن نیت، کاری بس دقیق و مشکل است. گاهی افکار غیرخدایی چنان در عمق جان انسان رسوخ می‌کند که خود انسان هم متوجه نیست، و لذا در روایت آمده است: ریا و شرك از حرکت مورچه سیاه در شب تاریك بر سنگ سیاه، آرام‌تر و دقیق‌تر است.^۲

در روایات می‌خوانیم: «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»^۳ نیت مؤمن از عمل او بهتر است». همان‌گونه که در مقایسه جسم و روح، روح مهم‌تر از جسم است و انسانیت انسان به روح اوست، در مقایسه عمل و نیت، نیت مهم‌تر از خود عمل است، چرا

۱. محجة البیضاء، ج ۸، ص ۱۰۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۳.

۳. همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

که روح عمل است.

انجام کارها برای جلب رضای خداوند به معنای آن نیست که خداوند تحت تأثیر کارهای ما قرار بگیرد و تغییر حال بدهد که در این صورت محلّ حوادث و تغییر می‌شود، بلکه قرب به خدا؛ یعنی بالارفتن روح از نردبان وجود که نتیجه‌اش نفوذ پیدا کردن در هستی است؛ یعنی نزدیک شدن به سرچشمه هستی و او را در دل خود یافتن. همان‌گونه که مراتب وجود در جماد و نبات و حیوان و انسان تفاوت دارد، مراتب انسانها نیز در قرب به سرچشمه هستی متفاوت است و انسان می‌تواند تا آنجا به خداوند قرب پیدا کند و مقرب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد.

می‌گویند: سلطان محمود غزنوی برای آزمایش درباریان‌ش که چقدر به او وفادارند، کاروانی به راه انداخت و صندوق جواهری را بر شتری نهاد، اما در آن را قفل نکرد. در مسیر راه به درّه‌ای رسیدند او شتر را رَم داد، صندوق برگشت و جواهرات به درّه سرازیر شد. سلطان گفت: هر کس هر جواهری به دستش رسید از آن او باشد، اطرافیان، شاه را رها کردند و به سراغ جمع کردنِ دُر و گوهر رفتند. در این میان دید که ایاز جواهرات را رها کرده و به دنبال سلطان آمده است. از او پرسید: تو چرا به سراغ جواهرات نرفتی؟ ایاز در جواب گفت:

منم در قفای تو می‌تاختم ز خدمت به نعمت نپرداختم

آنگاه مولوی از این ماجرا نتیجه‌گیری کرده و می‌گوید:

گراز دوست چشمت به احسان اوست تو در بند خویشی نه در بند دوست

خلاف طریقت بود کاولیاء تسمنا کنند از خدا جز خدا

به هر حال، کار برای خود، نفس پرستی است. کار برای مردم، بت پرستی است. کار برای خدا و خلق، دوگانه پرستی است. و کارِ خود و خلق را برای خدا کردن،

خداپرستی است.

برای اخلاص در انتظار ظهور، نماز بسیار مهم و مؤثر است؛ زیرا در سراسر نماز، قصد قربت شرط صحیح بودن آن است و حتی اگر حرکت یا کلمه‌ای از واجبات یا مستحبات نماز را برای غیر خدا انجام دهیم نماز باطل می‌شود و اگر مکان نماز یا زمان آن را برای غیر خدا تعیین نمائیم نماز باطل است. نیز اگر حالتی که هنگام نماز به خود می‌گیریم برای غیر او باشد نماز باطل می‌شود؛ بنابراین عبادت بودن نماز مربوط به آن است که انسان هیچ‌گونه قصد غیر خدایی نداشته باشد و این قصد قربت از لحظه ورود به نماز تا پایان همچنان ادامه یابد.

ناگفته پیداست که انسان در لابلای آن همه زرق و برق‌ها و جاذبه‌های زیاد اگر هر روز بتواند از همه چیز دل تهی کند و ریسمان معنوی روح خود را با ذات مقدس او گره زند و چنان با او خلوت کند که راه نفوذ غیر را بگیرد، ارزش مهمی را به دست آورده است. ما در نماز با گفتن «ایّاك نعبد و ایّاك نستعین» به عبودیت و بندگی خالصانه اعتراف می‌کنیم و این اخلاص را از خداوند می‌خواهیم. اگر کسی در محراب نماز، تمرین اخلاص کند در کلاس انتظار هم می‌تواند خالصانه منتظر ظهور باشد.

ارتقای انگیزه در انتظار

هم در نماز و هم در مهدویت و انتظار حضرت مهدی ارتقای نیت را می‌توان دید و به هر اندازه که در نماز انگیزه عبادت، رشد پیدا کند، انگیزه انتظار هم ترقی می‌کند. توضیح آنکه اگر از كودك سؤال کنیم پدر و مادرت را برای چه دوست داری؟ می‌گوید: به خاطر خرید شیرینی و لباس و کفش! اما اگر از يك جوان سؤال کنید چرا آنها را دوست داری؟ می‌گوید: والدین نشانه هویت و شخصیت من و مربّی و دلسوز من هستند. اگر رشد فرزند بیشتر شود، انس با والدین برای اولاد بخش‌تر است و دیگر

به فکر کفش و کلاه نیست و چه بسا فرزندانی که خدمت به والدین را وسیله قرب و کمال خودشان می‌دانند و بالاتر از مادیات فکر می‌کنند. پرستش و عبادت خدا نیز این چنین است و هرکس به دلیلی خدا را عبادت می‌کند. عبادت مراحلی دارد: گام اول. گروهی خدا را به خاطر نعمتهایش عبادت می‌کنند تا شکر او را به جای آورند؛ چنانکه قرآن نیز خطاب به عموم مردم می‌فرماید: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۱ پس پروردگار این خانه را پرستش کنید که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد. گام اول عبادت که ما نامش را عبادت شکر می‌گذاریم، درست مانند علاقه کودکی است که والدینش را به خاطر خرید کیف و کفش و شیرینی دوست دارد!

گام دوم. در این مرحله، انسان به خاطر آثار و برکات عبادت، خدا را پرستش می‌کند و توجه به آثار روحی و معنوی نماز دارد؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾^۲ همانا نماز انسان را از بدی‌ها و منکرات باز می‌دارد. این مرحله از عبادت را که ما عبادت رشد می‌نامیم، به مانند علاقه جوانی است که پدر و مادر را به خاطر آنکه معلم و مربی او بوده‌اند و او را از انحرافات و خطرات حفظ کرده‌اند احترام می‌کند.

گام سوم. که بالاتر از مراحل قبلی است آنجاست که خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: ﴿اقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾^۳ نماز را به خاطر یاد من به جای آر. حضرت موسی که نماز را به خاطر آب و غذا نمی‌خواند، به خاطر دوری از فحشاء و منکرات هم نمی‌خواند؛ زیرا او اصولاً از شکم پرستی و منکرات دور است. او پیامبر اولوالعزم است و نماز را به خاطر انس با خدا و یاد خدا به جای می‌آورد. برای اولیای خدا

۱. سوره قریش، آیه ۳.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. سوره طه، آیه ۱۴.

انس با او بهترین دلیل برای عبادت است.

آری، این کودکانند که در بالای مجلس نزد بزرگان می‌نشینند تا بهتر پذیرایی شوند! اما افرادی هستند که کنار بزرگان نشستن را به خاطر استفاده‌های معنوی انتخاب می‌کنند و کاری به پذیرایی ندارند، برای آنها همین انس با دانشمند يك ارزش است.

گام چهارم. این مرحله که بالاترین و برترین مراحل عبادت است، عبادت برای شکر و رشد و انس نیست، بلکه برای قرب است؛ قرب به خدا. در قرآن چهار آیه داریم که هرکس آنها را بخواند واجب است سجده کند. در یکی از آنها همین مسأله قرب به واسطه عبادت مطرح شده است. آنجا که می‌فرماید: «وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ»؛ سجده کن و به او قرب پیدا کن». به هر حال عبادت درجات و مراحل دارد که بر اساس درجات معرفت و ایمان افراد فرق می‌کند.

در انتظار ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که خود نوعی عبادت محسوب می‌شود نیز همین مراتب وجود دارد. در روایات مهدوی از امام صادق ع آمده است:

افترق الناس فینا علی ثلاث فرق: فرقة أحبونا انتظار قائمنا لیصیبوا من دنیانا فقالوا و حفظوا کلامنا و قصرنا عن فعلنا فسیحشرهم الله إلی النار. و فرقة أحبونا و سمعوا کلامنا و لم یقصرنا عن فعلنا لیستأكلوا الناس بنا فیما لا الله بطونهم ناراً یسلط علیهم الجوع و العطش. و فرقة أحبونا و حفظوا قولنا و أطاعوا أمرنا و لم یخالفوا فعلنا فأولئك منا و نحن منهم! مردم در باره ما سه دسته‌اند: دسته‌ای ما را به این امید دوست دارند که قائم ما ظهور کند و (در دولت او) از دنیای ما بهره‌مند شوند، سخنان ما را می‌گویند و حفظ می‌کنند اما از برنامه‌های عملی ما کوتاهی می‌کنند، خدا آنان را به دوزخ کشد. فرقه‌ای ما را دوست

دارند، گفتارمان را بشنوند و در عمل کوتاه نیایند، اما منظورشان تنها دنیا و شکم است، خدا شکمهای آنها را پر از آتش خواهد کرد، و گرسنگی و تشنگی را بر آنان مسلط سازد. و گروه دیگر ما را دوست دارند، سخنانمان را به خاطر سپارند، فرمانمان را اطاعت کنند، و در عمل با ما مخالفت ننمایند، آنها از ما هستند و ما از آنها.

گرایش به راه امام معصوم

تنها دعایی که بر هر مسلمانی واجب است که آن را در واجب‌ترین اعمال خود- نماز- روزی ده مرتبه بگوید، دعای «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۱ است؛ بنابراین، درخواست هدایت به راه مستقیم، مهم‌ترین دعاست. آری، انسان باید در مقابل راه‌های متعددی که در برابر او قرار دارد، (راه هوس‌های خود و دیگران، راه وسوسه‌های شیطان، راه نیاکان و پیشینیان، راه طاغوت‌ها، راه توقعات و انتظارات این و آن و راه خدا و اولیای او) هر لحظه و برای هر چیزی از خدا یاری جوید تا او را به راه مستقیم هدایت کند. صراط مستقیم راه کسانی است که خداوند به آنان نعمت ویژه داده است. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» و آن افراد مشمول نعمت انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان هستند.^۲ راه مستقیم، راه خدا و اولیای خداوند و بندگان مخلص خداست. در روایات آمده که امامان معصوم علیهم‌السلام می‌فرمودند: «راه مستقیم، ما هستیم».^۳ یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح، علاقه به فرزندان و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند.

۱. سوره حمد، آیه ۶.

۲. سوره نساء، آیه ۶۹.

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰.

رسول خدا ﷺ در ضمن حدیث ثقلین که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، فرمود: «إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَذَا لَنْ تَضِلُّوا» اگر همراه قرآن و اهل بیت ﷺ باشید، گمراه نمی‌شوید». این گمراهی، همان است که در آخر سوره حمد از خدا می‌خواهیم که ما را از آن دور کند: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ»^۱. با این بیان، ضالین دو دسته‌اند: یک عده، کسانی که با اهل بیت ﷺ هستند، اما قرآن را رها کرده‌اند، و عده دیگر، کسانی که قرآن را گرفته‌اند، اما از اهل بیت ﷺ جدا شده‌اند؛ چرا که پیامبر در حدیث ثقلین تصریح می‌کند که اگر به هردوی این‌ها تسمک نکنید، گمراه می‌شوید. مثل ریل‌های قطار، که اگر دو ردیف باشد، قطار حرکت می‌کند، اما اگر یک ردیف باشد، قطار از ریل خارج، و در نتیجه نابود می‌شود. پس اگر در نماز می‌گوییم: «خدایا! ما را جزء ضالین قرار نده»، برای آن که منحرف نشویم، باید به قرآن و اهل بیت ﷺ رجوع، و به آن‌ها تمسک کنیم و این یعنی معلم و کتاب باید با هم باشد. همین آموزه‌های سوره حمد سبب می‌شود تا گرایش به امام معصوم و ولی خدا در شخص بیشتر شده و بدین وسیله یکی از زمینه‌های اصلی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که میل و علاقه به امام است بیشتر مهیا شود. البته همه اینها به تفکر در سوره و درک عمیق مفاهیم آن وابسته است.

توجه به مرگ و حل آن در زندگی منتظران

یکی از ویژگی‌هایی که برای یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شمرده شده آن است که: «آن‌ها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند. آن‌ها در جنگ‌ها، امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد، برایش انجام می‌دهند... آن‌ها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۹.

۲. سوره فاتحه، آیه ۷.

که در راه خداوند کشته شوند».^۱ بدین سان، معلوم می‌شود که ایشان به جایی رسیده‌اند که از هیچ چیز، حتی بذل و فدا کردن جان برای مولای معصوم خویش دریغ نمی‌ورزند و شهادت طلبانه در قیام جهانی امام موعود شرکت می‌کنند.

واضح است که تا مسأله مرگ، برای کسی حل نشود هیچگاه شوق شهادت در راه خدا و رکاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه در او به وجود نخواهد آمد؛ همین امر لزوم توجه به برخی آیات سوره حمد را دو چندان می‌کند. واضح‌ترین آیه از سوره حمد درباره مرگ و معاد، آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است که خواندن و توجه به آن، غفلت از قیامت زدوده شده و شخص را وادار به تفکر می‌کند. درباره این آیه نکاتی قابل بیان است: خدا، مالک روز جزاست. خداوند هم مالک است و هم مَلِك. هستی نیز هم مَلِك تحت مالکیت اوست و هم مُلْك تحت سلطنت و حکومت او. مالکیت او فراگیر است و همه چیز را شامل می‌شود و حتی حکومت هم تحت مالکیت اوست: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ»؛^۲ چنانکه انسان نیز نسبت به اعضای بدن خود هم مالک است و هم حاکم و فرمانروا.

مالکیت خدا واقعی است، نه اعتباری و قراردادی. گرچه خداوند هم مالک دنیا است و هم آخرت، اما چون انسان در دنیا خود را مالک اشیا و امور می‌بیند از مالک اصلی غافل می‌شود، ولی در آن روز که همه اسباب قطع و نسبت‌ها محو و زبانها مُهر زده می‌شود، مالکیت الهی را به خوبی احساس و ادراک می‌کند، لذا به او خطاب می‌شود: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ؟»^۳ امروز حکومت از آن کیست؟ و او که تازه چشمش باز شده می‌گوید: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ». نمازگزاری که در هر نماز می‌گوید: خداوند «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است همواره در یاد معاد و قیامت است و هر کاری که می‌خواهد

۱. بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۰۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۲۶.

۳. سوره غافر، آیه ۱۶.

بکند از ابتدا به فکر حساب و کتاب روز جزاست. «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» انذار و هشدار است که ای نمازگزار از امروز به فکر فردا باش. فردایی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»^۱ مال و ثروت و فرزند نفعی ندارد، فردایی که «لَنْ تَنْفَعَكُمُ أَرْحَامُكُمْ»^۲ بستگان و نزدیکان نیز فایده‌ای نمی‌رسانند، فردایی که نه زبان اجازه عذرتراشی دارد و نه فکر فرصت تدبیر، فردایی که تنها يك چیز کارساز و چاره‌ساز است و آن لطف خداوند است.

اصولاً معاد، در عقل و فطرت هر انسانی جایگاه قابل توجهی دارد؛ زیرا کیست که نپرسد و یا نخواهد بداند که آینده انسان و جهان چه می‌شود؟ پایان عمر و تلاش ما به کجا می‌رسد؟ نتیجه و هدف از زندگی چیست؟ آری، این سؤالات برای همه مطرح است.

در پاسخ به این سؤالات دو جواب داریم:

الف) تمام ادیان الهی با استدلالی که در آینده بیان خواهیم کرد، آینده جهان و انسان و نتیجه کارها و تلاش او را بسیار روشن و امیدوار کننده و روح بخش می‌دانند، قرآن می‌گوید: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ»^۳ همانا نهایت و پایان به سوی پروردگارت می‌باشد.

ب) مکتب‌های مادی، آینده جهان و انسان را بن‌بست، تاریک، فانی و نیستی می‌دانند و این دید بسیار خطرناک و یأس‌آور است. علاوه بر این چنین مکتب‌هایی هیچ گونه دلیل علمی هم برای عقیده خود ندارند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ

۱. سوره شعراء، آیه ۸۸.

۲. سوره ممتحنه، آیه ۳.

۳. سوره نجم، آیه ۴۲.

وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ؛ کسانی که ایمان به قیامت ندارند گفتند: زندگی جز همین چند روز دنیا نیست که ما هم در آن مرگ و حیاتی داریم و بعد هم روزگار ما را نابود می‌کند. ولی این انکار و گفته‌ها روی علم و دلیل نیست، بلکه تنها يك سری وهم و خیالی باطل است که آنها دارند».

گرچه افرادی به زبان معاد را نمی‌پذیرند، ولی ناخودآگاه در عمق جان خود احساس ابدیت برای انسان دارند و گاه و بیگاه از خود علامت‌هایی نشان می‌دهند که دلیل آن است که با وجود مرگ و پوسیده شدن جسم، حاضر نیستند انسانیت و شخصیت واقعی او را نابود و نیست شده بدانند. ما نمونه‌هایی از این علامت‌ها را در اینجا بیان می‌کنیم:

- تمام منکران معاد به قبر نیاکان خود احترام می‌گذارند.
- نام شخصیت‌های مرده را بر روی خیابان‌ها، مؤسسات، مدارس، دانشگاه‌ها و ... می‌گذارند.

- همه آنها میل دارند که بعد از مرگ نامشان به نیکی برده شود.

- نام نیاکان خود را روی فرزندان خود می‌گذارند.

- گاهی مردگان خود را مومیایی می‌کنند تا فاسد نشود.

اگر منکران معاد، مرگ را نابودی انسان می‌دانند، این قبیل اعمال چه توجیهی دارد؟ و چون آنان مردن را نیستی و هیچ می‌دانند، پس به گفته خودشان احترام مرده؛ یعنی احترام هیچ و نام مرده؛ یعنی نام نیستی و چرا برای نیست و هیچ شده، مقبره می‌سازند و دسته‌گل روی قبر می‌گذارند و به نام مردگان نامگذاری می‌نمایند؟! آری اینها همه نشان می‌دهد که مخالفان معاد هم در دل يك نوع

ایمانی (گرچه بسیار ضعیف) به بقای روح، انسانیت و شخصیت انسانی دارند که با مرگ از بین نمی‌رود. آری، انسان از درون فطرت خود احساس بقا و جاودانگی می‌کند و یکی از وسایل تشویق را نام نیک در تاریخ می‌داند. این از يك سو و از سوی دیگری از احساسات درونی انسان احساس غربت است، دنیا برای او تنگ است، با همسر، باغ و مسافرت هم موقتاً خود را سرگرم می‌سازد، ولی پس از چندی باز از درون احساس کمبود می‌کند، همه وسائل رفاه هم او را سیر نمی‌کند، گاهی به فکر خودکشی می‌افتد، گاهی می‌پرسد هدف آفرینش چیست؟ چرا من هستم؟ تمام این وسوسه‌های درونی نشان می‌دهد که انسان احساس غربت می‌کند و این جهان با تمام گستردگی‌اش برای او تنگ، جسم برای او قفس و دنیا برای او زندان است که این احساس نیز یکی از زمینه‌های ایمان به روزی است که در آنجا انسان سیر می‌شود و به تمام آرزوها و اهدافش می‌رسد؛ زیرا پاسخ هر نیاز و احساس و وسوسه درونی در بیرون موجود است. مثلاً احساس تشنگی با آب و احساس شهوت با زناشویی و احساس غربت هم با معاد پاسخ داده می‌شود.

قرآن کریم در این زمینه می‌گوید:

۱. انسان بیهوده آفریده نشده است: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا﴾^۱
۲. در آفرینش انسان هدفی بس بزرگ در کار است و آن انتخاب راه حق از میان تمام راهها و بندگی و تسلیم خدا از میان تمام انواع بندگی‌ها و تسلیم‌ها است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲
۳. برای آنکه انسان در هدفش موفق شود، تمام امکانات طبیعی را برای او قرار داده و همه چیز را مستخرش نموده‌ایم: ﴿سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ﴾^۳

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.

۳. سوره حج، آیه ۶۵.

۴. به او بشارت و هشدار دادیم که کار نیک و بد تو در هر شرایط و هر مقداری که باشد، زیر نظر و مورد حساب قرار می‌گیرد: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾؛^۱

۵. انسان در گرو عمل خویش است: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾؛^۲

۶. حتی از گوش، چشم و دل انسان و از شنیدنی‌ها، گفتنی‌ها و فکر کردنی‌ها بازپرسی می‌شود: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛^۳

۷. خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾.^۴
منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسانی هستند که در پرتو این آیات نورانی تربیت شده و نه تنها موضوع مرگ برای آنها حل شده است، بلکه خود طالب شهادت و مرگ در راه خدا هستند و آیه معاد سوره حمد می‌تواند جرقه خوبی برای رسیدن به همه این معارف قرآنی باشد.

الگوپذیری از انسان‌های مؤمن و مجاهد

یکی از بهترین شیوه‌های تربیت، معرفی الگوهای موفق است. الگو به کلیات و تئوری‌ها، روح و حیات می‌بخشد. الگوی خوب، مردم را از رفتن به سراغ الگوهای بد باز می‌دارد. الگوی خوب، دعوت و تبلیغ عملی است. دلیل و فلسفه مجالس عزاداری امامان معصوم به خصوص امام حسین علیه السلام آن است که پرچم الگوهای ایمان و استقامت در تاریخ برافراز باشد. خداوند، بارها به پیامبرش دستور داده، نمونه‌های برجسته انسانیت را به مردم معرفی کند تا این الگوها به فراموشی سپرده نشود. در یک آیه می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ﴾، یاد ابراهیم را

۱. سوره زلزال، آیه ۷ و ۸.

۲. سوره مدثر، آیه ۳۸.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۶.

۴. سوره توبه، آیه ۱۲۰.

زنده بدار. و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»، یاد مریم را زنده بدار. آری، دیدن الگو، مطالب تصویری و ذهنی و شاید محال را به صورت عینی مجسم می‌کند.

در نماز با گفتن «صراط الذین انعمت علیهم» از خداوند می‌خواهیم که الگوی ما را کسانی قرار بده که مورد لطف تو هستند، تو را شناختند و به تو عشق ورزیدند، در راه تو گام برداشته و استقامت کردند و از تو جدا نشدند. بر اساس آیه ۶۹ سوره نساء کسانی که خداوند به آنها نعمت داده عبارتند از: انبیاء، شهداء، صدیقین و صالحان. امام نیز، الگوی کاملی است که باید همه انسان‌ها سعی کنند مثل او شوند. امام، مدل، نمونه و میزان است. اگر الگوهای کامل و واقعی را پیش چشم خود مجسم نکنیم و به آنان عشق نورزیم، الگوهای کاذب و باطل با تبلیغات نابجا فراروی ما قرار خواهند گرفت و به آنان گرایش پیدا خواهیم نمود و ما را به سوی خود خواهند کشید.

قرآن، تنها آن قسمتی از داستان پیامبران را که می‌تواند برای دیگران الگو باشد بیان می‌کند. به نام همسر و تعداد فرزند و تاریخ تولد و وفات آنان کاری ندارد؛ یعنی هرگز قرآن قصد داستان‌سرایی ندارد، بلکه هدفش الگو سازی است.

امام تنها راهنما نیست، بلکه امام است؛ تنها سرپرست نیست، بلکه امام است؛ یعنی کار و عبادت، خوردن و جنگیدن، سکوت و فریادش برای ما الگو و درس است. امام به گفته‌ها و تئوری‌ها، عینیت می‌بخشد. امام طرح ذهنی اسلام را به حقیقت خارجی، تصوّر را به واقعیت و خیال را به حقیقت تبدیل می‌کند و بیان می‌کند که اسلام تنها اسم بی‌مسمی نیست. امام با آن صفات و افکار و اعمال همه جا و در همه وقت و برای همه افراد امام است، چنانکه ابراهیم علیه السلام اکنون نیز امام است. چه جالب تعبیری است و چه نیکو مقامی است و چه زیبا لفظی است کلمه امام.

این کلمه به قدری بار و محتوا دارد که هرگز لغات دیگر از قبیل معلم، مرشد، هادی، مبلغ و واعظ آن را ندارد؛ زیرا همه لغات دلالت بر آموزش و ارشاد می‌کند نه حرکت و پیشوایی، ولی امام؛ یعنی کسی که خود می‌رود و عملاً پیشواست و دیگران از او پیروی می‌کنند.

از بزرگ‌ترین راه‌های نفوذ استعمارگران ارائه الگوهای بد و دورکردن جوانان از امامان و الگوهای حقیقی است و شاید یکی از فلسفه‌های زیارت امامان نیز همین است که انسان هرگونه که هست باید در برابر انسان کامل، بایستد و فاصله‌ها و کمبودها را دریابد.

پاسخی به نیازهای ویژه روحی عصر غیبت

یکی از سنت‌های حتمی خداوند درباره انسان، آزمایش و امتحان است که حدود بیست مرتبه در قرآن از آن سخن به میان آمده است. ناگواری‌ها از ابزارهای آزمایش خدا هستند؛ لذا گاهی انسان با آن که گناه و تقصیری هم نکرده، به برخی از ناگواری‌ها مبتلا می‌شود؛ همان‌گونه که خوشی‌ها نیز وسیله دیگری برای آزمایش الهی است. در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع بر طبق روایات، این سختی و گرفتاری بیشتر خواهد بود. یکی از آیات مهم مهدوی در این باره این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران [در این حوادث و بلاها] را بشارت ده». ^۱

امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از ظهور قائم نشانه‌هایی از جانب خدای

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

تعالی برای مؤمنان خواهد بود». راوی گوید: «عرض کردم: فدای شما شوم! آن‌ها کدام است؟» فرمود: «این قول خدای تعالی که: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾؛ یعنی شما مؤمنان را پیش از خروج قائم عَلَيْهِ السَّلَام می‌آزمائیم به [خوف از] پادشاهان بنی‌فلان در آخر سلطنت آن‌ها و [گرسنگی به واسطه] گرانی قیمت‌ها و [کاستی در اموال به واسطه] کسادی داد و ستد و کمی سود و [کاستی در نفوس به واسطه] مرگ و میر فراوان و [کاستی در ثمرات به واسطه] کمی برداشت محصولات زراعتی و در آن هنگام صابران را به تعجیل خروج قائم عَلَيْهِ السَّلَام مژده بده.»^۱

البته باید دانست که خداوند مصیبت‌ها را به این جهت استخدام کرده که به وسیله آن، انسان را از دنیا قطع و به خود وصل کند؛ دست انسان را از دست دنیا در بیاورد و در دست خود قرار بدهد. شما تا دستتان در دست دوستی قرار دارد، آیا می‌توانید با دوست دیگران دست بدهید؟ هرگز! مگر نمی‌گویید که با يك دست نمی‌شود دو هندوانه برداشت؟ پس با يك دست هم نمی‌شود با دو کس دست داد! انسان تا دست خود را از دست دنیا بیرون نکشد، نمی‌تواند با آخرت دست بدهد؛ باید از بیعت ظالم خارج بشود تا بتواند با امام بیعت کند؛ باید از وادی کفر بیرون بیاید تا بتواند به وادی ایمان وارد شود. همان‌طور که تا وقتی آخرین ثانیه‌های شب پایان نیابد، وارد اولین ثانیه‌های روز نخواهیم شد. پس مصیبت‌ها این هنر را دارند که دست انسان را برای همیشه از دست دنیا خارج کنند. خدا برای این‌که می‌خواهد انسان را نسبت به دنیا و دنیایی‌ها بی‌میل و رغبت کند، او را تحت فشار قرار می‌دهد و انواع مصیبت‌ها را بر او فرود می‌آورد. گاهی اوقات هم برای به هوش آمدن انسانی که بیهوش شده است، به او سیلی می‌زنند. مصیبت‌ها سیلی خداوند

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹.

هستند که بر صورت بی هوشان و سرمستان وادی دنیا نواخته می شود. آن که مرده است، هیچ گاه سیلی نخواهد خورد. پس آن که به مصیبتی گرفتار نیست، باور کند که مرده است؛ البته در صورتی که آثار به هوش بودن را در خویش نمی بیند. خداوند متعال وقتی بخواهد مؤمنی را متوجه کند که به این دنیا هیچ اعتمادی نیست، با «بدهستان» با او برخورد می کند! انسان در ابتدا وقتی چیزی را به چنگ می آورد، آرام و قرار ندارد؛ اما کمی که خدا با او بدهستان کرد، متین و باوقار می شود، هم در گرفتن و هم در پس دادن. دیگر نه وقتی که به او چیزی می دهند، فرحی از خود نشان می دهد و نه وقتی که از او چیزی می گیرند، جزع می کند.

البته شما می دانید که میان آزمایش ما و آزمایش خدا فرق است. آزمایش ما برای شناخت است، اما آزمایش خدا برای علم و آگاهی به وضع و روحیه و عکس العمل ما نیست؛ زیرا او قبل از هر فکر و عملی می داند که ما چگونه فکر می کنیم و چگونه عمل خواهیم کرد. بلکه هدف او از آزمایش، این است که از ما کاری سرزند و بدین وسیله، استحقاق پاداش و کیفر داشته باشیم؛ زیرا خداوند طبق علم خود و بدون آن که از شخصی عملی سر بزند، به خوبی و بدی او پاداش و کیفر نمی دهد. معلم می داند که فلان دانش آموز اهل درس خواندن نیست، ولی نمی تواند قبل از امتحان، او را مردود قلمداد کند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

آزمایش های الهی برای علم پیدا کردن خداوند نیست؛ بلکه برای آن است که بستری ایجاد شود و از انسان عملی سرزند تا کیفر و پاداش بر مبنای عمل او باشد.^۱

آزمایش الهی برای آن است که مدعیان راستین از مدعیان دروغین شناخته

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴.

شوند، زیرا همه انسان‌ها به نوعی ادعا می‌کنند که آدم‌های خوبی هستند؛ اما به هنگام امتحان، حقیقت روشن می‌شود و هرکس می‌فهمد که چه مقدار در ادعایش راستگو بوده است. خیلی از ماها فکر می‌کنیم که انسان‌های خوبی هستیم و اگر امام زمان بیاید از سربازان او خواهیم بود، اما واقعاً این طور نیست. منصور صیقل گوید: من و حارث بن مغیره با جماعتی از اصحابمان (شیعیان) خدمت امام صادق علیه السلام نشستیم بودیم و از ظهور دولت حق سخن می‌گفتیم. آن حضرت سخن ما را می‌شنید، سپس فرمود: «شما در چه موضوعی وارد شده‌اید؟ هیهات! هیهات! به خدا قسم، آن چه انتظارش را می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که غربال شوید. به خدا قسم، آن چه چشم به راهش هستید، واقع نشود تا وقتی که امتحان شوید. به خدا قسم، آن چه به سوی چشم می‌کشید، واقع نشود تا وقتی که جدا شوید».^۱

همه این سختی‌ها را اضافه کنید به سعی و تلاش‌هایی که منتظران حضرت مهدی علیه السلام باید برای زمینه‌سازی ظهور او تحمل کنند؛ قطعاً همه این‌ها نیاز به تقویت روحی زیادی دارد. آنجا که کار و تلاش بیشتر است نیاز به نماز بیشتر است. انسان معمولاً در شب‌ها خواب است و فعالیت ندارد؛ از این رواز عشاء تا صبح نمازی واجب نیست، ولی نیاز معنوی انسان در روز بیشتر است. هوس‌ها، طاغوت‌ها، جلوه‌ها، حیل‌ها و تمام پرتگاه‌ها در روز جلوه دیگری دارند و لذا اول روز و آخر روز باید نماز خوانده شود و برای وسط روز سفارش ویژه آمده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ»^۲ دو طرف روز (صبح و شب) نماز به پا دار و همچنین: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»^۳ نسبت به تمام

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. سوره هود، آیه ۱۱۴.

۳. سوره بقره، آیه ۲۳۸.

نمازها به خصوص نماز ظهر حفاظت کنید». و مثل منافقین گرمی هوا را بهانه ترك جماعت قرار ندهید.

سدّی محکم در برابر گناه

یکی از وظایف مهم ما در همه زمانها و به ویژه عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوری از گناه است؛ زیرا آنچه ما را از ایشان محروم کرده و مانع ظهور است گناه است. خود ایشان نیز ارتکاب گناه را سبب این امر معرفی کرده و فرموده‌اند: «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ»^۱ ما را از شما حبس نمی‌کند، مگر اعمال ناپسندی که از ناحیه شما به ما می‌رسد». این سخن با صراحت می‌گوید که به سبب اعمال زشتی که انجام داده‌ایم، توفیق درک ظهور را پیدا نمی‌کنیم. شخصی خودش را به آب و آتش زد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببیند تا بالأخره از طریقی فهمید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فلان روز، فلان شهر و فلان خانه تشریف دارند. به همان محل رفت و دید آن جا پیرمردی مشغول کار است و سید بزرگواری هم آن جا نشسته است - که بعد معلوم شد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است - به او گفت: «چقدر خودت را به این طرف و آن طرف می‌زنی؟! گفت: آقا! می‌خواهم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینم. او گفت: «مثل این پیرمرد، باتقوا و اهل انصاف باش؛ آن‌گاه خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد شما می‌آید.» در داستان دیگری آمده: یکی از علما متوجه شد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خانه‌ای وارد شده است. خود را به آن خانه رساند و دید زنی از دنیا رفته و حضرت در کنارش نشسته است. پرسید: این زن چه کسی است که شما در هنگام مرگ به نزدش آمدید؟ حضرت فرمود: زمانی که رضاشاه حجاب را برداشت، این زن به خاطر تقوا هفت سال از خانه بیرون نیامد که پاسبان‌های زمان رضاشاه

۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۶.

چادر از سرش نکشند. این طور تقوا داشته باشید تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شما توجه کند!

لازم نیست ما برویم جمکران؛ البته جمکران رفتن يك ارزش است، اما خیلی ها می پرسند: چه کنیم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را ببینیم؟ پاسخ آن است که اگر گناه نکنی، لیاقت ملاقات پیدا می کنی. حال سؤال مهم این است که برای اینکه گناه نکنیم چه کار باید کرد؟ و جواب آن است که از بهترین راهها نماز است. از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده است که ایشان در همین باره فرمود: «فَمَا أَزْغَمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بَشِيءٌ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَ أَزْغَمَ الشَّيْطَانُ؛^۱ هیچ چیز همانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.»

همه ما با کلمه محراب آشنا هستیم، این کلمه در قرآن نیز درباره محل نماز زکریا علیه السلام آمده است. «وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ»^۲. محراب در لغت یعنی محل حرب و جنگ، پس نماز و حضور در محراب عبادت، قیام برای جنگ با ابلیس است. اگر انسان هر روز چند بار در محلی قرار بگیرد که نامش محل جنگ باشد، جنگ با هوس ها و شیطان ها و طاغوت ها، القای این کلمه چه تأثیری در فرد و جامعه دارد؟ بگذریم که امروز به خاطر فرهنگ غلط، محراب ها را تزیین می کنند و گل بوته های کاشی کاری ها، صحنه را درست به عکس کرده و به جای فرار شیطان جولانگاه او قرار داده است.

هرجا نماز پایگاه داشت شیطان بساط خود را جمع می کند و هرکجا رشته نماز پاره شد همه کمالات متفرق می شود. قرآن می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۸.

۲. سوره آل عمران، آیات ۳۸ - ۳۹.

تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ قطعاً نماز از فحشا و منکر جلوگیری می‌کند. نمازگزار نمی‌تواند سست باشد، لباس و مکانش حرام باشد، بدنش ناپاک و لقمه‌اش آلوده باشد، او به خاطر صحیح بودن نمازش مجبور است يك سری مراقبت‌هایی از خود داشته باشد، ارتباط با خداوند روح قدسی به انسان می‌دهد که از ارتکاب آلودگی‌ها شرم دارد. کجا دیده‌اید کسی از مسجد به قمارخانه یا مراکز فساد برود؟

کجا دیده‌اید کسی از خانه خدا بیرون آید و برای دزدی پا به خانه مردم گذارد؟ و بر عکس اگر نماز ضایع شود هر گونه فساد و پیروی از انواع شهوات پیدا می‌شود.

آرامش بخشی

تنها مشکلی که دنیای علم و صنعت امروز آن را حل نکرده، مشکل آرامش روحی است. هر روز آمار بیماری‌های روانی، و مصرف قرص اعصاب زیاد می‌شود. هیچ چیز به انسان آرامش نمی‌دهد جز یاد خدا و ایمان و انس و عشق و توکل به او. آری، نماز یاد خداست و فقط با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

افرادی را می‌شناسیم که دارای قدرت، مال و علم هستند، اما آرامش لازم را ندارند. در مقابل، افرادی تهیدست هستند که به خاطر ایمان به سرچشمه هستی دارای قلبی آرامند، دید و بینش و اعتقاد خاصی دارند که حوادث تلخ و شیرین را می‌پذیرند و برای آنها تحلیل منطقی دارند.

آری، با یاد خداوند دل‌ها آرام می‌گیرد و بهترین یاد خدا همان نماز است. کمبود امروز بشر علم و تخصص نیست، بلکه دل آرام است. نه فرعون‌ها و

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

ابر قدرت‌ها دل آرام دارند، نه قارون‌ها، و نه ابولهب‌ها، و نه منافقان چند چهره.

تنها رهبری را که ما در زمان خودمان دارای دل آرام دیدیم، حضرت امام خمینی رحمه الله بود که روز ۱۲ بهمن ۵۷ وقتی در هواپیما نشست تا به ایران بیاید، خبرنگار از او پرسید چه احساسی دارید؟ فرمود: هیچ؛ با اینکه هنوز نظام شاهنشاهی سر پا بود و احتمال سرنگونی هواپیما داده می‌شد.

در وصیت نامه خود نیز نوشت من با قلبی آرام به سوی خدا می‌روم. این دل آرام از زور و پول و مقام نیست، از پیوند با خداست که بهترین نوع آن نماز است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ (هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.

انسان، بی‌نهایت طلب است و کمال مطلق می‌خواهد، ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی‌گرداند. در مقابل کسانی که با یاد خدا آرامش می‌یابند، عده‌ای هم به متاع قلیل دنیا راضی می‌شوند: «رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَنُوا بِهَا». نماز، ذکر الهی و مایه آرامش است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۲، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». ممکن است معنای «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» این باشد که به واسطه ذکر و یادی که خدا از شما می‌کند، دل‌هایتان آرام می‌گیرد؛ یعنی اگر بدانیم خداوند ما را یاد می‌کند و ما در محضر او هستیم، دل‌هایمان آرامش می‌یابد.

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

۲. سوره طه، آیه ۱۴.

۲. کارکردهای رفتاری نماز

غیر از کارکردهای بینشی و گرایشی نماز برای زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌توان دسته‌ای دیگر از آثار نماز را در نظر گرفت که مربوط به رفتارهایی دانست که می‌تواند بسترهای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم کند. برخی از این کارکردها عبارت است از:

تلاش و تحرک

اسلام از مردم، تحرك و هیجان معنوی می‌خواهد، شعار «عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ» و «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»^۱ یعنی باید هنگام نماز با صدای مقدس اذان در جامعه مسلمین، تحرك و تصمیم خاصی را به وجود آورد، باید کارها تعطیل، تفرق‌ها تبدیل به وحدت، غفلت‌ها تبدیل به ذکر و یاد خدا شود. مؤمن واقعی کسی است که هرگاه یاد خدا شد، دل او تکان بخورد. مثال کسی که صدای اذان را بشنود و بی‌توجه باشد، مثال کودکی است که صدای پدر را بشنود و اعتنا نکند. خصوصیت تلاش برای منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار مهم است، زیرا در سایه تلاش و تحرک است که امکان زمینه‌سازی؛ یعنی همان انتظار واقعی وجود دارد. باید دانست که انتظار، عمل است؛ زیرا در روایات ما آمده است: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و نمی‌گوید «افضل الحالات»؛ پس انتظار عمل است، نه حالت و سکوت و سکون. انسانی که منتظر مسافرش است و کشاورزی که منتظر میوه است، آسوده‌خاطر نمی‌نشیند. ما که منتظر آقا هستیم، باید رفتارمان با رفتار آقا سنخیتی داشته باشد؛ پس منتظر؛ یعنی انسان تلاش‌گر. انتظار؛ یعنی اعتراض به وضع موجود و امید به باز شدن درهای رحمت و

۱. سوره جمعه، آیه ۹.

معرفت. انتظار؛ یعنی من منتظرم جهانی پر از عدل شود. در «دعای افتتاح» که منسوب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ»؛ یعنی خدایا! من شکایت می‌کنم و نظام‌های طاغوتی موجود در روی زمین را قبول ندارم. اگر کسی بپرسد که چه حکومتی را قبول دارید؟ پاسخ آن در ادامه دعا آمده است: «إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ». در زمانی که استاد شهید مطهری در تهران بودند و برای تدریس از آن جا به قم تشریف می‌آوردند، مدتی در قم میزبان ایشان بودم. در همان زمان و در مسیر راه، سؤالات زیادی را از ایشان می‌پرسیدم که یکی از آن‌ها درباره انتظار ظهور بود. ایشان درباره حقیقت انتظار، مثلی را از مرحوم حجت الاسلام راشد که قبلاً در رادیو سخنرانی می‌کرد و مرد دانشمندی بود، نقل کردند که می‌گفت: وقتی شب می‌شود، همه ما در انتظار خورشید هستیم، اما معنای انتظار خورشید بودن این نیست که در تاریکی بنشینیم. هم منتظر خورشید هستیم، هم وظیفه ما این است که بلند شویم و کاری انجام دهیم و برقی را روشن کنیم. حارث بن مغیره از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است: کسانی که از شما عارف به این امر (امامت اهل بیت) هستند و منتظرند و آرزوی پاداش نیک دارند، به خدا قسم مانند آن کسی است که به همراه قائم آل محمد جهاد کرده است. سپس فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با شمشیرش جهاد کرده است. آن‌گاه برای مرتبه سوم فرمود: به خدا قسم، مانند کسی است که در خیمه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به درجه شهادت رسیده است و درباره شما آیه‌ای در قرآن هست. عرض کردم: کدام آیه؟ ایشان فرمود: آیه «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ» و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آنان همان کسانی هستند

که سر تا پا صداقتند و نزد پروردگارشان گواهانند، پاداش و نورشان را دارند؛^۱ آن‌گاه فرمود: به خدا قسم نزد خداوند، صادقین و شهدا محسوب می‌شوید.^۲ خصوصیت بزرگ نماز این است که می‌تواند چنین انتظار فعالی را در منتظران امام زمان تقویت نماید.

نظم و برنامه‌ریزی

زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید با برنامه‌ریزی و نظم در کارها همراه باشد تا رسیدن به هدف با موفقیت همراه باشد. اصولاً کسی که طرح ندارد، برنامه برایش مبهم است. کاهش بهره‌وری دارد. باید معلوم باشد: شروع از کجا؟ پایان به چه؟ قیام کجا؟ قعود کجا؟ بنابراین هر چیزی به جای خود، هر کاری در وقت خود و کارها باید به ترتیب و اولویت باشد. قرآن کریم درباره حکومت حضرت سلیمان می‌فرماید: ﴿وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾^۲ سپاهیان سلیمان، از جن‌وانس و پرنده، همه گرد آمدند، و به صف شدند؛ پس در نیل به اهداف، باید از تمام امکانات و منابع بهره‌گرفت. چنان‌که سلیمان از جن و انس و پرنده برای اداره حکومت استفاده می‌کرد. حال که هر جا مسئولیت‌ها بیشتر و خدمات حساس‌تر باشد به نظم بیشتر نیاز است. در مسأله انتظار و زمینه‌سازی ظهور این امر باید بیشتر مورد توجه باشد.

با این مقدمه باید گفت که نماز کارگاه خوبی برای عملی شدن نظم و ترتیب در منتظران است؛ در زمان‌بندی اوقات نماز، در منظم بودن صف‌های نماز جماعت، در با هم سجده رفتن، با هم نشستن، با هم قیام کردن، با هم سکوت

۱. تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۳۶.

۲. سوره نمل، آیه ۱۷.

کردن، با هم دعا کردن، جلو و عقب نیفتادن، قبل از وقت نماز نخواندن و نماز را به خارج از وقت نسپردن، در همه اینها سیمای نظم را مشاهده می‌کنیم. در نماز ترتیب و موالات شرط است. نمی‌شود ذکر سجده را در رکوع گفت. نمی‌شود بیش از يك رکوع و دو سجده انجام داد. حمد قبل از سوره، رکوع قبل از سجده و قنوت قبل از رکوع است. هر کاری در وقت خود است: اول اذان، بعد اقامه. اول حمد، بعد سوره. اول رکوع، بعد سجده. اول نماز ظهر، بعد عصر. اصلاً ترتیب یکی از واجبات نماز است و اگر مراعات نشود، نماز باطل است.

ب) کارکردهای نماز در زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور

همان طور که قبلاً گفته شد نماز در بحث مهدویت و ظهور می‌تواند آثار مختلفی داشته باشد. در قسمت قبل کارکردهای آن در زمینه‌های فردی ظهور بیان شد و در این قسمت، برخی از مهمترین کارکردهای نماز در زمینه‌سازی اجتماعی برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده می‌شود.

۱. آگاهی از مسائل اجتماعی

منتظران امام زمان باید برای انجام درست وظایف خود از اتفاقاتی که در اطراف و جامعه خود می‌گذرد مطلع باشند و اتفاقاً بخشی از آثار اجتماعی نماز به لوازمی که با برخی از انواع نماز است برمی‌گردد. یکی از مهمترین انواع نماز، نماز جمعه است؛ هر هفته روزهای جمعه نماز جمعه برپا می‌شود و قبل از نماز دو خطبه خوانده می‌شود. این دو خطبه به جای دو رکعت از نماز و به عبارتی جزیی از نماز است. خطبه‌هایی که به فرموده امام رضا علیه السلام باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند. شنیدن خطبه‌ها و آگاه نماز خواندن؛ یعنی

آگاه شدن و بعد نماز خواندن.

۲. جمع‌گرایی و ادب

آنچه ابتداءً در بحث انتظار به ذهن می‌رسد فردمحور بودن انتظار ظهور است در حالی که انتظار حکومت مهدوی بیش از آنکه فردمحور باشد به خاطر نوع انتظارش، اجتماع محور است و همین امر سبب می‌شود تا جماعت‌محوری برای منتظران یک اصل باشد. از این نگاه نیز نماز می‌تواند به جماعت‌محور شدن منتظران کمک کند. به عنوان نمونه اصل نماز واجب است و به جماعت خواندن آن، مستحب می‌باشد و بسیار به آن سفارش شده است. پاداشی که برای نماز جماعت است، به توصیف نمی‌آید. آن هم حضور در جماعت مسلمین در مسجد که خانه خداست. نماز جمعه - هفته‌ای یک بار برگزار می‌شود - غیر از جنبه عبادی و پرستش، جنبه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هم دارد و صفوف مسلمانان را متحد و توطئه‌های تفرقه‌افکنان را خنثی و تبلیغات سوء دشمنان را بی اثر می‌کند. نماز جمعه و جماعت، رمز شکوه و عظمت مسلمین است.

نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و نیازها و مشکلات و همکاری برای حل مسائل مسلمین است. نماز جماعت، هر چند کوتاه و با تأخیر خوانده شود، به مراتب از نماز به تنهایی، هر چند طولانی و در اول وقت باشد، ثواب و ارزش بیشتری دارد.

در صفوف جمعه و جماعت، همه همدل و هماهنگ و در کنار هم متحد می‌شوند. خودخواهی‌ها و خودمحوری‌ها در «جمع»، ذوب می‌شود. رحمت خداوند نیز به جمع مؤمنان، بیشتر شامل می‌گردد. در حدیث آمده است: هر که ندای نماز جماعت را بشنود، ولی به آن اعتنا نکند، نمازش بی ارزش

است.^۱ شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از نفاق و دورویی بیمه می‌کند.^۲ در اسلام به ما سفارش شده که در نماز با ادب بایستیم، دست‌ها روی ران‌ها، بدن آرام، نگاه‌ها به محل سجده، لباس‌ها نو و تمیز، همراه با بوی خوش و معطر. اگر با جماعت هستیم از سایرین جلو و عقب نیفتیم و خود را هماهنگ دیگران و مردم کنیم، مقام امام را نگهداریم، قبل از او کاری انجام ندهیم، به رکوع یا سجود نرویم و بهتر است حتی قبل از کلام امام، ذکر نماز را به زبان جاری نکنیم. مجموعه این دستورالعمل‌ها روحیه ادب و اطاعت را در انسان تقویت می‌کند؛ آن هم ادبی بر اساس ارزش‌هایی چون: شناخت، محبت، تواضع و ادب در برابر کسی که اهلیت دارد، نه تملق و نه خودباختگی.

یکی دیگر از آموزه‌های نماز که برای تربیت اجتماعی منتظران بسیار درس‌آموز است سلامهای آخر نماز است. هر مسلمان در هر کجای زمین که هست، هر روز پنج بار باید به تمام همفکرانش سلام کند «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین»؛ سلام بر بندگان صالح خدا؛ سلام بر سرمایه‌داران هرگز، سلام بر قدرتمندان هرگز، سلام فقط بر عباد صالح خدا. سلام بر طرفداران مکتب حق «عبادالله الصالحین». سیاست خارجی ما را در نماز، یکی «غیر المغضوب علیهم» تعیین می‌کند و یکی «السلام علینا و علی عبادالله الصالحین». آری، کسی که هر روز به بندگان خدا سلام کند، با آنها حيله نمی‌کند، خیانت نمی‌کند، کلاه سرشان نمی‌گذارد.

۳. رهبر مخوری

ویژگی دیگر مهمی که باید در همه منتظران و سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع باشد

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۵.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۷۷.

آن است که باید به جای خودمحموری، امام محور باشند و اساساً تا انسانی تمام زندگی خود را بر محور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار ندهد نمی تواند فرد مؤثری در زمینه سازی ظهور بوده و توفیق سربازی در رکاب امام زمان را نخواهد داشت. نماز در این جهت نیز می تواند مؤثر باشد.

اصل در نماز، به جماعت خواندن است. نماز جماعت بدون امام نمی شود، چنانکه جامعه بدون رهبر نمی شود. در روایتی می خوانیم:

اگر شخصی تمام شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج برود، اما ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او انجام ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.^۱ مشکل امروز مسلمانان آن است که نماز می خوانند، ولی رهبرانشان افراد ترسو و وابسته و دست نشانده و بدون ملاک های الهی اند. با زبان از خداوند راه مستقیم می خواهند، ولی در عمل بیراهه می روند.

امام برای همه مردم به طور یکسان امام است، نه برای گروه خاص. فقیر و غنی و زشت و زیبا در کنار هم قرار می گیرند، باید امتیازات پوچ با نماز جماعت از جامعه حذف شود، اگر امام در نماز اشتباه کرد مردم به او هشدار می دهند؛ یعنی در نظام اسلامی امام وامت باید مراقب یکدیگر باشند.

امام جماعت باید مراعات ضعیف ترین مردم را بکند و نماز را طول ندهد و این خود درسی است که مسئولین باید در برنامه ریزی ها و حرکات ها توجه به همه اقشار داشته باشند. در نماز جماعت مردم نباید از امام جلو بیفتند و این درس دیگری است که نشانه نظام و ادب می باشد. اگر از امام جماعت گناه بزرگی سر زد و مردم فهمیدند، باید کنار رود؛ یعنی مردم و جامعه را نباید به دست فاسق

۱. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۱۸.

سپرد. در نماز جماعت همه با هم به خاک افتاده و سجده می‌کنیم؛ آری، باید همه با هم باشیم. در نماز جماعت همه مردم می‌توانند با کسب علم، تقوا، محبوبیت و... امام شوند. پیشنمازی ارث کسی نیست، هر کسی در کمالات برتر شد، در جامعه آقا است.

۴. امداد رسانی و حل مشکلات اجتماعی

نماز صحیح و با رعایت شرایط آن می‌تواند بسیاری از مشکلات اجتماعی و موانعی که مانع از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریع می‌شود را کم یا برطرف کند. این سفارش قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» از شکیبایی و نماز کمک بگیرید». همچنین در حدیث می‌خوانیم: هرگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام گرفتار مشکلات می‌شدند به نماز می‌ایستادند. این خطاب قرآنی فقط مخصوص حل مشکلات فردی نیست، بلکه منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریع می‌توانند با اقامه نماز بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه منتظران را برطرف کنند.

یکی از برکات نماز به خصوص در مساجد، امدادگری است؛ همیشه محرومان به مساجد روانه می‌شدند و مشکلات خود را با مردم در میان می‌گذاشتند و در آن مکان مقدس آن را حل می‌کردند. سابقه این کار از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. قرآن صحنه‌ای را نقل می‌کند که فقیری وارد مسجد شد و از مردم استمداد کرد. کسی به او توجهی نکرد و فقیر با ناله به خداوند حال خود را گفت. حضرت علی علیه السلام مشغول نماز بود، به فقیر اشاره کرد و او جلو آمد و حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به او داد، آیه نازل شد که: «رهبر

شما فقط خداوند و پیامبرش و کسانی‌اند که در حال رکوع انفاق و به فقرا رسیدگی می‌کنند». همین که مردم آیه را شنیدند به مسجد آمدند تا ببینند این آیه درباره چه کسی نازل شده است. فهمیدند که مورد آیه شخص علی بن ابیطالب علیه السلام است. به هر حال، امداد رسانی و کمک به فقراء از مسجد و در سایه برکات نماز بوده و خواهد بود. اجتماع مردم در مسجد برکاتی دارد که با نوشتن چند سطر حق آن ادا نمی‌شود.

۵. دوست‌یابی صحیح

لازم است در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظران ایشان، دوستانی انتخاب کنند تا هم در مسیر دین‌داری در آخرالزمان به آنها تکیه کنیم و هم برای زمینه‌سازی ظهور با کمک همدیگر بتوانیم گام‌های مؤثرتری برداریم. برای رسیدن به این مقصود، نماز بسیار مؤثر است؛ مخصوصاً اگر در مسجد و به صورت جماعت انجام شود. در حدیث است: یکی از برکات مسجد و نماز، پیدا کردن دوست خوب است.^۱ انسان در زندگی اجتماعی خود نیاز به دوست دارد و نقش مثبت یا منفی دوست در زندگی انسان بر کسی پوشیده نیست. مسجد بهترین مرکز دوست‌یابی است. کسانی که به مسجد می‌روند برای بندگی خدا می‌روند. حیل‌ها و خودنمایی‌ها را کنار می‌گذارند و انسان می‌تواند در میان مردم مسجد، دوست خود را انتخاب کند. اگر شخصی اهل نماز نبود، چرا با او دوست شویم؟ او که با خدا قهر است، با من نیز دوست نخواهد بود. او که الطاف خدا را فراموش می‌کند، خدمات مرا هم فراموش خواهد کرد. او که با مؤمنین وفادار نیست، چگونه اطمینان داری با تو وفادار بماند؟

۱. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۳۵۱.

۶. اصلاح مسائل مالی و اقتصادی

توجه به مسائل اقتصادی جامعه منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی از مسائل مهمی است که متأسفانه آن طور که شایسته است، به آن توجه نمی‌شود؛ در حالی که همان طور که در عصر ظهور، به خاطر تأثیر امور مالی بر دین‌داری، خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتصاد جامعه را مدیریت خواهد کرد، در عصر غیبت هم باید همه مسئولان به این موضوع توجه جدی داشته باشند.

در همین راستا نماز، یکی از عواملی است که می‌تواند به اصلاح مسائل اقتصادی کمک کند. در نماز باید لباس و مکان و آبی که برای غسل و وضو استفاده می‌شود حلال و طبق دستور اسلام باشد و اگر دگمه یا نخ‌ای از لباس یا قطره‌ای از آبی که برای نماز مصرف می‌شود از طریق نامشروع تهیه شده باشد نماز باطل است.

جالب اینکه اگر بخواهیم نماز و دعای ما قبول واقع شود باید لقمه‌ای را که مصرف می‌کنیم نیز حلال باشد.

آری، همانگونه که هواپیما برای پرواز، بنزین مخصوص می‌خواهد، پرواز معنوی انسان نیز لقمه حلال لازم دارد.

۷. تقویت روابط سازمانی و تشکیلاتی

یکی از مهارت‌های زندگی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که باید همه منتظران آن را داشته باشند، مهارت زندگی تشکیلاتی در جامعه است، زیرا بسیاری از کارها و اصلاحات مهم در جامعه برای زمینه‌سازی ظهور به صورت فردی قابلیت انجام را جز به صورت تشکیلاتی ندارد و همین امر تقویت روحیه تشکیلاتی را دوچندان می‌کند. جالب این است که نماز به تقویت این روحیه کمک زیادی می‌کند. چنانچه برای امام جماعت حالتی پیش آید که نتواند به

نماز ادامه دهد، یکی از کسانی که پشت سر او و در نزدیکی او هستند در همان حال امامت را به عهده می‌گیرد و این نشانگر آن است که برنامه‌های اسلامی با رفتن يك فرد نباید به هم بریزد، بلکه باید تشکیلات و نظام چنان پایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شود که هرگاه فردی رفت نظام از هم نپاشد و تشکیلات همچنان پا بر جا باشد. مهم، تداوم راه است، هر چند پیشوا عذری پیدا کند. قرآن کریم در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ و محمد جز پیامبری نیست که پیش از او نیز پیامبران (دیگری آمده و) در گذشته‌اند. (بنابراین مرگ برای انبیا نیز بوده و هست)، پس آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به (آئین) گذشتگان خود بر می‌گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، پس هرگز هیچ ضرری به خداوند نمی‌زند و خداوند به زودی پاداش شاکران را خواهد داد.

در تفاسیر آمده است: در جنگ احد هنگامی که شایعه گردید محمد کشته شد. این شایعه موجب شادی و روحیه گرفتن کفار شد و جمعی از مسلمانان ضعیف‌الایمان پا به فرار گذاشتند. برخی به فکر گرفتن امان از ابوسفیان فرمانده کفار افتادند. در برابر این گروه، مسلمانانی با صدای بلند فریاد می‌زدند: اگر محمد هم نباشد راه محمد و خدای محمد باقی است، فرار نکنید. این آیه می‌گوید: جامعه اسلامی باید چنان تشکل و انسجامی داشته باشد که حتی مرگ رهبر به آن ضربه‌ای نزند.

یکی از اصول مسلم قرآنی آن است که مسلمانان باید دارای حکومت و تشکیلات و رهبری باشند. از بهترین آیاتی که درباره کار تشکیلاتی وجود دارد آیه ۵۶ سوره مائده است: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ

الْغَالِبُونَ؛ و هرکس که خدا و پیامبرش و چنان مؤمنانی را (که در آیه قبل بیان شد) ولی خود بگیرد (از حزب خداست) همانا حزب خدا پیروز است». برخی از نکاتی از آیه که فهم این مطلب به ما کمک می‌کند از این قرار است:

اول. بر طبق احادیث مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا»، حضرت علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام هستند. دوم. اوصاف حزب الله در سوره‌ی مجادله آیه ۲۲ چنین بیان شده است: اولاً، به مبدأ و معاد ایمان دارند و ثانیاً، دشمنان خدا، دوستی نمی‌کنند.

سوم. این آیه که لزوم پذیرش ولایت خدا و رسول و امامان را بیان می‌کند، می‌فهماند که مراد از «وَلِيَّكُمْ» در آیه‌ی قبل، سرپرست و حاکم است نه دوست و یاور، چون تعبیر «حزب الله» و غالب بودن آنان، اشاره به نظام قدرتمند و حکومت دارد.

چهارم. «حِزْب» در لغت به معنای گروه با قدرت و با صلابت است. چون پیروزی، بدون تشکیلات، مدیریت، قدرت، وحدت، جرأت و ... امکان ندارد، پس «حزب الله» باید برای حاکمیت و غلبه این صفات را داشته باشند.

حزب الله نه تنها غالب و پیروزند، بلکه رستگار نیز هستند. «حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»، «حِزْبُ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۸. افزایش محبت بین همدیگر

در زمان غیبت امام زمان علیه السلام که عصر امتحانات دشوار و حيله‌گری دشمنان دین و مهدویت است، همبستگی و محبت بین مؤمنان و منتظران، برای در امان بودن از این مشکلات لازم بوده و توجه به نماز و اقامه آن در مساجد از این جهت بسیار مهم است. تعاون و محبتی که میان مسجدی‌هاست میان دیگران نیست. در نظام زندگی مسجدی‌ها همین که يك نفر دو سه روز نیامد

احوالش را می‌پرسند. اگر مریض است عیادتش می‌روند، اگر مشکلی دارد حل می‌کنند، مسجدی‌ها احساس غربت نمی‌کنند. کسی که هیچ فرزند و برادری نداشته باشد، ولی سروکارش با مسجد باشد احساس می‌کند همه مردم برادر و فرزندش هستند.

بارها دیده شده يك مسجدی ساده که از دنیا می‌رود مجالس او پر رونق، مغازه‌ها برای او بسته و تشییع جنازه او شلوغ و با شکوه است. اینها نشانه پیوند قلبی و محبتی است که در خانه خداوند با مؤمنین ایجاد می‌شود. يك مسجدی در خود يك دلگرمی احساس می‌کند، مردم را در غم و شادی خود شریک می‌داند و هرگز این عواطف گرم از دوستان مسجدی را نمی‌توان با چیزی مقایسه کرد.

۹. کارکردهای حاصل از معاد باوری

قبلاً به صورت مختصر درباره نقش نماز در مرگ‌اندیشی صحیح منتظران صحبت شد. برخی دیگر از کارکردهای اجتماعی نماز که حاصل تقویت معادباوری است را در اینجا بیان می‌کنیم تا به نقش تربیتی آن در زندگی اجتماعی منتظران نمازگزار پرداخته باشیم.

اصولاً تشویق و تهدید (حتی اگر به مقدار کم باشد) در حرکت انسان نقش مهمی دارد، تا چه رسد به اینکه تشویق کننده و یا غضب کننده خداوند متعال و نوع تشویق و تهدید دوزخ و بهشت جاودانه باشد. ما اگر ایمان و یقین به معاد را در خودمان زنده کنیم، اثر و نقش آن بر کسی پوشیده نیست؛ کسی که می‌داند این خانه حساب دارد، بازرس دارد، دادگاه و زندان و شکنجه دارد و ریز و درشت کارش زیر نظر و مورد حساب قرار می‌گیرد و تمام سختی‌ها و راحتی‌ها بازتاب عملکرد خود اوست؛ قهراً نمی‌تواند يك انسان بی‌تفاوت و

هرزه کار و متجاوز باشد و کسی که می داند مقدار کمی از کارش هم بی حساب نمی ماند، نمی تواند دلگرم نباشد، قرآن در این زمینه آیاتی دارد که ما نمونه هایی از آن را در اینجا نقل می کنیم:

نقش معاد در مسائل اقتصادی

قرآن به کسانی که داد و ستد دارند می فرماید: وای برکم فروشان! کسانی که وقتی از مردم پیمان می گیرند و خرید می کنند، سعی دارند تمام بگیرند، لیکن هر گاه بنا دارند پیمان بدهند و یا وزن نمایند و بفروشند کم می دهند؛ سپس می فرماید: ﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^۱ آیا این کم فروشان نمی دانند که برای روزی بسیار بزرگ مبعوث خواهند شد؟ و در دادگاه عدل الهی باید پاسخ آن همه کم فروشی را بدهند؟

در اینجا قرآن با یادآوری قیامت، جلو کم فروشان را می گیرد؛ البته این نمونه ای از نقش معاد بود و گر نه ایمان به معاد در تمام مسائل اقتصادی اعم از تولید، توزیع، مصرف، مدیریت، بازرگانی و تجارت و هر نوع فعالیت دیگر نقش مهمی دارد، به خصوص در مسأله ولخرجی و اسراف.

نقش معاد در مسائل نظامی

قرآن می فرماید: گروهی از بنی اسرائیل نزد یکی از پیامبران خود آمده و گفتند: ما بنا داریم در راه خدا با متجاوز ستمگر بجنگیم، لیکن نیاز به يك فرمانده لایق داریم. پیامبرشان فرمود: من فکر نمی کنم که شما مرد جنگ باشید! آنان گفتند: با این همه ستمی که از متجاوز می کشیم حتماً آماده جنگ در راه خدا هستیم. پیامبر گفت: خداوند طالوت را که جوانی شایسته و نیرومند و آشنا به

۱. سوره مطففین، آیه ۴ و ۵.

مسائل رزمی است، به عنوان فرمانده شما معرفی می‌کند. آنگاه مردم در برابر این وعده و فرمان پیامبر، به چند دسته تقسیم شدند: گروهی از داوطلبان جبهه و جنگ، بعد از شعارهای زیاد، همین که فرمان جنگ صادر شد؛ در همان مرحله‌ی اول نافرمانی کرده و فرار نمودند. گروهی دیگر فقر مالی فرمانده را بهانه قرار داده و از رفتن به جبهه سرباز زدند. گروه دیگر با اینکه قول داده بودند که در آزمایشی که خداوند از آنها می‌گیرد استقامت کنند، اما بی‌صبری کرده و مردود شدند.^۱

گروه دیگری گرچه به هنگام صدور فرمان جنگ نترسیدند، اما همین که لشکر قدرتمند دشمن را دیدند خود را باخت و گفتند: ما امروز طاقت مبارزه نداریم. تنها يك دسته کوچکی که ایمان به معاد داشتند با شعار: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۲ یعنی چه بسا گروه کمی که بر گروه زیاد به اذن خدا پیروز می‌شوند، به دشمن حمله کرده و دشمن را از پای در آوردند.

در این ماجرا - که به نام داستان طالوت و جالوت در سوره بقره آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ مطرح شده -، رمز پیروزی و پایداری در جبهه و جنگ را ایمان به معاد دانسته است؛ زیرا می‌فرماید: ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ﴾^۳؛ یعنی کسانی که ایمان به ملاقات خدا و روز قیامت داشتند گفتند: پیروزی مربوط به جمعیت زیاد یا کم نیست، باید به دشمن حمله کنیم و به وظیفه الهی خود

۱. آزمایش این بود که فرمانده به هواداران خود فرمود: در مسیر جنگ خداوند شما را با يك نهر آب آزمایش می‌کند، یعنی شما به عنوان آزمایش برای مدتی مورد امتحانی قرار می‌گیرید که نباید (جز بسیار کمی) از آن بنوشید و هر کدام نوشیدید از لشکریان من نیستید، لکن این لشکر تشنه همین که به نهر آب رسیدند، جز افراد کمی همه سر بر آب نهادند و بطور کامل نوشیدند و بدین وسیله از آزمایش الهی مردود بیرون آمدند.

۲. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۳. سوره بقره، آیات ۲۴۴ تا ۲۵۱.

عمل کنیم که خداوند با صابران است.

آری، تلاش و روحیه رزم‌آوری رزمنده، وابستگی کامل به نوع دید و جهان بینی او دارد، رزمنده‌ای که آینده خود را زندگی ابدی و بهشت جاودان و همسایگی رسول خدا و اولیای الهی می‌داند، با رزمنده‌ای که قتل خود را نابودی و پوچی می‌داند قابل مقایسه نیست. قرآن نسبت به کسانی که در رفتن به جبهه سستی نشان می‌دهند و به لذات دنیوی دل بسته‌اند می‌فرماید: ﴿أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ﴾^۱ آیا به جای آخرت به دنیا راضی شدید؟! ﴿

نقش معاد در برخورد با طاغوتیان

فرعون برای اینکه آبروی حضرت موسی را بریزد از همه شهرها ساحران را دعوت کرد تا با سحر و جادویشان معجزه حضرت موسی را خنثی نمایند. این ساحران - که تا آن موقع ایمان به معاد نداشتند - همه چشم به سگه‌های دربار فرعون داشتند و حتی آن روح‌گدایی خود را به زبان هم آورده و به فرعون گفتند: ﴿أَتَيْنَّا لَنَا لَأَجْرًا﴾^۲ آیا اگر ما آبروی موسی را بریزیم، پول و مزدی به ما می‌دهی؟! آنگاه با پاسخ مثبت فرعون شروع به کار نمودند و هر چه در توان داشتند انجام دادند. حضرت موسی عصای خود را انداخت و ازدها شد و تمام بافته‌های آنان را نابود کرد. ساحران که فهمیدند معجزه و کار موسی از سحر و نوع کارهای محدود خودش خارج بوده و کاری صددرصد الهی است، در حضور فرعون به موسی علیه السلام گرویده و به او ایمان آوردند. فرعون که خشمناک شده بود همه را تهدید کرد و گفت: آیا قبل از اجازه من ایمان می‌آورید؟! من دست و پای شما را به عکس یکدیگر قطع می‌کنم و به شاخه‌ها و تنه‌های

۱. سوره توبه، آیه ۳۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۱۳ و شعراء، آیه ۴۱.

درخت خرما آویزانتان می‌کنم. اما آنان که تا ساعتی قبل ایمان نداشتند و چشم به جایزه‌های فرعون‌نی داشتند، اکنون به خاطر ایمان به خدا و معاد، در برابر فرعون ایستاده و با کمال آرامش به او گفتند: «إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا! هر کاری می‌خواهی انجام بده؛ زیرا زور و ستم تو بیش این دنیا نیست» و «قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»^۱ کشتن ما مهم نیست که ما به سوی خدای خود بازمی‌گردیم»^۲.

راستی، ایمان به معاد چه غوغایی در روح این افراد به وجود آورد، دنیا و فرعون و سگه‌ها و پادشاهایی را که تا چند لحظه پیش برای آنها مهم‌ترین مسئله جلوه می‌کرد، یکسره به هیچ می‌انگارند و به ریش فرعون می‌خندند و زور و قدرت او را محدود و ناچیز می‌دانند. آری، ایمان به معاد در این افراد انقلاب فرهنگی به وجود آورد، روحشان را بزرگ نمود و آنها را تا عشق به شهادت پیش برد.

نقش معاد در توجه به محرومان

عقیل که پیرمرد عیالواری بود، خدمت برادر خود امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام رسید و درخواست کرد تا از بیت‌المال به سبب خویشاوندی خود سهمیه بیشتری به او بدهد. امام آهنی را داغ کرد و نزدیک دست عقیل آورد، عقیل از ترس دست خود را می‌کشد. امام می‌فرماید: اگر تو از این آتش ساده دنیا می‌ترسی، من از عذاب و قهر ابدی خدا می‌ترسم.^۴

امام حسن و امام حسین علیهما السلام در کودکی بیمار شدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه

۱. سوره طه، آیه ۷.

۲. سوره شعراء، آیه ۵۰.

۳. تمام ماجرا در سوره اعراف، آیات ۱۱۲ تا ۱۲۶ و شعراء، ۳۷ تا ۵۱ و طه، ۵۶ تا ۷۲ بیان شده است.

۴. نهج البلاغه، قصار ۲۱۵.

اصحابش به عیادت آنان آمدند، هنگام خروج از منزل، مردم به حضرت علی علیه السلام پیشنهاد کردند که خوب است برای سلامتی این دو کودک سه روز روزه نذر کنید. امام پذیرفت و هنگامی که بیماری آنان برطرف شد حضرت علی علیه السلام به همراه همسر خود حضرت زهرا علیها السلام و بقیه خانواده روزه گرفتند. هنگام افطار در حالی که غذایی در منزل نبود و با زحمت بسیار کمی نان تهیه شده بود، همین که نماز مغرب را به جا آورده و خواستند افطار کنند صدای در خانه را شنیدند که شخصی می گوید من فقیر و نیازمند هستم؛ به من کمک کنید! آن بزرگواران نان خود را به فقیر داده و تنها با آب افطار کردند.

شب دوم باز همین که خواستند افطار کنند صدای در بلند شد که شخصی یتیم هستم، و شب سوم اسیری از پشت در تقاضای نان کرد. هر سه شب آن عزیزان با آب افطار نمودند و دلیل این فداکاری را در سوره انسان چنین می خوانیم: «إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطِرِيرًا...»^۱ ما از روز قیامت که روزی گرفته و سیاه و دردناک است می ترسیم». به راستی ایمان به معاد چگونه انسان را در برابر محرومان جامعه مسئول و متعهد بار می آورد. آری، کسانی که در برابر محرومان بی تفاوت هستند، در قیامت اقرار می کنند که یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ این بی تفاوتی ها بود: «وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ»^۲ به مسکین و بیچاره ها غذا نمی دادیم». چنانکه در سوره ماعون دلیل بی اعتنائی به یتیمان و محرومان، نداشتن ایمان به قیامت عنوان شده است.

ایمان به معاد، پشتوانه تمام کمالات

اکثر کمال ها و ایثارها و فضائل اخلاقی، همراه با یک نوع محرومیت، زندگی

۱. سوره انسان، آیات ۱۰ تا ۲۲.

۲. سوره مدثر، آیه ۴۴.

ساده، تحمّل فشار و ناگواری‌ها برای انسان حاصل شده و همراه آنان می‌باشد. آن اهرمی که بتوان با آن این وزنه‌ها را حرکت داد و آن همه ناگواری را تحمّل کرد، همان ایمان به قیامت و جبران و تلافی‌های آن روز است. ایمان به پاداشهای اخروی الهی به انسان این انگیزه را می‌دهد که اگر چند روزی در دنیا فشار و ناراحتی دیدی جای دور نمی‌رود و فردای قیامت که روز نیاز است، اجر تمام زحمات را چندین و چند برابر می‌گیری. به راستی با چه عاملی رزمندگان جان خود و ثروتمندان پول و ثروت خود را ایثار می‌کنند، یا چه نیرویی می‌تواند انسان را به کنار گذاردن هوسها و شهوت‌ها دلگرم کند؟ اگر عشق ملاقات خدا و اولیای او و سخن با یاد او نباشد با چه انگیزه‌ای این همه راههای پر پیچ و خم پیموده شود؟ اگر جزایی در کار نباشد، چرا انسان زیر بار تکلیف برود؟ اگر انتقامی نباشد، چه نیرویی انسان را از تجاوز باز دارد؟ اگر امروز مؤمنان این همه زخم زبان و تهمت و متلک کافران را تحمّل می‌نمایند، به خاطر وعده و بشارت‌هایی است که در قرآن آمده است. قرآن می‌فرماید: ﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾^۱ امروز (که روز قیامت است) مؤمنان به کفار می‌خندند. اگر زن فرعون به هیچ قیمتی جذب قدرت، مال، عنوان، کاخ و طلاهای فرعون نمی‌شود، چون او چشم به جای دیگر دوخته است، او می‌گوید: ﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾^۲ خدایا! مرا از کاخ فرعون نجات ده و برای من در بهشت خانه‌ای در جوار رحمت خودت بنا کن.

آری، دل که هوای بهشت کرد، کاخ فرعون هم برایش زندان می‌شود و لذا حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ الدُّنْيَا عَوَضًا عَنْ

۱. سوره مطففین، آیه ۳۴.

۲. سوره تحریم، آیه ۱۱.

الآخرة؛ زیان‌کارترین مردم کسی است که (به جای آخرت) به دنیا راضی و دلگرم باشد». شاید دلیل اینکه آن همه برای رفتن به قبرستان و زیارت اهل قبور سفارش شده این باشد که غافل نباشیم و کمی یاد مرگ باشیم، چنانکه در هر شبانه روز واجب است در نماز چند بار جمله «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» را به زبان بیاوریم تا همواره متوجه قیامت باشیم.

فصل ششم. جایگاه نماز در عصر غیبت

همان طور که قبلاً نیز گفته شد بر طبق بسیاری از احادیث، عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عصری است که مردم با گرفتاری‌های زیادی مواجه هستند. با وجود اهمیت فوق‌العاده نماز در قرآن و روایات ائمه معصومین باید دید که آیا به این موضوع اساسی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه کافی می‌شود یا اینکه بسیاری از مشکلات که در زمان غیبت ظهور و بروز دارد به نحوه برخورد مردم با نماز نیز بستگی دارد. با همه اهمیتی که نماز در نزد خداوند و اولیا دارد، اما برخورد مردم با آن متفاوت است:

الف) عده‌ای ایمان ندارند و نماز نمی‌خوانند: ﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾؛^۱
 ب) عده‌ای مانع نماز دیگران می‌شوند: ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى * عَبْدًا إِذَا صَلَّى﴾.^۲ در تفسیر نمونه و در شأن نزول آیه آمده است که ابوجهل تصمیم گرفت هنگامی که پیامبر برای نماز به سجده می‌رود با لگد، گردن حضرت را در هم بشکند. مردم او را دیدند که رفت ولی منصرف شد. گفتند: چرا چنین نکردی؟! گفت:

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۱۴۰.

۲. سوره قیامت، آیه ۳۱.

۳. سوره علق، آیات ۹-۱۰.

چون خواستم چنین کنم، خندقی از آتش دیدم که در پیش روی من شعله‌ور شد.

ج) عده‌ای نماز را مسخره می‌کنند: «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا»^۱؛
 د) عده‌ای بی‌نشاط نماز می‌خوانند: «وَ إِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى»^۲؛
 ه) عده‌ای گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۳؛

و) عده‌ای به خاطر رسیدن به دنیا، از نماز کم می‌گذارند: «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوكَ قَائِمًا»^۴ هرگاه لهو و تجارتی دیدند به سوی آن روانه شده و تو را در حالی که به خواندن خطبه نماز ایستاده‌ای وامی‌گذارند. این آیه اشاره به ماجرای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول خواندن خطبه‌های نماز جمعه بود که کاروانی تازه وارد، برای فروش اجناس خود شروع به طبل زدن کردند. مردم از پای سخن پیامبر بلند شده و به سراغ تجارت و معامله رفتند و حضرت را تنها گذاشتند.

متأسفانه در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سهل‌انگاری درباره نماز در میان مردم بیشتر شده است و همین بریدن از نماز، زمینه گرایش به مفسد را در میان جامعه بیشتر کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «... فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»^۵ پس از انبیا گروهی جانشین آنها شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند. این آیه، ابتدا ضایع شدن نماز را مطرح کرده و سپس در دام شهوات قرار گرفتن را. چون نماز ریسمان

۱. سوره مائده، آیه ۵۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۴۲.

۳. سوره ماعون، آیات ۴-۵.

۴. سوره جمعه، آیه ۱۰.

۵. سوره مریم، آیه ۵۹.

ارتباط با خداست، همین که پاره شد، افتادن در وادی تباهی حتمی است، همچون گسستن بند تسبیح که همه دانه‌ها در اثر آن پخش و گم می‌شوند. به خاطر این تأثیر مهم نماز است که بسیاری از دستورات دینی همانند تحریم شراب و قمار به خاطر حفظ نماز آمده است، زیرا با اینکه شراب و قمار مفسد جسمی، روحی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد، اما قرآن درباره آثار این دو می‌فرماید: «وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»^۱ اینها میان شما کینه ایجاد می‌کند و شما را از یاد خداوند و نماز باز می‌دارد». در این آیه از میان دهها خطر و ضرری که شراب دارد، روی ضرر اجتماعی و معنوی آن تکیه شده است. ضرر اجتماعی پیدا شدن کینه و ضرر معنوی غفلت از یاد خدا و نماز.

۱. سوره مائده، آیه ۹۱.

بخش سوم
تأثیر محدودیت بر نماز

فصل اول. مهدویت و افزایش رغبت به نماز

اگر نماز بر مهدویت تأثیر زیادی دارد که در بخش قبل گذشت، آثار و برکات مهدویت نیز بر نماز پوشیده نیست. یکی از این آثار، افزایش رغبت مسلمانان به نماز است. توضیح آنکه ما و همه مسلمانانی که به امام زمان علیه السلام عشق می‌ورزیم در ارتباطات معنوی خود با ایشان با دعا و زیارات مهدوی مأنوس هستیم؛ به عنوان نمونه یکی از سلام‌هایی که به امام زمان می‌دهیم، این است که می‌گوییم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمَسِّي؛ سلام بر نمازهایت، سلام بر رکوع‌هایت، سلام بر سجده‌هایت، سلام بر قنوت‌هایت، سلام بر لا اله الا الله گفتن‌هایت، این سلام‌ها به امام زمان است». همه این فرازها علاقه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نماز را نشان می‌دهد و این مطالب نشان می‌دهد که اگر ما در دوستی خود با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادق هستیم باید همانند او به نماز علاقه داشته و به آن اهمیت بدهیم.

افزایش رغبت و توجه به نماز را از جهتی دیگر نیز می‌توان بررسی کرد و آن راهکاری است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مبارزه با مکرهای شیطان در عصر غیبت به ما سفارش نموده و فرموده است: «ما أرغم أنف الشيطان بشيء أفضل من الصلاة فصلها و أرغم أنف الشيطان؛^۱ هیچ چیز همانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال». برای توضیح اهمیت نماز بر طبق این حدیث، باید شناختی از شیطان و توطئه‌های او با توجه به آیات

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۲.
۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۴۹۸.

قرآن داشته باشیم.

همه ما می‌دانیم که قرآن کریم نسبت به دشمنی شیطان بارها هشدار داده و فرموده است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۱ بی‌گمان، شیطان دشمن شما است، پس شما نیز او را دشمن بگیرید؛ جز این نیست که او دار و دسته خود را فرامی‌خواند تا از اصحاب دوزخ باشند). از آیات قرآن کریم فهمیده می‌شود که سابقه دشمنی شیطان با بشر دیرینه است؛ پدرمان آدم را از بهشت بیرون کرد: «كَمَّا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ»^۲. او دشمنی است که دیده نمی‌شود: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»^۳. او دشمن قسم خورده است: «فَبِعِزَّتِكَ...»^۴. از هر سو حمله می‌کند: «مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ...»^۵. او جز با دوزخی کردن مردم راضی نمی‌شود: «يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۶.

از همین رو امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر شیطان دشمن است، پس غفلت از او چرا؟»^۷

شیاطین جن و انس برای به انحراف کشاندن و بازداشتن مردم از راه حق، راه‌های مختلفی دارند که در قرآن مطرح شده است. از جمله آنها عبارت است از:

۱. سوگند دروغ: «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ»^۸ و (شیطان برای آن که وسوسه‌اش تأثیر کند، برای آن دو سوگند یاد کرد که به راستی من از خیرخواهان شمایم).

۱. سوره فاطر، آیه ۶.
 ۲. سوره اعراف، آیه ۲۷.
 ۳. سوره اعراف، آیه ۲۷.
 ۴. سوره ص، آیه ۸۲.
 ۵. سوره اعراف، آیه ۱۷.
 ۶. سوره فاطر، آیه ۶.
 ۷. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۳.
 ۸. سوره اعراف، آیه ۲۱.

۲. سرمایه‌گذاری‌های مادی: «يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ اموال خود را صرف می‌کنند تا از (رفتن مردم به) راه خدا جلوگیری کنند».
۳. سرمایه‌گذاری فرهنگی و گسترش و اشاعه فساد: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ؛ و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم‌کننده‌اند تا بی‌هیچ علمی، (دیگران را) از راه خدا گمراه کنند».
۴. بدعت و دین‌سازی: «وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ؛ برای خداوند همتایانی قرار می‌دهد تا (خود و دیگران را) از راه او منحرف سازد».
۵. زیبا جلوه دادن بدی‌ها و تزئین اعمال توسط شیطان: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ؛ شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته، پس آنان را از راه (حق) بازداشته».
۶. گام به گام انسان را به سوی خود می‌کشاند: «...خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ».
۷. گاهی مطلبی را القا می‌کند، نظیر آن که از دور سنگی پرتاب می‌کند: «الْقَى الشَّيْطَانُ...».
۸. گاهی تماس می‌گیرد ولی نفوذی ندارد: «مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ...».
۹. گاهی در دل نفوذ می‌کند: «الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ».
۱۰. گاهی در دل نفوذ می‌کند و همانجا می‌ماند: «فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ».

۱. سوره انفال، آیه ۳۶.

۲. سوره لقمان، آیه ۶.

۳. سوره زمر، آیه ۸.

۴. سوره نمل، آیه ۲۴.

۵. سوره نور، آیه ۲۱.

۶. سوره حج، آیه ۵۲.

۷. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

۸. سوره ناس، آیه ۵.

۹. سوره زخرف، آیه ۳۶.

در مقابل وسوسه‌های شیطانی مردم را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول، افرادی وسوسه شیطان در روحشان کارساز است: ﴿... الَّذِي يُوسُّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾^۱.

دسته دوم، بعضی‌ها شیطان با آنان تماس می‌گیرد، ولی فوراً متوجه می‌شوند و او را طرد می‌کنند: ﴿... مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا﴾^۲. دسته سوم، گروهی، شیطان همیشه با آنهاست: ﴿فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^۳.

البته پیامبران الهی جزء هیچ يك از این سه دسته نیستند، آنان معصومند و شیطان نه قرین آنهاست، نه در روحشان وسوسه می‌کند و نه با آنان تماس می‌گیرد، شیطان در طرح و برنامه و آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح پیامبران و برنامه‌ها و اهدافشان، از حساب شخصی آنان جداست. شیطان به عزت خداوند سوگند یاد کرده که با استمداد از حزب و قبیله‌اش و از راه زینت دادن، وعده‌ها، تبلیغات، وسوسه‌ها و افراد منحرف، از هرسو انسان را شکار کند.

در حدیث می‌خوانیم: «شیطان سوگند خورد از چهار طرف در کمین انسان باشد تا او را منحرف یا متوقف کند». امام باقر (ع) فرمود: «ورود ابلیس بر انسان از پیش رو بدین شکل است که امر آخرت را برای انسان ساده و سبک جلوه می‌دهد، و از پشت سر به این است که ثروت‌اندوزی و بخل و توجه به اولاد و وارث را تلقین می‌کند و از طرف راست با ایجاد شبهه، دین را متزلزل و تباه می‌سازد و از طرف چپ، لذات و شهوات و منکرات را غالب می‌کند».

حال با این توضیحات و شدت دشمنی شیطان واضح می‌شود که چرا در سخنان

۱. سوره ناس، آیه ۵.

۲. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

۳. سوره زخرف، آیه ۳۶.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز به عنوان یکی از ابزار مهم برای مقابله با شیطان شمرده شده است، زیرا نماز به عنوان کامل ترین عبادات می تواند در مقابل شگردهای شیاطین از نمازگزار محافظت کند؛ نه تنها نماز که همه آنچه به نماز مربوط است نیز به نوبه خود همین کارایی را دارد؛ مثلاً در روایات آمده است که: «اذان، صدایی است که شیطان ها را به فرار و دلهره وامی دارد».^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَ الْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَشْحَارِ؛ سه گروه هستند که از شیطان و جنودش در امان هستند؛ ذاکران خدا و گریه کنندگان از خشیت او و استغفار کنندگان در سحرگاهان.^۲

خلاصه آنکه نماز، ذکر رحمن است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ پس هرکس از نماز اعراض کند، دچار سلطه شیطان همراه می شود.

در برخی از کتابها نیز مطالبی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره نماز وجود دارد که خواندن آن بر ترغیب و اهمیت دادن ما بر نماز خواهد افزود. به عنوان نمونه: شخصی به نام زُهری می گوید: «سال ها آرزوی ملاقات صاحب الزمان را داشتم و در این راه زحمت فراوان کشیدم و پول زیادی خرج کردم، اما موفق نشدم. تا اینکه به محضر محمد بن عثمان (نایب دوم امام زمان) رفتم و مشغول خدمت شدم. روزی از ایشان پرسیدم: آیا می توان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف را ملاقات کنم؟ او گفت: صبح اول وقت بیا! فردا صبح، اول وقت، به خدمت ایشان مشرف شدم. او به استقبال من آمد. در همان حال جوانی را دیدم که چهره ای به زیبایی او ندیده و عطری خوشبوتر از رایحه وجودش به مشامم نرسیده بود. لباسی مانند تجار به تن کرده و چیزی در

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۹۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۴۶.

آستین نهاده بود؛ چنانکه تجار معمولاً اشیاء گران بهای خود را در آستین می‌نهند. وقتی نظرم به او افتاد، به طرف محمد بن عثمان برگشتم، او با یک اشاره تمام وجود مرا به آتش کشید و به من فهماند کسی را که می‌جستی اکنون در مقابلت نشسته است. از امام زمان علیه السلام سوالاتی نمودم و ایشان پاسخ فرمود و بسیاری از آنچه را که می‌خواستم بپرسم، نپرسیده جواب فرمود. آنگاه برخاستند تا وارد اتاقی دیگر شوند که من تا آن مدت اصلاً متوجه آن اتاق نشده بودم. در این حال، محمد بن عثمان گفت: اگر می‌خواهی چیز دیگری بپرسی، بپرس که بعد از این دیگر امام علیه السلام را مشاهده نخواهی کرد. به طرف حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف شتافتم تا سوالاتی دیگر را مطرح کنم. اما امام علیه السلام توجه نکرد و داخل اتاق شد و آخرین جمله‌ای که فرمود، این بود: «ملعون است، ملعون است کسی که نماز مغرب را آنقدر به تأخیر اندازد که ستارگان در آسمان آشکار شوند. ملعون است، ملعون است کسی که نماز صبح را آنقدر به تأخیر اندازد که ستارگان در آسمان ناپدید شوند»^۱.

۱. الغیة طوسی، ص ۲۷۱.

فصل دوم. اقامه کامل نماز به وسیله حکومت مهدوی

مروری بر آیات مهدوی مرتبط با حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نشان از پیوستگی عمیق بین نماز با حکومت مهدوی است؛ به گونه‌ای امام باقر علیه السلام در مورد آیه: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱ کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و [دیگران را] به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه امور برای خداست»، فرمود: «این آیه، متعلق به آل محمد یعنی دوازده امام و شخص مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران اوست که خداوند آنان را در شرق و غرب جهان جای دهد و دین اسلام را غالب گرداند و هر بدعت و باطلی را به وسیله او و یارانش محو کند؛ همان طور که سفیهان حق را از میان برده باشند و آن چنان عالم در آسایش به سر برد که اثری از ظلم در جایی دیده نشود».^۲

از این آیه و تفاسیر آن این گونه به دست می‌آید که اقامه نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است، زیرا در این آیه آمده است: «أَقَامُوا»، نه «يَقِيمُونَ». علاوه بر آن حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد معنوی افراد تحت حکومت خود هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...»؛ اما نکته مهمتر این آیه که پشتوانه حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است این مطلب است که اقامه نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد، زیرا در آیه شریفه قبل از «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، عبارت «إِنْ مَكَّنَّاكُمْ» آمده است و این امر نشان‌گر آن

۱. سوره کهف، آیه ۴۱.

۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

است که برای اقامه کامل نماز باید قدرتی رسمی به نام حکومت باشد تا در سایه حمایت‌های آن، این فریضه مهم الهی به خوبی در جامعه اجرا شود. باید دانست که اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را برهم می‌زند. نماز عید امام رضا علیه السلام آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم بر خود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد حکومت بنی عباس نیز به پایان خواهد رسید، لذا مأمون دستور داد که امام را از وسط راه بازگردانند.

دلیل آنکه نمازهای امروز مسلمین اثری ندارد آن است که به قسمتی از قرآن عمل شد و قسمتی فراموش شده است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...﴾^۱ نماز به پای دارید و زکات دهید و از رسول خدا اطاعت کنید، اما امروز بعضی نماز می‌خوانند و زکات نمی‌دهند و بعضی اهل نماز و زکات هستند، ولی ولایت کفار را پذیرفته‌اند. خدا نکند فکر مدیرعامل ما فقط به سوددهی کارخانه و فکر دانشگاه ما پرورش متخصص و فکر دولت ما فقط تولید و توزیع باشد، که اولین وظیفه مسئولان حکومت اسلامی اقامه نماز است، هم با شرکت خودشان و هم با تشویق همه جانبه مردم.

۱. سوره نور، آیه ۵۶.

فصل سوم. مهدویت، عامل قبولی نماز

در بخش اول کتاب آمد که نماز و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه عامل قبولی سایر اعمال است. می‌توان حتی مطلب را از این هم بالاتر برد و گفت با اینکه نماز عامل قبولی اعمال است، اما قبولی خود همین نماز، نیازمند مهدویت؛ یعنی ایمان و اعتقاد به ولایت و امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و این مطلب در احادیث ما نیز آمده است. جناب زرارہ از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمود:

بنی الإسلام على خمسة أشياء؛ على الصلاة والزكاة والحج والصوم والولاية. قال زرارہ: فقلت؛ وأی شيء من ذلك أفضل؟ فقال: الولاية أفضل لأنها مفتاحهن والوالی هو الدلیل علیهن. قلت؛ ثم الذی یلی ذلك فی الفضل؟ فقال: الصلاة؛ إن رسول الله صلی الله علیه وآله قال: الصلاة عمود دینکم؛ اسلام بر پنج چیز سازمان شده؛ بر نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. زرارہ گوید: گفتم: کدام اینها برتر است؟ فرمود: ولایت برتر است؛ زیرا کلید همه است و والی، رهبر بدانها است. گفتم: سپس کدامشان برتری دارد؟ فرمود: نماز، به راستی که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نماز عمود دین شما است....

آنگاه بعد از جملاتی حضرت فرمود:

ذروة الأمر و سنامه و مفتاحه و باب الأشياء و رضا الرحمن الطاعة للإمام بعد معرفته؛ إن الله عز و جل یقول: من يطع الرسول فقد أطاع الله و من تولى فما أرسلناك عليهم حفيظا. أما لو أن رجلا قام ليله و صام نهاره و تصدق بجميع ماله و حج جميع دهره و لم یعرف ولاية ولی الله فیوالیه و یكون جميع أعماله بدلالته إلیه ما كان له على الله جل و عز حق فی ثوابه و لا كان من أهل الإيمان ثم قال أولئك المحسن منهم

یدخله الله الجنة بفضل رحمته؛^۱ فراز امر دین و بلندترین کار آن و کلید آن و در هر چیزی و خشنودی خدای رحمان طاعت امام است، پس از شناختن او؛ زیرا خدای عز و جل فرماید: «هر که از رسول اطاعت کند محققا خدا را اطاعت کرده و هر که پشت دهد ما تو را نسبت به او نگهبان نفرستادیم» اما اگر مردی همه شب عبادت و هر روز روزه دارد و همه مالش را صدقه دهد و همه عمرش حج کند و ولایت ولی خدا را نداند تا پیرو او باشد و همه کارش به راهنمایی او باشد، او را بر خدای عز و جل حق ثوابی نیست و از اهل ایمان نباشد»، سپس فرمود: «آنان هر کدام خوش کردار باشند، خدا به فضل و رحمتش او را در بهشت در آورد».

در دعای ندبه نیز همین نکته به صورت روشن بیان شده است و منتظران ظهور در دعای خود به خداوند عرض می‌کنند: «وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً؛ به خاطر امام زمان نماز ما را قبول فرما».

خلاصه آنکه پذیرش امامت و ولایت معصومین شرط سیاسی قبولی اعمال است. ولایت و رهبری درست و آسمانی، همه بندگان خدا و بندگی‌ها و نماز و حج و جهاد را در راه الهی قرار می‌دهد و به آنها جهت شایسته می‌بخشد. مانند ایران امروز که با برخورداری از ولایت فقیه راه رو به رشدی را می‌پیماید. در مقابل، کشورهای اسلامی دیگر با آنکه نماز و روزه و ... دارند، ولی به خاطر انحراف در خط سیاسی و رهبری در ذلت به سر می‌برند. رهبری جامعه همانند راننده در یک ماشین است. اگر همه سرنشینان، مرتب و مؤدب باشند، ولی راننده مست یا جاده منحرف باشد، سقوط در پیش خواهد بود. ولی اگر راننده، سالم و با تجربه باشد، هر چند مسافران، کهنه پوش و نامرتب باشند، این سفر به مقصد می‌رسد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

بنابراین به خاطر همین اهمیت باور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که مآدعاهای مهدوی می خوانیم: «وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً؛ به واسطه او (حضرت مهدی) نماز ما را قبول فرما».

سخن آخر (توجه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با نماز)

حال که به پایان این کتاب نزدیک می شویم و از رابطه دو طرفه نماز و مهدویت گفتیم چه نیکو است که هر روز از دوران عمر و زندگانی خود را با توسل و توجه به وجود یگانه دهر و حجت حق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبارک نماییم، هرچند با دو رکعت نماز باشد. درباره توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با نماز مطالب مختلفی وجود دارد، اما یکی از نمازها را برای توسل به ایشان عرض می کنیم. این نماز مانند نماز صبح دو رکعت است که فقط بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت باید سه بار گفت: «صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ» و پس از اتمام نماز می گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَابْلُغْهُمْ مَنِّ أَفْضَلِ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ سَبْطُ نَبِيِّكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ! بار خداوند! تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توسل. ای صاحب بزرگی و احترام! درود فرست بر محمد و آل محمد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحیت را از طرف من به ایشان برسان. خدایا! همانا این دو رکعت هدیه ای است از من برای بندهات و فرزند بندهات و ولی تو و فرزند ولی تو، نوه پیامبر و

فرستاده‌ات در روی زمین تو و حجتت بر مخلوقات تو. ای سرپرست
مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان!».

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. امام امیرالمؤمنین، گردآوری: رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالهجرة، بی تا.
۲. امام سجاد علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، قم، دفتر نشر الیهادی، ۱۳۷۶ ش.
۳. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، بیروت، موسسه اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۵. بحرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المعاصن، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، مترجم: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایة الأثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، مکتبه رضویه، بی تا.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، بی جا: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۵. _____، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۱۶. ———، ثواب الاعمال، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ ش.
۱۷. ———، عیون أخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۸. ———، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۱۹. ———، معانی الأخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۲۰. ———، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۲۱. طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. عروسی حویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۲۴. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجة البيضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. ———، تفسیر الصافی، تهران، انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. ———، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. قمی، عباس، سفینه البحار، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، محقق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۳۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین ابن قاضی، کنز العمال، بیروت: مؤسسة

الرسالة، ۱۴۰۱ق.

۳۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الفیة، تهران، مكتبة صدوق، ۱۳۹۷ق.

۳۵. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

۳۶. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۷ش.

۳۷. یزدی حایری، علی، الزام الناصب، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ق.